

نبرد خلق

ویژه مطالعه روی کامپیوتر، تلفن دستی و ای پاد

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۲۴۲، یکشنبه ۱ دی ۱۳۹۲ (۲۲ دسامبر ۲۰۱۳)

سر دبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی، زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور امان، زینت میرهاشمی، آناهیتا اردوان، جعفر پویه، مهدی سامع

در این شماره می خوانید:

- *در سوگ مادر سلاحی...ص ۲
- *در غم درگذشت کاک عمر یزدان پناه...ص ۲
- *درگذشت مجاهد خلق رویا درودی...ص ۲
- *چهل و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل...ص ۳
- *علیه این تبهکاری باید قیام کرد - مهدی سامع...ص ۳
- *از رانندگی "قطار بی دنده و ترمز" تا وارونه نشینی بر چارپای توافق ژنو - منصور امان...ص ۵
- *طرح بودجه ۹۳، برنامه گسترش فقر و بی عدالتی - زینت میرهاشمی...ص ۸
- *نلسون ماندلا؛ پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید طبقاتی - لیلا جدیدی...ص ۱۰
- *گزارش صد روزه روحانی، جیب خالی، پُز عالی - جعفر پویه...ص ۱۴
- *مالکی زیر فشار همه جانبه - آناهیتا اردوان...ص ۱۸
- *تلاش ارتجاع برای رسوخ روحانیون در مدارس - شهره صابری...ص ۲۰
- *چالشهای معلمان در آذر ماه - فرنگیس بایقره...ص ۲۱
- *استثمار جنسی و ابعاد فاجعه بار آن - ناصر ناصری...ص ۲۵
- *برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۲ - زینت میرهاشمی...ص ۲۷
- *زنان در مسیر رهایی - آناهیتا اردوان...ص ۳۶
- *رویدادهای هنری ماه - لیلا جدیدی...ص ۴۰
- *متن اعتراض و انصراف والدین ستار بهشتی از روند رسیدگی به پرونده فرزندشان...ص ۴۷
- *اطلاعیه مطبوعاتی دکتر خوان گارسه...ص ۴۹
- *پایان اعتصاب غذای ساکنان لیبرتی و ایرانیان در شهرهای مختلف جهان...ص ۵۰
- *فراسوی خبرها...ص ۵۱
- *شهادی فدایی در دی ماه...ص ۵۷
- *انتشارات تصویری سازمان...ص ۵۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه‌ای، زنده باد آزادی»

در سوگ مادر سلاحی

با تاسف و تأثر بسیار خانم صدیقه حائری (مادر سلاحی) امروز شنبه ۹ آذر درگذشت. مادر سلاحی، زنی شجاع و فداکار بود که در سنگر مبارزه علیه ظلم و بیدادگری همیشه استوار می‌رزمید. سه فرزند مادر سلاحی رفقای فدایی جواد، کاظم و حسین در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه و برای آزادی و عدالت به شهادت رسیدند. رفیق مادر پس از انقلاب در کنار فرزندان به مبارزه علیه استبداد دینی ادامه داد و در این راه مسئولیتهای سخت را پذیرا شد و سرانجام در روز شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲ در سوید درگذشت. درگذشت مادر سلاحی را از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به فرزندان و فامیل مادر سلاحی، به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی و به همه آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گویم.



مهدی سامع شنبه ۹ آذر ۱۳۹۲ - ۳۰ نوامبر ۲۰۱۳

در غم درگذشت کاک عمر یزدان پناه

با اندوه فراوان و تاسف بسیار آقای عمر یزدان پناه در روز ۱۶ مهر ۱۳۹۲ (۸ اکتبر ۲۰۱۳) در شهر اربیل (کردستان عراق) درگذشت. زنده یاد کاک عمر خان مردی دلیر، پدری فداکار و مبارزی مقاوم علیه ارتجاع بود. در دوران جوانی از یاران قاضی محمد بود و پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ از پشتیبانان جنبش مقاومت مردم کردستان. دو فرزند کاک عمر، زنده یادان رشید (سمکو) و سعید با انتخاب مبارزه برای آزادی و عدالت به شهادت رسیدند. فدایی شهید رفیق رشید (سمکو) در یک نبرد قهرمانانه در شهر بوکان به شهادت رسید و انقلابی شهید رفیق سعید به وسیله عوامل جمهوری اسلامی در شهر سلیمانیه ترور شد. زنده یاد کاک عمر یزدان پناه که یار و پشتیبان مبارزه مردم کرد و مبارزه فرزندان او بود، به علت فشارهای بی حد سپاه پاسداران در سال ۱۳۶۳ با برجا گذاشتن تمام هستی خود شهر بوکان را ترک و به فرزندان پیوست.



زنده یاد کاک عمر تا وقتی زنده بود دور از زادگاهش زیست و با تنفر و انزجار از رژیم ولایت فقیه ما را ترک کرد. از جانب خودم و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، درگذشت زنده یاد کاک عمر یزدان پناه را به دایه آمین، به فرزندان و به فامیل کاک عمر و به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی، به مردم کردستان و به همه آزادیخواهان تسلیت می‌گویم.

مهدی سامع

درگذشت مجاهد خلق رویا درودی

سایت همبستگی ملی در روز پنجشنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۲ گزارش نمود که؛ مجاهد خلق رویا درودی که اخیراً از زندان لیبرتی برای معالجه به آلبانی منتقل شده بود در بیمارستانی در آلبانی درگذشت. بنا به این گزارش خانواده درودی از دیرباز در شهر مشهد به طرفداری از مجاهدین شناخته می‌شدند. فقدان مجاهد خلق رویا درودی را به خانواده و به همزمانش در سازمان مجاهدین خلق ایران تسلیت می‌گویم.



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران برگزار می کند

شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۱۴

ویرجینیا - آمریکا

چهل و سومین سالگرد رستاخیز سیاهکل

سخنران: زینت میرهاشمی

بررسی مسائل روز در فراسوی حماسه سیاهکل

گفتگو و تبادل نظر: زینت میرهاشمی و منصور امان

برنامه هنری: کارگاه هنر ایران، فریدون رمضانی

مجری برنامه: لیلا جدیدی

زمان: شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۱۴ برابر با ۲۶ بهمن ۱۳۹۲

شروع برنامه: ساعت ۷ شب

آدرس

Frying Pan Park (visitor center)

West Ox Road ۲۷۰۹

Herndon, VA 20171

علیه این تبهکاری باید قیام کرد

مهدی سامع

انتشار برخی از ارقام دزدی و اختلاس از جانب سران حکومت و افراد تازه به دوران رسیده ای که در حاشیه قدرت برای باندهای درونی قدرت کارچاق کنی می کنند، دلایل سیر قهقرایی اقتصاد ایران را بیشتر روشن کرد. هم سید علی خامنه ای با امپراطوری مالی که فقط از طریق مصادره ها و به ویژه مصادره زمینهای مردم و یا زمینهای عمومی بیش از ۹۰ میلیارد دلار چپاول کرده و هم سرمایه چپاولگرانه افرادی همچون بابک زنجانی و رضا ضراب و یا رشوه و باج دادن آنها تحت عنوان «هدیه»، هم اوضاع فاجعه بار اقتصاد ایران را روشن می کند و هم سیمای ولایت خامنه ای را در مقابل چشم همگان به نمایش می گذارد. جامعه ایران در تمامی عرصه های مدنیت مدرن طی دوران جمهوری اسلامی سیر قهقرایی طی کرده است. وقتی خمینی علم اقتصاد را به سُخره گرفت، پیش بینی نمی کرد که جانشین او یک کوتوله سیاسی را چنان بال و پر می دهد که «اقتصاد» در جمهوری اسلامی هیچ معنی و مفهومی جز رانت خواری، دزدی، فساد، غارت، چپاول، فقر، ویرانی و..... پیدا نمی کند.

آتشی که طی ۸ سال زمامداری محمود احمدی نژاد، که با پشتیبانی کامل ولی فقیه و سپاه به قدرت رسید، بر خرمن اقتصاد و هستی مردم افتاد بدون تردید در تاریخ ایران بی سابقه است. مردم ایران در تاریخ خود روزگارهای سخت و طاقت فرسایی داشته اند. اما اگر این دوره ۸ ساله را با توجه به درآمد هنگفت و بی سابقه نفت مورد بررسی قرار دهیم، به این نتیجه می رسیم که این سقوط بی دنده و ترمز به راستی بی سابقه است. تاکید این نکته خالی از ضرر نیست که مسئول مستقیم و بلاواسطه چنین روند قهقرایی نه محمود احمدی نژاد که سید علی خامنه ای است. پس از ولی فقیه، سپاه پاسداران مسئول این فاجعه بی سابقه و محمود احمدی نژاد در ردیف سوم قرار دارد.

حاصل ثروتمند ترین دولت در تاریخ ایران (حدود ۹۸۰ میلیارد دلار درآمد)، افزایش بی حد و مرز اختلاف طبقاتی، افزایش رانت خواری، کاهش بی سابقه رشد اقتصادی، سونامی نقدینگی و به دنبال آن سیر صعودی نرخ تورم، آلودگی محیط زیست، افزایش نرخ بیکاری، تراکم و انباشت ناهنجاریهای اجتماعی، رشد اعتیاد و تن فروشی است.

اقدامات ویرانگر علی خامنه ای و یا بابک زنجانی، رضا ضراب، سعید مرتضوی و... از یک طرف و به هدر دادن و ناپدید کردن تمامی منابع کشور مثل آب، جنگل، خاک، منابع زیر زمینی، نیروی انسانی و... را می توان در یک جمله خلاصه کرد؛ چنین است سیمای رژیم ایران.

با جلوگیری از هدر رفتن سالانه گاز ایران می توان بر بسیاری از معضلات و نابسامانیها غلبه کرد. . به گزارش رادیو فردا (۱۴ آبان ۱۳۹۲)، در سال ۲۰۱۱ میلادی معادل هفت میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از گازهای همراه با نفت ایران سوخته و به هدر رفته است.

اگر چنین حجمی از سرمایه صرف کشاورزی ایران می شد، ما اکنون در وضعیتی نبودیم که بخش عمده مواد غذایی مورد نیاز را از خارج وارد کنیم.

همه اقتصاددانان مستقل و حتی برخی از اقتصاددانان وابسته به باندهای درون هرم قدرت بر این نکته اتفاظ نظر دارند که افزایش این چنین ویرانگرانه نقدینگی در گام اول منجر به بر باد رفتن دو سوم دارایی اکثریت قاطع مردم ایران شده است. حال اگر این پدیده را با مساله نرخ تورم و سقوط بی دنده و ترمز قدرت خرید مردم در نظر بگیریم ابعاد فاجعه و فلاکت بیشتر روشن می شود. انبوه مردم محروم و ستمدیده ایران وقتی با چنین حقایقی دست و پنجه نرم می کنند و یک باره خبر دار می شوند که در بودجه پیش نهادی دولت «اعتدال و امید»، بودجه نهادهای نظامی و انتظامی و شورای نگهبان و... بین ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش دارد، در چه وضعیت دشواری از نظر روحی قرار می گیرند.

مردمی که با گوش خود شنیدند که «تحریمها کاغذ پاره» است و تحریم کنندگان باید در انتظار «پاره شدن تحریم دون» خود باشند، اکنون از مهره های ریز و درشت حکومتی می شنوند که تحریمها موثر بوده تا جایی که مقام معظم را به یاد «نرمش قهرمانانه» انداخته است.

استناد به هزاران گفته و نوشته ی سرکردگان و کارگزاران رژیم در ۱۰۰ روزه اول دولت روحانی، برای تشریح ابعاد فاجعه و فلاکت که دامنگیر مردم و کشور شده، کار این یادداشت کوتاه نیست. در این یادداشت عامدانه وارد حوزه سیاست و ابعاد سرکوبی و استبداد هم نشدم. باید با صراحت به مردم در مورد ابعاد فاجعه هشدار داد. مردم با گوشت و پوست و خون خود ابعاد تبهکاریهای حکومت را به طور روزمره احساس می کنند و نیازی به ردیف کردن آمار و ارقام ندارند. اما برای خروج از این فلاکت و فاجعه باید به طور شفاف و با صدای بلند فریاد زد که راهی جز مبارزه و قیام برای خروج از این شرایط وجود ندارد.

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

از راندگی "قطار بی دنده و ترمز" تا وارونه نشینی بر چارپای توافق ژنو

منصور امان

رژیم جمهوری اسلامی زیر فشار تحریمهای اقتصادی بین المللی و بیم از طغیان داخلی، به ناچار از پروژه ساخت بمب اتمی عقب نشسته و بدین ترتیب پایه و بنیان فعالیتهای بحران زای هسته ای خود در طول دهه گذشته را زیر سوال برده است. با این حال، هیچکس در زیر "خیمه نظام" و از همه کمتر آقای علی خامنه ای و گردانندگان این ماجراجویی، مسوولیت تصمیمهای اشتباه و خانمان برباد ده خویش را نپذیرفته است. برعکس، آنها از یک طرف با حرارت و جدیت در باره مفاد توافقنامه ای که در ژنو مجبور به امضا شده اند، لاف می زنند و دروغ می گویند و از طرف دیگر، رخت عوض کرده و این بار در نقش ناجیان مصیبت پدیدار شده اند.

رویکرد فریبکارانه رهبران و پایوران نظام ولایت فقیه اگر چه یک واکنش غریزی - بدوی حفاظت از خود است که آن را نزد هر دزد گرفتار آمده ای که با شاهدان و مالباختگان رو به رو شده می توان سراغ گرفت، اما همزمان پتانسیل "نظام" را برای از سر گرفتن سیاست شکست خورده خود و محاسبه در چارچوب انحصاری سود و زیان خویش بدون اعتنا به منافع کشور و شرایط زیست و کار مردم آن، به نمایش می گذارد.

در همین حال، تصفیه حساب نکردن با سیاست پیشین و استراتژی طراحی شده بر مبنای آن، به معنای دست نخورده ماندن ساختارهای سیاسی، مراکز تصمیم گیری و محرکهای اجرایی است که گرد برنامه دستیابی به سلاح هسته ای ایجاد گردیده است. حفظ این فضا، امکان مانور برای جر زنی، کارشکنی و بر هم زدن توافقات در صورت تغییر شرایط را ایجاد می کند و آبستن بحرانهای بزرگتر است.

بنابراین، یک گام مهم در جلوگیری از شکل گرفتن این سناریو، شفافیت بخشیدن به توافق ژنو، توجه دادن به نقش و مسوولیت طراحان و مجریان سیاست به بن بست رسیده اتمی و برانگیختن جامعه به طلب سهم خود از چرخش اجباری حکومت است.

فریبکاری، نیازی سیاسی - امنیتی

تقریباً همزمان با اعلام امضای توافقنامه بین رژیم جمهوری اسلامی و شش کشور، تلاش پایوران و کارگزاران حکومت برای گمراه ساختن جامعه پیرامون مفاد آن و تعهداتی که "نظام" پذیرفته، آغاز گردید. این امر ابتدا با انتشار ناقص سند ژنو و دستکاری متقلبانانه در ترجمه آن آغاز گردید، امری که بی درنگ توافق رسمی "نظام" را به یک موعی چند جوابی تبدیل کرد و گرد حل آن مسابقه ای داغ با شرکت نمایندگان مجلس ملاحا، اعضا و رهبران باندها و دسته بندیهای رقیب، خبرگزاریهای و رسانه های رسمی و جز آنها را به راه انداخت که با وجود گذشت نزدیک یک ماه هنوز با همان شدت و حرارت ادامه دارد و هر روز نکته های تازه تری از "بازی بُرد - بُرد" آقای خامنه ای و زیردستانش را از پس پرده بیرون می آورد.

جالب اینجاست که رهبر جمهوری اسلامی در پاسخ به نامه حجت الاسلام روحانی در مورد "توفیق الهی" ژنو، حيله گرانه حساب خود را از گزارش فتح خیالی وی با جمله شرطی و رسوا کننده "آنچه مرقوم داشته اید" جدا کرد. این می تواند یک اقدام پیشگیرانه در مورد آشکار شدن بعدی دروغهای شفاهی و کتبی باشد که بدون تردید با آگاهی و موافقت خود وی پخش و پراکنده می شود.

پس از انتشار توافقنامه ژنو از سوی طرفهای خارجی و امکان مقایسه با گفته ها و اسناد ارایه شده از سوی وزارت خارجه ملاحا، مرحله بعدی سفیدشویی "نرمش قهرمانانه" سر رسید. اکنون انکار تفاوت شگفت انگیز محتوایی و شکلی بین این دو بی ثمر بود و می بایست توجه تازه ای تراشیده می شد. این آغاز موجی از تفسیرهای دلخواهی، اشارت خوانی و بزک واقعیت است که هدفی جز پشت سر گذاشتن اسناد و تولید فاکتهای ساختگی را دنبال نمی کند.

آقایان روحانی، ظریف، عراقچی، لاریجانی و همگنان تاکید دارند که "حق غنی سازی" به رسمیت شناخته شده، "فروپاشی سازمان تحریم" آغاز شده و هر آنچه غیر از این، "دروغ"، "نقض توافق" و "روایت آمریکایی" است. البته آنها

لژیومی نمی بینند که برای مثال نشان دهند "حق غنی سازی" مورد اشاره شان را در کدام بخش، پاراگراف یا فرمول بندی می توان یافت. این کمبود به تازگی با یک استدلال نوآورانه دیگر جبران می شود که بر اساس آن استدلال می گردد چون این حق در پیمان نامه منع گسترش سلاحهای هسته ای (NPT) قید گردیده، بنابراین به گونه خودکار جمهوری اسلامی نیز از آن برخوردار است و بدین ترتیب اشاره یا عدم اشاره به آن در اسناد ژنو یکسان است. البته مُخترعان این بُرهان صرف نظر از به ریشخند کشیدن "نظام" برای شرکت در یک مذاکرات بدون موضوع، این نکته کوچک را نیز فراموش کرده اند که رژیم جمهوری اسلامی تاکنون از اجرای تعهدات همراه با پیمان نامه مزبور که در پروتکل الحاقی فرمولیزه شده، طفره رفته و بر این اساس با به رسمیت نشناختن تعهدات مُندرج در پیمان نامه، مشمولیت خود در حقوق ناشی از آن را نیز بی موضوع ساخته است. خودداری گردانندگان پروژه نظامی هسته ای از امضای این قرارداد شفاف گر و محدود کننده، خود یکی از موارد مُناقشه است. هم از این روست که حاکمان کشور زیر فشار طرفهای خارجی در ژنو مُتعهد شده اند که: "پروتکل الحاقی در چارچوب اختیارات رییس جمهور و مجلس (پارلمان ایران) تصویب و به اجرا درآید." (متن انگلیسی توافق ژنو، بخش "عناصر گام نهایی راه حل فراگیر"، صفحه ۴)

ظهور ضمیمه پنهانی، دگردیسی توافق به بیانیه

این اما پایان شعبده بازی "نظام" و دست پروده هایش با "نرمش" کذایی نیست. پیرامون حجم کامل و واقعی توافقنامه نیز تردیدهای مُشخصی وجود دارد که به ویژه پس از انتشار نُسخه کاخ سفید از آن تقویت شده است. پایوران جمهوری اسلامی در هر فرصتی از "چهار صفحه" سند سُخن می رانند و بدینگونه بر کامل بودن آنچه که مُنتشر کرده اند، تاکید می ورزند. اما در سند مُنتشر شده از سوی آمریکا، رقمهای دقیقی از برخی توافقات مالی ذکر گردیده که در سند اصلی وجود ندارد و بیانگر وجود توافقات جزئی تری است که یا در سند علنی حذف شده و یا به صورت جداگانه به آن ضمیمه گردیده است. حتی در نُسخه مُنتشر شده توسط وزارت خارجه مَلاها نیز دستکم در دو جا برای توضیح یک بند به "توافق" ی ارجاع داده می شود که در سند موجود نیست.

در این میان حُجت الاسلام روحانی نیز بر گمانه پنهان سازی بخشهایی از توافقات صحه گذاشته است. او در گفتگو با تلویزیون دولتی در حالی که تلاش می کرد گنگ و مُبهم حرف بزند، وجود "ضمایم اجرایی" در توافقنامه ژنو را تایید کرد. وی که اعتراف خود را با قید "شاید" و "مُمكن است" گرد می کرد، توضیح داد: "مُمكن است یک سند ضمیمه یا الحاقیه ای برای اجرا داشته باشیم."

آقای روحانی بیدرنگ برای بی اهمیت جلوه دادن مخفی سازی تعهدات مُشخص "نظام" افزود: "اصلا در این توافق مُهم نیست در این شش ماه چه چیزی انجام می گیرد، مُهم این است ما سر اصول با یکدیگر توافق کردیم." وی روشن ساخت که در صورت محوری بودن "توافق سر اصول"، علت پافشاری قبلی او و همگنان بر کامل بودن سند و تکذیب قاطعانه پنهان سازی بخشهایی از آن چه بوده است.

کمی بعد تر و با دُشوار و باورناپذیر شدن هر چه بیشتر سیاست گُمراه سازی و خلاف گویی در باره اسناد، مسوولان و گردانندگان آن به حيله دیگری برای ماله کشی "نرمش قهرمانانه" و مُقابله با انتقادات درونی مُتوسل شدند. آنها اطلاع دادند که "توافق ژنو" یک "توافق حقوقی" است که "شبيه بیانیه سیاسی" است و سپس دعوت به شادی کردند که "دارای تعهدات الزام آور نیست." آقای عباس عراقچی، یکی از فرستادگان به ژنو، برای استحکام بخشیدن به ژست تازه، اطمینان داد که "در جریان مذاکرات دو بار قهر کردیم."

از گردنکشی تا گرنش تمام قد

تلاش طاقت فرسایی که حاکمان کشور برای وارونه نمایی به خرج می دهند و هزینه سنگین که برای تقلب فضیحت بار در یک بازی روباز در حضور همگان می پردازند، ضرورتی سیاسی و امنیتی برای آنها به حساب می آید؛ چرا که سیاست نابخردانه و ماجراجویانه دستیابی به جنگ افزار هسته ای به شکست انجامیده، قُدرت نمایی پوشالی، گرنش تمام قد و

تسلیم همه جانبه را در پی داشته و این وضعیت بند به بند و به گونه مکتوب در قرارداد ژنو به ثبت رسیده و آقای خامنه ای و زیردستان بر آن امضا گذاشته اند.

بر اساس قرارداد مزبور که باندهای رقیب حکومتی آن را "ترکمنچای جدید" یا "عقب نشینی ذلت بار" می نامند، رژیم ولایت فقیه برنامه تولید جنگ افزار هسته ای خود را منجمد کرده، کلیه فعالیتهای هسته ای که در ارتباط با آن قرار دارد یا می تواند در خدمت آن قرار بگیرد را متوقف ساخته یا به عقب برمی گرداند و در نهایت خود را تحت نظارت و کنترل آژانس و کشورهای طرف قرارداد خویش می گذارد. در این راستا آقای خامنه ای و شرکا - آن سوی "خط قرمز"هایی که به مناسبتهای مختلف نقاشی کرده اند - در گام اول شش ماهه به بیش از ۲۰ تعهد مشخص برای جلب رضایت طرفهایشان گردن گذاشته اند که کم و بیش در همه نسخه های اسناد علنی مشاهده پذیر است.

پیرامون ماده و بنیان بحران هسته ای یعنی "غنی سازی اورانیوم" یا آنچه آنرا که آقای خامنه ای و شرکا می نامیدند "حق مسلم"، حاکمان کشور اختیار تصمیم گیری در باره آن را به طرفهای خارجی واگذار کرده اند. در بخش "عناصر گام نهایی راه حل فراگیر" (صفحه چهارم توافق ژنو) "برنامه غنی سازی" مشروط شده است به آنکه:

۱- توسط طرفین تعریف گردد

۲- مورد موافقت طرفها باشد

۳- سازگار با نیازهای عملی باشد

۴- محدودیتهای توافق شده بر آن اعمال شود که این توافقات از این قرارند:

(الف) سطح و گستره غنی سازی

(ب) ظرفیت غنی سازی

(ج) محل غنی سازی

(د) سقف ذخایر اورانیوم غنی شده

باید توجه داشت که در اینجا منظور از "غنی سازی"، غنی سازی زیر ۵ درصد و در حقیقت در سطح آزمایشگاهی و فعالیتهایی در قد و اندازه کارگاههای مرتبط است.

همانگونه که از این مثال پیداست، فراتر از اقدامهای عملی که رژیم مَلاها اجرای آنها را به شش کشور تعهد سپرده، مضمون و گوهره سیاسی این توافقات، جایگاه حقوقی و الزاماتی که به همراه دارد، در حقیقت نیمه پنهان جام زهر به حساب می آید و به این صفت شایان توجه جداگانه ای است.

برآمد

قرارداد ژنو پایان رویاهای ده ساله "نظام" در باره دست یافتن به سلاح هسته ای و تضمین امنیتی بقا برای یک دوره طولانی است. این اما به خودی خود به معنای کنار گذاشتن هدفی که از دستیابی به این سلاح استراتژیک دنبال می شد، نیست. حاکمان کشور در یک محاسبه عملی - اجباری بین دفن شدن زیر بحران هسته ای یا ماندن بر سر تخت حکومت، گزینه دُوم را انتخاب کرده اند. آنها پس از هدر دادن انبوه داراییها و منابع کشور، در انتهای گنجایش سیاسی و اقتصادی کشور و جامعه، در برابر آمریکا و اروپا دست تسلیم بلند کرده اند. آقای خامنه ای و همدستانش در حالی که نگرانی و تردیدهای طرف حسابهای خارجی را با التماس به رسمیت شناخته اند، از شناسایی خواسته ها و نگرانیهای اقشار و طبقات گوناگون جامعه ایران خودداری می کنند. برعکس، "نظام" به شدت مراقب است که جامعه از عقب نشینی خارجی اش سوواستفاده نکند، خواهان "نرمش قهرمانانه" در برابر کرامت، حقوق و مطالبات خود نشود و مسوولان ائتلاف سرمایه های کشور و رنج و ادبار خویش را به شلاق پرشش نگیرد.

نشستن وارونه روی چارپای به تاخت آمده ی توافق ژنو و نشان دادن شکلک پیروزی یک اقدام پیشگیرانه در این راستاست.

طرح بودجه ۹۳، برنامه گسترش فقر و بی عدالتی

زینت میرهاشمی

پایوران دولت روحانی ارائه زود هنگام طرح بودجه برای سال ۹۳ را در ردیف خبرهای خوش اعلام کردند. خوش قولی حسن روحانی نسبت به احمدی نژاد ناچیزتر از آن است که در ساختمان بودجه بندی حکومت تغییری به وجود آورد. در نظام حاکم بر ایران بودجه دولت باید به گونه ای تنظیم و ساماندهی شود که بتواند دیکتاتوری ولایت فقیه را سرپا نگاه دارد. پیکان سیاستهای دولت در هزینه کردن ثروت عمومی، برآورده کردن نیازهای دستگاههایی است که امنیت رژیم و بر محور آن امنیت نهاد ولایت فقیه را تامین کند. این مراکز در اساس عبارتند از سپاه، بسیج، اطلاعات، ارتش و نهادهای مذهبی همچون سازمان تبلیغات اسلامی، هیاتهای مذهبی، حوزه علمیه قم، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و... است. زیرا بدون این نهادها که بازوان زورمندان در قدرت است، رژیم نمی تواند بر سر کار باقی بماند. بر این منظر روشن و واضح است که منافع کارگران و مزدبگیران، زنان، اقلیتهای مذهبی و ملی و به طور کلی لایه های آسیب دیده و محروم جامعه، در هسته اصلی بودجه جای نمی گیرند. تامین منافع سرمایه داران داخلی و افزون بر آن پیشبرد سیاست نئولیبرالیستی صندوق بین المللی پول و سازمان جهانی تجارت، ارقام اصلی بودجه دولت را رقم می زند. در کشورهای توسعه یافته سرمایه داری با وجود سندیکاها و اتحادیه های قدرتمند کارگران و مزدبگیران و با توجه به حق اعتصاب و وجود رسانه های گوناگون، بخشی از نیازهای مردم در رویارویی با دولت، در بودجه منعکس می شود.

در ایران تحت حکومت استبدادی، طبقه کارگر و مزدبگیران امکان به چالش کشیدن طرح بودجه دولت از طریق تشکلهای مستقل و رسانه ها را ندارند. کسانی هم که به کرسیهای مجلس تکیه زده اند، نمایندگان اکثریت قاطع مردم نیستند. برای نمونه تعدادی از مجلس نشینان از استانهای محروم در اعتراض به تقسیم بندی بودجه، تهدید به استعفا کردند اما استعفای آنها یک ژست تو خالی از آب درآمد.

سرکوب فعالان مدنی مانند فعالان کارگری، زنان، معلمان، روزنامه نگاران امکان به چالش کشیدن تقسیم بندی بودجه را سلب کرده است.

لایحه بودجه ۹۳

حسن روحانی لایحه بودجه برای سال ۱۳۹۳ را روز یکشنبه ۱۷ آذر به مجلس ارائه داد. کلیات طرح بودجه انتشار علنی یافته است. قسمتهایی از هزینه های دولت از طرف برخی از رسانه های حکومتی و غیر حکومتی برجسته شده و حتی شوک آور تلقی شده است. لایحه بودجه حسن روحانی در افزایش بخشهای نظامی و کاهش بخش عمران همراه با کاهش خدمات عمومی نسبت به بودجه دولت احمدی نژاد، غیر قابل انتظار برای امید بستگان به دولت روحانی است.

حسن روحانی در مقدمه طرح پیشنهادی بودجه سال ۹۳، نقل قولی از امام اول شیعیان به این شکل آورده که: «برنامه ریز درست (اقتصادی)، مال اندک را افزایش می دهد و برنامه ریزی نادرست، مال فراوان را نابود می کند».

نگاهی به دزدیهای کلان در سازمان تامین اجتماعی، هدیه های داده شده به مجلس نشینان، بالا کشیدن پولهای فروش نفت و ... به وضوح نشان می دهد که استفاده از جمله بالا به چه مقصودی است. برنامه ریزی بودجه در جمهوری اسلامی راههای دزدی، چپاول، رانت خواری و ... برای وابستگان به قدرت هموار می کند. تمامی نهادهای حکومتی و منجمله قوای قضائیه، مجریه و مقننه در این امر شریک و سود می برند. یکی کمتر و یکی بیشتر اما منافع جمع حکومت یکسان است. پس در یک حکومت فاسد بدون مشارکت دادن نهادهای مستقل و مردمی، هر چقدر مال یا درآمد دولت افزایش پیدا کند، شمار دزدان و دزدیها بیشتر و کمیت آن کلان تر می شود. نمونه اش، درآمد استثنایی دولت احمدی نژاد و افزایش دزدیها و فساد در هرم قدرت در برابر افزایش بیکاری و فقر در میان مردم.

لایحه بودجه آن گونه که حسن روحانی در سخن پراکنی اش در مجلس گفت، جدای از توزیع منابع، تصویری از اقتصاد کلان سال ۹۳ را ترسیم می کند. تقویت نظامیگری، چرب کردن ریش سردمداران نهادهای مذهبی در جهت حفظ ولایت فقیه، سیاست کلان اقتصادی روحانی را پرده برداری می کند.

روحانی در سخنرانی خود در مجلس در هنگام ارائه طرح از «سهام عدالت» حرف زد. در حالی که سهام عدالت تنها یک اسم دهن پرکن و بدون محتوا در دوره احمدی نژاد بوده و تاکنون برای محرومان کمک موثری به همراه نداشته است. همگان بر این امر تاکید می کنند که مردم از «سهام عدالت» جز اسم چیزی عاید شان نشده است. حسن روحانی هم اقرار می کند که «سودی عاید مردم نشده است».

در لایحه پیشنهادی بودجه سال ۹۳، بودجه تمامی نهادهای نظامی و امنیتی که به حفظ دیکتاتوری مربوط می شود به طور متوسط ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است. میزان بودجه ای که در طرح پیشنهادی حسن روحانی است نسبت به میزان بودجه پیشنهادی احمدی نژاد برای سال ۹۲، بیشتر است. در حالی که پایوران دولت روحانی همگی بر کسری بودجه و عدم توانایی دولت در برآورد کردن بودجه سال ۹۲ تاکید می کنند. آنها مرتب داد سخن می دهند که صندوق دولت خالی و یک اقتصاد ویرانه تحویل گرفته اند. با توجه به اقتصاد بیمار و بحران زده کنونی بالارفتن بودجه ی ۱۳ دستگاهی که در خدمت نظامیگری و ترویج دین حکومتی هستند در ازای فقدان بودجه کافی برای فرهنگ و بهداشت مردم پرداخت می شود. کارگران و مزدبگیران با فقیرتر شدن بهای افزایش چنین بودجه هایی را می پردازند.

در طرح پیشنهادی بودجه سال ۹۳، بودجه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک این مجمع، شورای نگهبان، مجلس، سپاه پاسداران، معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، سازمان بسیج، وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، وزارت امور خارجه و ارتش، از ۳۰ تا ۵۰ درصد افزایش پیدا کرده است.

این افزایشها در حالی است که حقوق پایه کارگران و مزدبگیران که همه ساله توسط شورای عالی کار تعیین می شود در حد ناچیزی افزایش پیدا کرده و هیچ خوانایی با میزان تورم ندارد. در حقیقت دستمزد واقعی کارگران و مزدبگیران هر ساله کاهش پیدا کرده است. بالابردن بودجه نهادهایی که بر شمرده نه تنها به سود مردم ایران نخواهد بود بلکه فقر و تنگدستی را افزایش خواهد داد.

بر همین منظر، تقسیم بندی بودجه ارائه شده چشم انداز بهبود وضعیت معیشتی و بهداشتی اکثریت مردم را نشان نمی دهد. افزایش بودجه ارتش و سپاه و نهادهای نامبرده با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی بر دوش مردم خواهد افتاد. اگر به نقل قول آغازین حسن روحانی بازگردیم، برنامه ریزی اقتصادی ارائه شده روحانی که در طرح پیشنهادی بودجه ارائه شده نابودی بیشتر ثروت ملی مردم در راه افزایش توانایی نظامی جمهوری اسلامی برای پیشبرد سیاست سرکوبی و صدور ارتجاع و تروریسم خواهد بود.

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

نلسون ماندلا؛ پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید طبقاتی

لیلا جدیدی

مرگ نلسون ماندلا پایان زندگی انسان بزرگی است که در سراسر جهان برای مبارزان و آزادیخواهان سمبل مقاومت گردیده بود. تجلیل و بزرگداشت او از سوی طیف وسیع و رنگارنگی صورت گرفت. از یکسو، ریاکارانی که ماندلا را به خاطر "توانایی بخشش" تبهکاریهای رژیم آپارتاید تقدیر می کردند و در سوی دیگر، کسانی که صادقانه نقش رهبری او را در یکی از مهمترین پیروزیهای مبارزات آزادیخواهانه قرن گذشته ارج می نهادند.



پایان رژیم آپارتاید یکی از بزرگترین دستاوردهای قرن گذشته بود. با این حال، گذار سیاسی که نلسون ماندلا پیش برد، مانع تغییرات بنیادی در مناسبات اقتصادی شد؛ آنچه که امروز ما شاهد نتایج اسفبار آن هستیم.

پرسشهای زیادی در باره او و "کنگره ملی آفریقا" مطرح است. برای نمونه سوال می شود او چگونه سبب تحول بزرگی در آفریقای جنوبی شده است، وقتی این کشور اکنون در حفره

عمیقی از بحران اجتماعی و اقتصادی بسر می برد؟ آیا بدر شرایط سیاسی کنونی به دست ماندلا و کنگره ملی آفریقا کاشته نشد؟

آنگاه که سیاهان در خیابانها به قتل می رسیدند، حلق آویز می شدند و هزاران نفر از آنان شکنجه می شدند، هیچیک از سران کشورهای غربی نیم نگاهی هم بدانها نمی انداخت. وقتی در دهه ۶۰ ماندلا به اروپا رفت تا از آنها یاری بگیرد، درهای تقریبا همه این کشورها به روی او بسته ماند. در دهه ۸۰، خانم تاچر و آقای ریگان، کنگره ملی آفریقا را سازمانی تروریستی طبقه بندی کردند و تنها سالها بعد، زمانی که ماندلا از زندان آزاد شد، او و کنگره ملی را از لیست تروریستی خود بیرون آوردند.

چه عاملی سبب شد که این معادلات تغییر کند؟ آیا این نقش ماندلا در حفظ مناسبات سرمایه داری در آفریقای جنوبی نبود که دشمنان دیروز وی را به دوستان و عزاداران امروز او بدل ساخت؟

در دوران ریاست جمهوری ماندلا شاهد نابرابری شدیدتر، طول عمر کوتاه تر، بیکاری بسیار بیشتر، آسیب پذیری شکننده تر از نوسانات اقتصادی جهان، نابودی سریع تر محیط زیست و غیره شدیم. چه کسی را باید برای این نابسامانیها سرزنش کرد؟

آنچه که "رونی کاسریل"، وزیر پیشین اطلاعات این کشور می گوید، شاید پاسخ برخی از این سوالها باشد. وی توضیح می دهد: "نبرد برای حفظ روح کنگره ملی آفریقا در برابر قدرتهای بزرگ سرمایه داری شکست خورد و ما بی درنگ آن را پذیرفتیم. اکنون اقتصاد ما با فرمول جهانی نو - لیبرالی و بنیادگرایی بازار گره خورده است و فضای بسیار ناچیزی برای کاهش وخامت زندگی توده ها وجود دارد."

اگرچه نقش و سهم ماندلا در پایان بخشیدن به آپارتاید در آفریقای جنوبی پر اهمیت بود، اما سهم و مسوولیتی که وی در برابر وضع موجود در این کشور دارد نیز قابل چشم پوشی نیست. این نوشتار به هر دو زاویه از زندگی و میراث ماندلا می پردازد.

پایان آپارتاید نژادی به بهای آپارتاید طبقاتی

توده های آفریقای جنوبی ماندلا را دوست داشتند و برای او احترام عمیقی قایل بودند. آنها مقاومت او را در برابر سخت ترین مجازاتها در ۲۷ سال زندگی در زندانهای خوفناک رژیم نژادپرست این کشور می ستودند.

ماندلا ۱۸ سال در جزیره دورافتاده "روبن" از همه چیز منزوی بود. او در سلولی به طول و عرض ۴/۲ و ۱/۲ متر روی تکه حصیری می خوابید و در سن ۴۶ سالگی به کارهای سخت و طاقت فرسا کشیده می شد. او در حالی که از همه لحاظ در مضیقه بود، سلامتی خود را بتدریج از دست می داد.

ماندلا می توانست تسلیم شود، می توانست به مبارزه و به رفقای پست کند، می توانست مبارزه مسلحانه را رد کند، می توانست با سیستم آپارتاید سازش کند و به دیگر رهبران سیاهپوست بپیوندد، اما او راه مبارزه را انتخاب کرد و به همراه دیگر رفقای در کنگره ملی آفریقا، جزیره دور افتاده ای که در آن محبوس بود را به ستاد مقاومت و مبارزه تبدیل کرد. ماندلا و دیگر رفقای وی کنگره ملی آفریقا (ANC) را که سازمانی کوچک و محافظه کار بود و تنها خود را موظف به پیروی از رهبران قبیله ای می دانست، به



سازمانی تبدیل کردند که می توانست هزاران نفر و بعدها صدها هزار نفر را برای مبارزه آزادیخواهانه سازماندهی کند. او در سال ۱۹۴۴ "لیگ جوانان کنگره ملی" را تشکیل داد؛ نسلی که بعداً از رهبران قبلی بریده و به سمت جنبش مسلحانه روی آوردند.

در دهه ۵۰، ماندلا و کنگره ملی آفریقا جبهه متحدی با حزب کمونیست آفریقای جنوبی تشکیل دادند. حزب کمونیست بسیاری از اتحادیه های مهم کارگری سوسیالیستهای پیگیر را در میان خود داشت و این دارای اهمیت خاصی بود. اتحاد با حزب کمونیست سبب شد که کنگره ملی آفریقا از توجه و حمایت توده عظیمی برخوردار شود.

اگر چه حزب کمونیست آفریقای جنوبی ادعا می کند که ماندلا در کمیته مرکزی این حزب قرار داشت، اما ماندلا به دلایل سیاسی آن را رد کرد. این حزب در سال ۱۹۵۰ طی فراخوانی، نیمی از کارگران سیاه پوست را به میدان آورد. در این خیزش اعتراضی، کارگران بی رحمانه و به شدت سرکوب شدند، اما با این حال نشان دادند که طبقه کارگر می تواند برای اقدامات سیاسی سازماندهی شود. اما ماندلا با این اعتراضها مخالف بود. در عوض، در سال ۱۹۵۲ به تشکیل کمپین جنبش نافرمانی توده ای و مسالمت آمیز اقدام کرد و بدین صورت ANC را در موقعیت چشمگیری قرار داد.

در سال ۱۹۶۱ ماندلا شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا را پایه گذاری کرد تا مراکز دولتی را مورد حمله قرار دهند و چنانچه شکست خوردند، به جنگ چریکی بپردازند. اما دیری نپایید که او دستگیر و در سال ۱۹۶۲ به حبس ابد محکوم شد.

با فراز و نشیب بحرانهای اقتصادی و قیامهای سال ۱۹۷۶ و خیزشهای سراسری در سالهای ۱۹۸۴ - ۱۹۸۶ با نقش آفرینی اصلی جنبش کارگری سیاه پوستان که در اتحادیه های بزرگ غیر نژادی سازماندهی شده بودند و همچنین شرکت "فدراسیون سراسری اتحادیه ها کارگری" و فدراسیونی که رهبران آن سندیکالیستهای انقلابی بودند، سوسیالیسم در آفریقای جنوبی طرفداران بسیاری به دست آورد. این نهادهای کارگری همچنین از قیامهای توده ای علیه آپارتاید حمایت می کردند و بدین وسیله خیل وسیع توده های مردم به جنبشهای کارگری نزدیک می شد و به وجوه اشتراک با آن آگاهی می یافت. در اینجا بود که دولت "بوتا" در برابر خیزشهای ناشی از بحران اقتصادی دست به واکنشی دوجانبه زد. وی از یکسو اقدام به رفرمهایی سطحی و از سوی دیگر دست به سرکوبهای وحشیانه زد تا صفوف کارگران را متلاشی کند. کنگره ملی آفریقا زیر بار برنامه های وی نرفت و در برابر آن ایستاد. بوتا نیز به سرکوب شدت بخشید و اعلام حکومت نظامی کرد و از این طریق ضعف دستگاه خود را به نمایش گذاشت. از این رو سرمایه داران با مشاهده این حوادث یک به یک کشور را ترک گفتند.

"تام برامبل" که به طور مشترک با "فرانکو بارچیسی" مجموعه ای از نوشته های خود پیرامون طبقه کارگر آفریقای جنوبی را در کتابی به نام "بازنگری جنبش کارگری در آفریقای جنوبی جدید" منتشر کرده، می نویسد: "کنگره ملی



آفریقا تحت فشار و سرکوب از هم پاشیدنی نبود، اگر چه از رهبریت عقب افتاده بود، زیرا در آن زمان نیروهای بزرگ و تازه ای شکل گرفته از جمله در قیام "سوتو" سال ۱۹۷۶ و نیز اتحادیه های مستقل و جریانهای رقیب به ویژه "جنبش آگاهی سیاهان" و اتحادیه های سندیکایی به میدان آمده بودند. با این حال ANC موقعیت هژمونیک اش را در جنبش حفظ کرده بود.

وی در ادامه می نویسد: "برای همین بود که صاحبان قدرت و ثروت در

آفریقای جنوبی و دولتهای خارجی که می توانستند آینده را پیش بینی کنند، به این نتیجه رسیدند که کنگره ملی آفریقا را باید زیر چتر خودشان ببرند و دیگر نباید از آن دوری کنند. در این هنگام بود که همه برچسبهایی که به ANC و نلسون ماندلا زده بودند را فراموش کردند، چون متوجه شدند که آنها تنها کسانی هستند که می توانند از انقلاب طبقه کارگر جلوگیری کنند."

در آغاز سال ۱۹۸۵ در ملاقاتی در زامبیا، رهبران ANC که در تبعید بسر می بردند با سران اقتصادی آفریقای جنوبی برای یافتن راهی که به برچیدن بنای سیاسی آپارتاید ختم شود، به مذاکره نشستند.

به تدریج محدودیتهای بر ماندلا برداشته شد. وی تا سال ۱۹۸۸ وقتی هنوز در زندان بود، با فرستادگان وزرای احزاب ملی گفتگو می کرد.

برکناری بوتو در سال ۱۹۸۹ و روی کار آمدن "فردریک ویلیم دکلرک"، گام بعدی در جهت رفرم بود.

دکلرک در فوریه سال ۱۹۹۰ ماندلا و همه زندانیان سیاسی را آزاد کرد. اگرچه ماندلا در آن هنگام اعلام کرد که مبارزه مسلحانه را کنار نخواهند گذاشت، اما چند ماه بعد در اوت همان سال اعلام پایان مبارزه مسلحانه کرد. اگر چه این متد مبارزه در برابر ارتش بزرگ دولتی ثمری به بار نیاورده بود، ولی این اقدام نشان از عقب نشینی در برابر دولت بود.

بسیاری از حامیان ANC با این امر مخالفت کردند و گفتند این نشاندهنده تسلیم است. عده ای هم به شدت خشمگین بودند، زیرا در همان زمان دولت، مبارزان مسلح را به جوخه های اعدام می سپرد. آنها در مخالفت با ماندلا شعار "ماندلا به ما سلاح بده" را مطرح می کردند و می گفتند "تو مثل یک گوسفند رفتار می کنی، وقتی مردم سلاخی می شوند".

درست در همین زمان بود که ماندلا محبوب غرب شد. دشمنان سابق او را نجات دهنده خطاب کردند. تام برامبل در این باره می گوید: "در این هنگام ماندلا همه مذاکرات را به تنهایی انجام می داد و با رفقای خود در کنگره ملی آفریقا تبادل نظر نمی کرد. از همین رو بود که مذاکرات جای انقلاب را گرفت. از این پس، ماندلا بود که توده ها را از تظاهرات بعدی باز می داشت. این وضع آنقدر جدی و مهم بود که وقتی به بیماری سل مبتلا گردید، نگرانی طرفهای مذاکره وی آغاز شد، زیرا این تهدید وجود داشت که اگر او فوت شود، دیگر ابزاری برای جلوگیری از انقلاب وجود نداشته باشد."

مهمترین شرطی که در برابر ماندلا گذاشته شده بود، این بود که سرمایه آمریکاییها و دیگر دزدان دست نخورده بماند، ملی سازی از برنامه های ANC حذف شود و خصوصی سازی، سرمایه گذاری خارجی و حذف خدمات دولتی در دستور کار قرار گیرد. ماندلا بارها تعهد خود را نسبت به عملی کردن این برنامه ابراز کرده بود.

کنگره ملی آفریقا همچنین با ابقای فرماندهان ارتش آفریقای جنوب و ۵ سال فرصت برای برقراری "دولت اتحاد ملی" و باقی ماندن اعضای ارشد کابینه "حزب ملی" بر سر مناصب خویش موافقت کرد.

در دیگر توافقات بین رژیم نژادپرست و ماندلا و کنگره ملی آفریقا، به سفید پوستان مرغوب ترین، معادن، کارخانه های تولیدی و موسسات مالی داده شد و آنها مجوز خارج کردن سرمایه ها و عواید شان از کشور را نیز دریافت کردند.

همانطور که ماندلا می گوید و بسیاری دیگر نیز این امر را تایید کرده اند، آنچه او انجام می داد، خلاف اعتقادات اولیه اش نبود. او همیشه از سرمایه داری و نظم پارلماناریستی دفاع کرده بود. تنها مخالفت وی این بود که سیاهان نمی توانستند در آن شرکت کنند.

او در سال ۱۹۶۴ در دادگاه "ریونیا" خطاب به قضات گفت: "ANC هرگز و در هیچ دوره ای در تاریخ خود تغییرات انقلابی و تغییر در ساختار اقتصادی کشور را تبلیغ و ترویج نکرده و تا آنجا که من اطلاع دارم، هیچگاه مخالف جامعه سرمایه داری نبوده."

تعهد به ملی سازی که در سال ۱۹۵۵ در منشور آزادی قید شده بود، فقط امتیازی برای راضی کردن نمایندگان طبقه کارگر در "کنگره مردم" بود و هرگز بدین قصد نبود که جدی گرفته شود. نه ماندلا و نه ANC و نه حتی حزب کمونیست آفریقای جنوبی، سوسیالیسم را در برنامه خود نداشتند. این پروژه دستکم برای حزب کمونیست بدین معنا بود که دهها سال طول خواهد کشید تا آفریقای جنوبی بعد از اتمام "مرحله اول انقلاب" (انقلاب دمکراتیک ملی) به این سمت گام بردارد. حزب کمونیست نیز از اتوریته خود استفاده کرد تا اعتراضهای طبقه کارگر را خاموش کند.



در سال ۱۹۹۴ ماندلا در نخستین انتخابات دمکراتیک در تاریخ آفریقای جنوبی، نخستین رئیس جمهور سیاهپوست این کشور شد. او این عنوان را تا ژوئن ۱۹۹۹ بر عهده داشت.

پس از انتخابات ۱۹۹۴، طبقه کارگر سیاهپوست که برای سوسیالیسم در این کشور مبارزه کرده بود و رنجها کشیده بود، در حالی جام تلخ باقی ماندن مناسبات اقتصادی پیشین را می نوشید که بسیاری از اعضای بالای ANC شامپاین قدرت سر می کشیدند.

اربابان برای سپاسگزاری از ماندلا او را رهبر "ملت رنگین کمان" نام نهادند. او دفتر خود را به خارج از آفریقای جنوبی برد و سیاهان در زاغه ها، با توالتهای گودالی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی، محدودیت در برق، مدارس فقیر و بدون امکانات و بیکاری بالای ۳۰ درصد بجامانند.

"پاتریک باند"، نویسنده کتاب "غار آفریقا: اقتصاد استثماری" و رئیس دانشگاه "کاوا زولو-ناتا" می گوید: "تنها دو راه اساسی وجود داشت. نخست، بسیج مردم و همه شور و شوق، انرژی و تلاشهای آنان و نیز تلاش سخت برای متوقف کردن جریان خروج سرمایه ها از کشور و لغو بازپرداخت بدهیهای غیر قانونی دوران آپارتاید. راه دیگر که در نهایت پیش رفت، پیمودن مسیر نو - لیبرالی با اصلاحات کوچک اینجا و آنجا به بهانه و ادعای سطحی حفظ "انقلاب دمکراتیک ملی". هیچ کس بهتر از ماندلا این جهتگیری را روشن نکرده. وی گفت: "ملی کردن معادن، بانکها و صنایع و غیره غیرممکن است. در وضعیت ما، محدود شدن به کنترل بخشهای خاصی از اقتصاد اجتناب ناپذیر است."



سال گذشته پلیس، ۴۴ کارگر معدن را در "ماریکانا بسبکی" به قتل رساند. این دلیل روشنی است بر اینکه مبارزه برای آزادی و برابری واقعی در آفریقای جنوبی جریان دارد و این نه تنها با رویارویی با کنگره ملی آفریقا، بلکه با ساختار اصلی سیاستهای موجود که ماندلا نیز بنیانگذار آن است، ممکن می گردد.

مرگ نلسون ماندلا نه تنها از سوی آن توده ای که امید دسترسی به آزادی را در رهبری او می دیدند، بلکه برای آن عده ای نیز که گردن شان زیر تیغ تهدیدهای جنبش دهه ۸۰ بود و به یاری وی

از خطر به سلامت رد شدند، دارای اهمیت است. یاد و نام ماندلا در خاطره ها خواهد ماند، هم از آن رو که رهبر مقاومتی بزرگ بود و هم به این سبب که پشتیبانان خود را در مبارزه شان علیه سرمایه داری و نو - لیبرالیسم تنها گذاشت.

گزارش صد روزه روحانی، جیب خالی، پز عالی

جعفر پویه

حسن روحانی، رییس جمهور رژیم ولایت فقیه روز سه شنبه ۵ آذر در یک گفتگوی زنده تلویزیونی، گزارش عملکرد صد روزه دولت خود را ارائه داد. در این نمایش تلویزیونی، سه نفر به عنوان پرسشگر حضور داشتند تا به ظاهر با طرح سووال، روحانی را در مورد عملکرد دولت اش به چالش بکشند. اما همچون رویه معمول در گذشته، هر سه آنها به تعریف و تمجید از او پرداخته و چونان بادمجان دور قاب چینان، نقشی بیش از زینت این برنامه نداشتند.

در این نمایش یکطرفه که روحانی همچون همتایان تاکنونی خود متکلم وحده بود، مساله گفتگو و توافق اتمی را دستمایه حرفهایش کرد تا بتواند عملکرد دولت اش در بعضی عرصه ها را توجیه نماید. او که به بسیاری از قول و وعده های انتخاباتی اش عمل نکرده، حتا اشاره ای نیز به بسیاری از آنان نکرد و تلاش نمود تا با پرگویی و انداختن بسیاری از کمبودها به گردن دولت احمدی نژاد، شانه از زیر بار پاسخگویی خالی کند. او بدون اشاره به چگونگی روی کار آمدن احمدی نژاد و تاکید مکرر خامنه ای بر نزدیک دانستن نظر خود با وی و حرفهای پوچ و بیپوده احمدی نژاد که مورد تایید رهبر جمهوری اسلامی نیز بود، دولت احمدی نژاد را حیف و میل چی و برباد دهنده ثروت ملی مردم دانست.

نگاهی کوتاه به گفته های روحانی در عرصه های گوناگون و فرار عمدی او از موضوعات چالش برانگیز و عدم اشاره به آنها می تواند بگوید که شیخ کلید به دست در کجای کار قرار دارد و چگونه خواهد توانست بر اقتصادی ورشکسته و ویران، دولت خود را بنا کرده و چگونه پاسخی به خواستهای شهروندان خواهد داد.

گزارش به خود از دیگران

روحانی همان ابتدای کار آب پاکی را در مورد نگفته ها در این برنامه روی دست بیننده ها ریخت و گفت: "این گزارش سه بخش دارد، یک بخش اینکه رییس جمهور منتخب به مردم گزارش می دهد و یک بخش گزارش مکتوبی است که در سایتها و خبرگزاریها منتشر می شود و یک بخش گزارشی است که وزرا و معاونان هریک در بخشهای مربوط به خود به اطلاع مردم می رسانند."

با این حساب، یک سوم گزارش صد روزه را خود او خواهد گفت، مابقی را باید در جاهایی دیگر جستجو کرد. حال اینکه آیا چنین گزارشی وجود خواهد داشت و یا وزرا و معاونان او چه زمان گزارش خواهند داد، مشخص نیست، زیرا تنها کاری که پایوران رژیم در آن استادند و دایم مشغول، حرافی و یاوه بافی است. تشخیص آنکه کدام یک از آنها گزارش عملکرد دولت و کدام تبلیغات دولتی است را باید از نیاز و حال و روز دولت و رژیم دریافت و گرنه کاری که رژیم ولایت فقیه در عمر خود نکرده و اقدام به آن نخواهد کرد، گزارش دهی به مردم به عنوان صاحبان اصلی کشور است. برای درک این رابطه، همین یک جمله آیت الله مصباح یزدی، عضو مجلس خبرگان و از ایادی خامنه ای کافی است که می گوید: "مردم چکاره هستند که بخواهند کسی را انتخاب کنند. مردم چکاره هستند که به کسی حق بدهند، مردم چه حقی دارند؟" با تمام اینها اما روحانی گفت: "دولت باید در برابر مردم پاسخگو باشد و افتخارش پاسخگویی در برابر مردم است، مردم باید از جزییات برنامه باخبر و مطلع باشند."

حال دولتی که خودش را پاسخگو می داند، رییس آن در اولین گفتگوی مستقیم خود با مردم که آنرا گزارش نیز می نامد، در مورد گران شدن کالاهای مصرفی و اقلام اساسی مورد نیاز مردم چه پاسخی دارد؟ روحانی راه بهتری برای مقابله می شناسد. او در این مورد می گوید: "در واقع دولت (احمدی نژاد) می بایست نرخ ارز را دو برابر می کرد و معنایش این بود که همه کالاهایی را که وارد می کند، دو برابر شود (که اینکار را نکرده)... با برنامه ریزی صورت گرفته در برخی موارد با پرداخت یارانه مانند گندم، نان و دارو قیمت را ثابت نگه داشتیم و در بقیه موارد با یک شیب بسیار ملایم به قانون، دلار را حدود ۲۵۰۰ تومان رساندیم تا فشاری به مردم وارد نشود."

یعنی دولت روحانی همان راه دولت احمدی نژاد را می رود با این تفاوت که او دلار تخصیص داده شده به واردات را گران نکرد، اما دولت روحانی این مهم را به انجام رساند. حال چرا دلار ۱۲۰۰ تومانی دو برابرش می شود ۲۵۰۰ تومان هم از آن

سووالهایی است که لابد دشمن آن را طرح می کند، والا دولت که به مردم گزارش می دهد. اینگونه روحانی یک دغل بازی و گرانی عیان که خود مرتکب شده را به گردن دولت احمدی نژاد می اندازد تا اینگونه خود را از تهمت گران فروشی، ناتوانی در کنترل قیمت و دست درازی به جیب اقشار کم درآمد مبرا جلوه دهد.

مه‌ار تورم و نقدینگی به سبک گذشته

روحانی در مورد چگونگی کنترل تورم که توسط یکی از همان مجریان دست آموز طرح شد، آسمان را به ریسمان بافت تا بتواند پاسخی بدهد که مرغ پخته را هم به خنده وا دارد. او هدفمندی یارانه ها و مسکن مهر را دو طرحی دانست که تورم زا هستند و باید متوقف شوند. وی ابتدا در مورد خالی بودن خزانه توضیح داد و گفت: "در مرداد ماه حقوق کارمندان ۷۵۰۰ میلیارد تومان بود و از این مبلغ تنها ۲۸۷۰ میلیارد تومان بیشتر در خزانه موجود نبود، یعنی بیش از ۴۶۰۰ میلیارد تومان باید از بانکها قرض می گرفتیم که تنها فقط بتوانیم حقوق کارمندان را پرداخت کنیم."

با این حساب در همان آغاز کار دولت، ۴۶۰۰ میلیارد تومان از بانک مرکزی "قرض" گرفته که نام مستعار چاپ اسکناس بی پشتوانه است و این خود تورم زا و افزایش دهنده نقدینگی است. آیا با چنین آغازی متصور است که دولت حتا گام لرزانی در جهت مه‌ار تورم برداشته باشد؟ بگذارید مابقی گفته های او را ببینیم، بعد متوجه عمق فاجعه خواهیم شد. روحانی می گوید: "دولت برای پرداخت یارانه و ادامه آن ماهانه نیاز به ۳۵۰۰ میلیارد تومان پول دارد که بر اساس قانون این مبلغ باید از طریق افزایش قیمت حاملهای انرژی تامین شود که افزایش حاملهای انرژی تنها نصف این مبلغ را تامین می کند. ما برای تامین مابقی باید از منابع بودجه ای استفاده کنیم که در این صورت هر ماه کسری برای پرداخت یارانه داریم."

با یک حساب سرانگشتی در صورتی که دولت نتواند به منابع ارزهای خارجی دست پیدا کند، باید ماهانه چیزی حدود ۱۷۵۰۰ میلیارد تومان اسکناس بی پشتوانه چاپ بزند. به جز این هم ماهانه چیزی حدود ۳۵۰۰ میلیارد تومان پول به نقدینگی کشور اضافه خواهد شد. آیا کسی هست که بگوید که این حجم پول ماهیانه تورم زا نبوده و برای اقتصاد کشور مشکل آفرین نیست؟

او در این میان طرحی هم پیشنهاد می کند که همان ادامه برنامه هدفمندی یارانه هاست، زیرا این پول نقد در یک بازه زمانی باید قطع گردد و تنها در ابتدای کار است که دولت برای جلوگیری از اعتراضهای گسترده، به مردم مبلغی کمک می کند تا آنها به گرانی عادت کنند و سپس همین مبلغ نیز قطع خواهد شد. این چیزی است که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به رژیم دیکته کرده اند. به همین دلیل روحانی ادعا می کند که: "راه حل دیگر این بود که به یک بخش افراد جامعه یارانه ندهیم."

اما علت اینکه چنین کاری نکرده خود بیش از همه جالب است. روحانی می گوید: "به این نتیجه رسیدیم که اگر بخواهیم یارانه ها را از قشرهای پردرآمد بگیریم، باید از حساب بانکی آنها مطلع شویم و تعداد املاک مردم را در نظر بگیریم که این دخالت در زندگی خصوصی افراد خواهد شد."

این عذر پوشالی و چند مصرفه در حالی توسط روحانی بیان می شود که او نمی گوید وظیفه وزارت دارایی و اداره مالیات چیست؟ مگر نه اینکه اداره مالیات باید از همه داراییها و درآمدهای مالیات دهندگان آگاه باشد؟ مگر نه اینکه باید در مملکت حساب و کتاب وجود داشته باشد تا کلان سرمایه داران و آنانی همه کشور را چاپیده اند، حداقل مالیات خود را بپردازند؟ کجای دنیا رییس یک دولت اینگونه از دزدان و چپاولگران حمایت می کند و کنترل درآمد و دارایی آنان را دخالت در زندگی خصوصی افراد می داند؟

بی دلیل نیست که یک کلاهبردار بی هویت و بدون داشتن اندکی دارایی موفق می شود از بانکهای کشور میلیاردها دلار ال سی دریافت کند، بدون اینکه مرجعی وجود داشته باشد که در مورد توان مالی او اظهار نظر کند که چنین کسی واجد چنین داراییهایی هست یا نه؟ به همین دلیل سند سازی، بند و بست، پول شویی، فرار از مالیات، نقل و انتقال پولهای

کلان در کشور نماینده خود خوانده خدا بر روی زمین کار سختی نیست، زیرا چون و چرا در مورد آنان و یا کنترل دارایی و حسابهای بانکی و غیره شان دخالت در زندگی خصوصی دزدان و چپاولگران معنا می دهد که همدستان پایوران رژیم هم هستند، اما وارد شدن بدون اجازه گله اوباش به خانه مردمی که یک جشن خانوادگی برپا کرده و زنان و مردان راحت در کنار هم نشسته اند، امری عادی است و دخالت در زندگی خصوصی مردم معنا نمی دهد. بازرسی تحقیرآمیز مردان و زنان در خیابان و پرسیدن نسبت آنان با یکدیگر، دستگیری دستجمعی جوانان به جرم شرکت در میهمانی و جشن و شلاق زدن آنان به جرم نوشیدن مشروبات الکلی یا رقصیدن با یکدیگر، دخالت در زندگی خصوصی مردم نیست، اما کنترل دارایی دزدان و کلاهبرداران، سرکشی به حساب بانکی آنها که در همه کشورهای دنیا امری عادی است، ناپسند و دخالت در زندگی خصوصی قلمداد می شود که روحانی از دست زدن به آن شرم می کند. یعنی او با چنین ریشی می خواهد برود تجریش؟

معرفی احمدی نژاد به عنوان مقصر، تبریه خامنه ای

او که در این برنامه تلویزیونی در مورد موفقیت‌های دولت خود چیزی برای گفتن نداشت، سعی کرد تا همه گناهان را به گردن دولت احمدی نژاد بیندازد و البته جاهایی هم سخن دوپهلوی را چنان گفت که گوشه ای از آن به عبای سید علی خامنه ای ساییده می شد. او با مقدمه چینی گفت: "البته نمی خواهم بگویم همه مشکلات ما مربوط به تحریم است؛ عمده مشکلات به بی تدبیری مربوط می شود چرا که در شرایطی که دولت، تحریمها را کاغذ پاره می خواند، وابستگی اش را به خارج از طریق واردات بیشتر می کرد."

دولتی که برگزیده و مورد حمایت همه جانبه رهبر جمهوری اسلامی بود و خامنه ای مخالفان آن را بی بصیرت می دانست، حال روحانی آن را به بی تدبیری متهم می کند و انگ می زند که وابستگی به خارج را بیشتر کرده است. او با این مقدمه چینی می گوید: "وقتی با دنیا در حال مبارزه هستیم، باید به داخل تکیه کنیم و با شعار نمی شود با دنیا مقابله کرد."

چه کسی به جز خامنه ای توپ و تشر می زد و در هر سخنرانی خود دشمن، دشمن می کرد و جهان را به مبارزه می طلبید؟ حال دولت برکشیده او به گفته روحانی نه تنها به خارج وابسته تر می شود، بلکه هل من مبارز آن را شعار توخالی ای می داند که با همه توان در خدمت اشتغال چینیها و کره ایها بوده است.

روحانی در مورد تشدید انزوای بین المللی جمهوری اسلامی در دوره احمدی نژاد توجیه می تراشد: "متأسفانه دشمنان در سطح جهانی نوعی ایران هراسی را به وجود آورده بودند و روابط دولت با دنیا به جز تعداد کشوری معدود، کاهش پیدا کرد."

اما کیست که نداند این علی خامنه ای و دار و دسته سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات بودند و هستند که هر روز در گوشه ای از دنیا دست پیدا و پنهان شان رو می شود و ایادی آن به جرم اقدام علیه شهروندان و امنیت دیگر کشورها دستگیر می شوند. این "ایران هراسی" واهی نبوده و رژیم تروریست پرور جمهوری اسلامی از محل ثروت ملی مردم ایران، گروهها و سازمانهای تروریستی مختلفی را یا سازمان داده و یا تحت حمایت مالی و معنوی خود گرفته تا با ایجاد رعب و وحشت برای آن "تولید اقتدار" نمایند. حال حسن روحانی با هر زبانی که بخواهد آن را منکر شود، همگان می دانند که دستهای پنهان پشت این اعمال از آستین کسی به جز علی خامنه ای و سازمانها و نهادهای ماجراجوی تحت رهبری او بیرون نمی آید.

روایت روحانی از مجهولات

به جز این، روحانی به مواردی اشاره کرد که غیر واقعی بوده و نشانه هایی از آن دیده نمی شود. به عنوان نمونه او گفت: "خوشبختانه در روابط قوه مجریه با قوای قضاییه و مقننه آرامشی حکمفرماست این در حالی است که قبلاً روابط در حد شکایت در دادگاه از همدیگر پیش رفت."

معلوم نیست منظور روحانی از آرامش در روابط بین قوای کشور چیست. یعنی آنها باید دایم در حال جنگ یا زد و خورد باشند، یا قوای سه گانه کشور اگر با هم درگیر نباشند و با چماق قضایی بر سر یکدیگر نکوبند، شق القمر کرده اند؟ با این وصف او در حالی از آرامش صحبت به میان آورد که سه وزیر پیشنهادهايش برای وزارت ورزش و جوانان، از سوی مجلس رد شدند یا احضار وزرا به مجلس و تحت فشار قرار دادن آنان همچنان ادامه دارد و کار تا جایی رسیده که بعضی از مجلس نشینان (محمد مهدی زاهدی، نماینده کرمان) با سخنانی زننده و فحاشی در صحن علنی برای روحانی پیام فرستادند. حال چگونه این عملکرد مجلس با دولت را می توان آرام نام نهاد؟

از سوی دیگر دستگاه قضایی تحت سرپرستی آخوند لاریجانی که برگزیده رهبر رژیم است، همچنان بر خلاف گفته های دولت روحانی با بگیر و ببند و صدور احکام اعدام و اجرای آنها، پر تعداد ترین اعدامها در طول دوره سه ماهه یک دولت را در کارنامه دولت روحانی ثبت کرده است. این چگونه آرامشی است که دولت روحانی تلاش می کند تا در سطح بین المللی برای رژیم آبرویی دست و پا کند و با سازش و بند و بست راهی برای عبور از تحریمها که گوی رژیم را می فشارد باز کند، اما در داخل کشور تمام نهادهای امنیتی و سرکوبگر با شدت هرچه بیشتر مشغول قلع و قمع مردم و فعالان سیاسی و اجتماعی هستند؟ در این کشور چند دولت وجود دارد و در اصل از دست دولت روحانی در این مورد کاری ساخته است؟ او در مورد مطبوعات و آزادی نویسندگان هم مدعی شد: "در همین ۱۰۰ روز بسیاری از کتابهایی که ممنوع شده بود، آزاد و چاپ شد. بسیاری از نویسندگان ممنوع القلم شده بودند که آنها را به صریح القلم تبدیل کردیم، یعنی بروند قلم بزنند و هر چه دلشان می خواهد بنویسند، البته در چارچوب قانون بنویسند."

اما هیچ نشانه ای از آنچه روحانی به زبان آورده، به چشم نمی خورد. سانسور و پیگرد نویسندگان همچنان به قوت خود باقی است. نه تنها دستگاههای اطلاعاتی و وزارت ارشاد به شدت مشغول سانسور هستند، بلکه بسیاری از نویسندگان ممنوع القلم شده همچنان تحت فشار قرار دارند. یورش به دست اندرکاران سایتهای اینترنتی و دستگیری فله ای آنها، تعطیلی بعضی از روزنامه ها و بگیر و ببند در حوزه نشر و اینترنت نیز شواهد دیگری است که نشان می دهد بین گزارش روحانی و واقعیت فاصله نجومی وجود دارد و حرفهای روحانی حتا در چارچوب اطرافیان خود او نیز برش نداشته و ندارد. به جز این موارد خلاف گویی، آنچه که روحانی در مورد شان سکوت کرد نیز بسیار بود. او در باره به کارگماری افرادی از اقلیتهای قومی و مذهبی مثل سنیها سکوت کرد. او فعالان سنی که به وعده هایش دلخوش کرده بودند را تا کنون ناکام گذاشته و در گزارش خود حتما اشاره ای هم به آنان نکرد. به غیر از این، او در مورد کردها، بلوچها و ... نیز سکوت پیشه کرد و قولهای زمان کاندیداتوری خود را فراموش کرده و یا نادیده گرفت. بر این اساس، این سووال که آیا او در آینده گوشه چشمی به آنها خواهد داشت یا نه را می شود پاسخ گرفته تلقی کرد.

حسن روحانی در مورد آزادیهای سیاسی و اجتماعی هم سکوت کرد. وعده او برای پیگیری آزادی موسوی، کروبی و رهنورد بدون اشاره ماند و از او در بسیاری از موارد دیگر نیز به جز پاسخهای مبهم، کلی و کوتاه چیزی شنیده نشد.

در انتها

به نظر می رسد نمایش تلویزیونی روحانی با عنوان گزارش ۱۰۰ روزه آب پاکی را روی دست بسیاری ریخته باشد و خیال آنها را راحت کرده که از این امام زاده رژیم نیز معجزه ای به نفع آنان برنخواهد خواست.

بند بست و امتیاز دادن در خارج برای جلوگیری از تحریم بیشتر و توان فروش نفت که بقای رژیم به آن بسته است، روی دیگر سکه بگیر و ببند داخلی است. هرچه رژیم در خارج کشور بیشتر عقب نشینی کند، در داخل مجبور است سرکوبها را بیشتر کند تا امکان هر نوع استفاده از موقعیت جدید را برای مردم ایران سد نماید. این همان چیزی است که قدرتهای خارجی طرف حساب رژیم هم می دانند و هیچ حرفی از حقوق بشر و حقوق اساسی مردم در گفتگوهای بین طرفین نیست.

مالکی زیر فشار همه جانبه

آناهیتا اردوان

عراق؛ رویارویی تکثرگرایی با اقتدار گرایی فزاینده نوری مالکی

تشدید روند تهدید و سرکوب قیام مردم استانهای به پاخاسته، انفجار بمب، ترور افراد و شخصیت‌های سیاسی، سانسور و حمله به رسانه های گروهی، نقض مستمر حقوق بشر و اجرای احکام وحشیانه اعدام، دستگیری، زندان و تحت شکنجه قرار دادن معترضان به بهانه مبارزه با تروریسم، به موازات گسترش فقر مفرط و بیکاری، جامعه عراق را در بحران ژرف و بغرنجی فرو برده که در گام نخست، ماحصل سیاستهای اقتدارجویانه و ضد مردمی دولت نوری مالکی است.

آمار دستگیریها در عراق طی ماه اوت به ۳۵۲۸ نفر افزایش یافته که تقریباً ۹۰ درصد دستگیریها توسط شبه نظامیان و دیگر نیروهای سرکوبی نوری مالکی موسوم به "سوات" و "عصایب الحق" صورت گرفته است. در این دستگیریها، ۷۱ نفر نیز به قتل رسیده اند. تلویزیون "التغییر" گزارش مفصلی پیرامون تهاجم ماه گذشته نظامیان مالکی به خانه های شهرستان "راوه" واقع در استان "الانبار" انتشار داد. بر پایه گزارش مزبور، اغلب خانه های ساکنان مورد یورش و بازرسی قرار گرفته است. همین رسانه در گزارش دیگری از همکاری مزدوران سپاه پاسداران با نیروهای ویژه مالکی در "اعظمیه" بغداد خبر می دهد که مردم را مورد تهاجم قرار داده اند، آنان را دستگیر و اموال شان را به غارت برده اند. افزون بر این، "تلویزیون بغداد" بر اساس گزارشی در ماه دسامبر، بر تشدید اقدامات سرکوبگرانه مالکی علیه مناطق سنی نشین تاکید ورزید و اضافه کرد که یک نیروی امنیتی، منطقه عرب "جبور" در شهرستان "مقدادیه" در استان "دیالی" را به محاصره خود درآورده است. به گفته شاهدان عینی، نیروهای امنیتی با بستن ورودیها و خروجیها مانع رفتن کارکنان و دانش آموزان به ادارات و مدارس شده اند.

بر اساس گزارش دیگری، نیروهای مالکی مناطق بسیاری را در شمال "بابل" محاصره کرده و همزمان به بازرسی و دستگیری تعدادی از اهالی منطقه مبادرت ورزیده اند. نیروهای امنیتی با مشارکت نیروهای سوات و ارتش و پلیس، منطقه را با خاکریز بسته و بعد از آن دست به حمله و دستگیری گسترده در مناطق بخش "اسکندریه" در شمال بابل زده اند. ماه گذشته، دفتر حقوق بشر سازمان ملل، اعدام شنیع زندانیها توسط نوری مالکی را محکوم کرد. "روبرت کولویل"، سخنگوی حقوق بشر سازمان ملل متحد، دستگاه قضایی عراق را با ذکر این موضوع که در دو سال گذشته اعدامهای گسترده ای به دفعات انجام پذیرفته، زیر سوال برد. وی اضافه کرد که اعدامها نه تنها شنیع و غیر انسانی بوده، بلکه به احتمال بسیار قوی در مغایرت با قانون بین الملل است. خبرگزاری فرانسه نیز شمار جانباختگان سوقصد های مذهبی از آغاز ژانویه تا به حال را بیش از ۵۸۰۰ نفر، اعلام داشت. سازمان شفافیت بین المللی، عراق را در ردیف فاسدترین دولتها، بین ۱۷۷ کشور جهان معرفی کرد. به گزارش "نیکولای ملادنوف"، نماینده سازمان ملل در عراق، تنها طی چهار ماه گذشته ۹ هزار تن از شهروندان عراقی کشته شده اند.

روند نقض آشکار حقوق بشر و تشدید سیاست سرکوب و حذف معترضان و مخالفان توسط نوری مالکی با نزدیک شدن انتخابات دوره سوم نخست وزیری رابطه ای مستقیم دارد. سفرهای وی به آمریکا و ایران، ملاقات با کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع جهت جلب رضایت آنها، بر پایه منافع مشترک در منطقه برای قبضه قدرت سیاسی در انتخابات مزبور که در ماه آوریل برگزار می شود، صورت پذیرفت.

تغییر بافت جمعیتی عراق از دیگر شیوه هایی ست که با هدف به حاشیه راندن سنیها به مثابه اصلی ترین مخالفان سیاست انحصار طلبی، چیره گشتن بر قیام آنان، کنترل و هژمونی بر منطقه از سوی نوری مالکی در دستور کار قرار گرفته است. بر اساس گزارش "الجزیره"، تنها در سال ۲۰۱۳، ۲۰ هزار خانوار در دو استان دیالی و "نینوا"ی عراق به زور کوچ داده شده اند. تظاهرات ماه گذشته کشاورزان کربلا علیه مصادره زمینهای شان به بهانه ساختن فرودگاه، تشدید موج انفجارها و ترور، حمله به خانه های مردم و مصادره املاک و مستغلات آنان و... همگی نه تنها در راستای مهار اعتراضها، بلکه تحت پروژه عملیات پاکسازی قومی است.

"لقاء مکی"، نویسنده و مفسر سیاسی در همین رابطه ابزار می دارد که انفجار خودروهای بمب گذاری شده به اعدام سیستماتیک بر اساس فرقه گرایی ارتقاء یافته است. وی ادامه می دهد که اعدام با دستان بسته و با شلیک به سر قربانیان بیانگر پاکسازی قومی است. (سایت سازمان مجاهدین خلق ایران، ۹ آذر ۱۳۹۲)

پاسخ چرایی کشتار، فقر، گرسنگی و بیکاری اکثریت مردم عراق (نخستین صادر کننده نفت در جهان) در اجرای پروژه های خانمانسوز ولی فقیه است.



در گزارش افشاگرانه دکستر فیلکینز، روزنامه نگار آمریکایی برنده جایزه پولیتزر در سال ۲۰۰۹ در روزنامه نیویورکر آمده است: «دولت مالکی هر روز معادل ۲۰۰ هزار بشکه نفت را کنار می گذارد و پول آن را (برابر با حدود ۲۰ میلیون دلار قیمت های کنونی) برای سلیمانی می فرستد. نیروی قدس بدین وسیله خود را نسبت به فشار اقتصادی ناشی از

تحریم های غرب، مصون کرده است. این یک برنامه تأمین مالی درون گرا و مخفی است. سلیمانی برای عملیات خود، حتی به بودجه [رژیم] ایران نیازی ندارد». (همانجا، ۲۳ مهر ۱۳۹۲) به بیان دیگر، مردم عراق با وحشت بی پایانی روبرویند که از سیاست های ارتجاعی صدور انقلاب اسلامی و تنش آفرینی أم القرای ولایت فقیه در تهران سرچشمه می گیرد.

اعتراضات و تحصن های مردمی باوجود سرکوب وحشیانه و تهدید و توطیه های همه جانبه، گذشت یک سال استواری و پایداری و استمرار پیکار تا تحقق آزادی زندانیان سیاسی، خاتمه فعالیت شبه نظامیان و توقف حملات فرقه گرایانه دولت مالکی از روندهای اصلی در شرایط کنونی جامعه عراق است.

صحنه سیاسی عراق با تداوم نبرد علیه نوری مالکی و دخالت های رژیم ایران، به همراه ژرفش رویارویی میان احزاب، به خصوص افشاگری های همه جانبه جنبش "وفاق ملی" به رهبری "ایاد علاوی" علیه سیاست های هژمونی طلبانه نوری مالکی و "حزب الدعوه"، به تقابل میان تکثرگرایی و تفکیک قوا از یکسو و اقتدارگرایی و سلطانیسم از دیگر سو بدل گشته است. شدت گیری این ستیز با فرا رسیدن دوره سوم انتخابات مجلس و به دنبال آن تعیین نخست وزیر و افزایش تلاش توطیه گرانه نوری مالکی جهت تثبیت و حفظ قدرت سیاسی، دور از انتظار نیست.

رویکرد تازه رژیم در سیاست خارجی و مذاکره با آمریکا و کشورهای غربی جهت رفع تحریم های کمرشکن و حل و فصل بحران هسته ای قادر است به مهار سیاست های تنش و بحران آفرینی آن در منطقه بینجامد. روشن است که رژیم برای پیشبرد هدف دیرینه "صدور انقلاب اسلامی و تشکیل خاورمیانه اسلامی" به سلاح اتمی به مثابه سلاح ایدیولوژیک و استراتژیک نیاز مبرم و حیاتی دارد. از این حیث، پذیرش توقف غنی سازی اورانیوم مانعی جدی در راستای تحقق اهداف مزبور و تضعیف نیروهای ارتجاعی وابسته به رژیم، از جمله نوری مالکی به شمار می آید. اما، تحقق این مهم نمی تواند تنها به میز مذاکره ارتجاع و امپریالیسم واگذار شود، بلکه نیاز به ابزاری دارد تا نتیجه مذاکرات نه به نفع مطامع سیاسی- اقتصادی یکی از دو طرف معادله، بلکه به سود منافع مردم محروم منطقه که قربانی سیاست های تمامیت خواهی رژیم و نیروهای وابسته به آن هستند، رقم بخورد. جلوگیری از سیاست های ماجراجویانه رژیم و کمرنگ شدن نقش تنش آفرین آن در منطقه بدون فشار توده ای نمی تواند به اندازه کافی و باید، صورت پذیرد. ایجاد جبهه ای وسیع متشکل از نیروهای ملی، سکولار و چپ عراقی، در راس آن حزب العراقیه به رهبری ایاد علاوی و تکیه هوشیارانه به اعتراضها علیه مالکی و رژیم، اثرگذاری، هدایت و سازماندهی جنبش اعتراضی تا ارتقاء آن به حد جنبش سراسری، نقش بسزایی در تغییر توازن نیرو به نفع منافع ملی و مردمی عراق در مذاکرات، روابط و مناسبات رژیم با امپریالیسم دارد.

تجلی احقاق حقوق دموکراتیک شهروندان سنی عراق و احترام و رعایت حق مشارکت آنان در قدرت سیاسی جهت تسریع گذار از ساختار قدرتی خودکامه به کثرت گرا و دموکراتیک، به چگونگی تاثیرگذاری نیروهای مترقی عراقی بر روند مذاکرات بازسازی مناسبات رژیم با دولتهای غربی و جلب اعتماد ایشان دارد که از طریق تقویت نقش توده ها، ایجاد ارگانها و نهادهای توده ای امکان پذیر است.

تلاش ارتجاع برای رسوخ روحانیون در مدارس

شهره صابری

مساله این است که آیا بشر می تواند بدون یک انقلاب اساسی در وضع اجتماعی آسیا رسالت خود را به انجام برساند؟ اگر نمی تواند پس انگلستان به رغم جنایتهایی که مرتکب شده، ابزار ناخودآگاه تاریخ برای تحقق این انقلاب بود. پس به رغم تلخیهایی که فروپاشی یک جهان کهن در احساسات شخصی ما باقی می گذارد، از حیث تاریخی حق داریم همراه گوته فریاد برآوریم؛ آیا باید دردی که بر لذت ما می افزاید متالم شد؟ (مارکس، دیلی تریبون، نیویورک ۲۵ ژوئن ۱۸۵۳)

این قطعه که در ادامه ی تفسیر مارکس از تاریخ و شرایط رشد قاره آسیا آمده است می گوید که نظام آسیایی کشورهای را در برمی گیرد که با دخالت اقوام دیگری، که تحول اقتصادیشان مسیری متفاوت را طی کرده بود، از حالت ایستایی خود بیرون آمده اند. عصر دگرگونی اروپا با افول ایران از بنام ترین کشورهای آسیایی بود همزمان شد. در عصر قاجار که حاکمیت دوران اوج عجز و ناتوانی را بروز می داد، اروپاییان دگرگونیها و انقلابهای عظیمی را تجربه می کردند که قاجاریان و به تبع آن اکثریت قاطع مردم به هیچ یک از این دگرگونیها آگاهی نداشته و از آنها بی خبر بودند. اما پس از آنکه به جبر کیفیات و مقتضیات نظام سرمایه داری پای اروپاییان به ایران باز شد، فواید و زیانباریها به بار آمد. از جمله تحرک ایرانیان نسبت به ضعفها و عقب ماندگیها، آغاز جنبشهای ضد استعماری و ضد امپریالیستی و تحرکها و تکنهای تحول در آموزش و پرورش متناسب با نیازهای جامعه ی نوین بود.

بر خلاف شهرهای اروپا که میادین و کافه ها محل تجمع و گفت و شنود مردم و شکل گیری فعالیتهای مدنی بود، در ایران تنها مکان تجمع مردم برای گفت و شنود مسجد بود و در میادین و معابر فقط اوباش گرد می آمدند. از همین رو منشا تحرکات در جامعه مسجد بود. ملاهای مکتبها اغلب طلبه ها (دانش آموزان) را در مسجد برای سواد آموختن جمع می کردند. از این رو طلاب (دانش آموزان) هم در جنبشهای اجتماعی پا در میانی می کردند. اولین تلاشهای پی گیر در آموزش و پرورش به شیوه ی نوین در سال ۱۲۶۷ توسط حاجی میرزا حسن رشیدیه انجام شد. کسروی در تاریخ مشروطه ایران می نویسد: "او یکی از ملازادگان تبریز می بود و در جوانی به بیروت رفت و در آنجا دبستانها را دید و شیوه ی آموزگاری آنها را یاد گرفت و چون به تبریز بازگشت برآن شد تا دبستانی به شیوه ی آنها بنیاد گزارد و در سال ۱۲۶۷.ش (۱۳۰۵.ق) بود که به این کار پرداخت.

بدین سان که به شیوه ی مکتب داران، مسجدی را در ششکلان گرفت و هم به شیوه ی آنان شاگردان را بروی زمین نشاند. چیزیکه بود به جلو ایشان تخته پیش نهاد و الفبا را به شیوه ی آن و نوینی آموخت و از کتابهای آسان درس گفت... و پس از همه تابلویی که نام "مدرسه ی رشیدیه" بروی آن نوشته شده بود بالای در زد. با آنکه چیزی از دانشهای نوین نمی آموخت و پروای بسیار می نمود، باز ملایان به دستاویز آنکه الفبات دیگر شده و یکره نوینی پیش آمده ناخشنودی نمودند و سرانجام او را از مسجد بیرون کردند. تا حیاط شیخ الاسلام را که خود مدرسه ی کهن بود گرفت و با پول خود اطاقهای پاکیزه ای ساخت و آنجا را دبستان گردانید نیمکت و تخته سیاه و دیگر افزار فراهم گردانید و شاگردان هم گرد آمدند. دیر گاهی اینجا بود ولی چون ملایان ناخشنودی می نمودند طلبه ها به آنجا ریختند و همه نیمکتها و تخته ها را در هم شکستند... امین الدله بوالیگری آذربایجان آمد و چون داستان دبستان و پیشرفتی که در کار آموزگاری از آن پدید آمده بود شنید با تلگراف رشیدیه را به تبریز خواست و با دست او دوباره دبستان با شکوهی در ششکلان بنیاد نهاد..."

برای سهولت در آموزش خواندن و نوشتن و اشاعه ی سریع علوم و دانشها در ایران حتی اندیشه ی دگرگون کردن الفبا نیز مطرح شد که پیش قراول آن میرزا فتحعلی آخوند زاده و پس از آن هم در زمانهای بعد توسط کسانی مثل صادق هدایت و تقی زاده و... نیز مطرح شد. چنانچه کشور های آسیایی و از جمله کشورهای اتحاد جماهیر شوروی هم به نیت سهولت گذشتن دانش آموزان از مرحله ی خواندن و نوشتن الفبا را دگرگون کردند. سطرهای نوشته شده توصیفی بود از شیوه ی

نوبین آموزش و پرورش در ایران که به اقتضای همپایی ایران در ضرورت تاریخ انجام شد. هم نهاد نوبین آموزش و پرورش به عنوان دژ پایداری در برابر امپریالیسم سربرآورد.

نهاد مدرسه به شیوه ی نوبین هم چنین بنا به الزامات زمانه رهایی آموزش و پرورش از نهاد مذهب و خانواده ی پدرسالارانه بود. اگرچه این زمان هم کودکان از استثمار معنوی رها نشدند، اما جدایی تدریجی کودکان از نهاد خانواده که ذهن آدمی را در محدود ترین حصار ممکن نگاه می دارد و آن را به ابزار منفعل خرافه بدل می کند و اسیر قواعد سنتی می سازد و از هر گونه شکوه و نیروی تاریخی محروم می کند برای برآوردن یک انقلاب اساسی در ایران ضروری بود.

هم اکنون اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران با "حوزه علمیه برادران استان تهران" تفاهم نامه ای را امضا کرده که بر اساس آن مدارس دولتی تحت پوشش این طرح به مدارس وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شوند. به گزارش خبرگزاری تسنیم، مهران مجیدی نماینده ستاد همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش با اعلام این خبر گفت: "مدارس دولتی به مدرسه وابسته به حوزه علمیه تبدیل می شوند و مدیریت حوزه با استقرار روحانی ثابت در این مدارس مدیریت تربیتی مدارس را بر عهده خواهد داشت، محتوای برنامه ها طبق شیوه نامه فرهنگی و تربیتی تایید شده کارگروه و توسط مدیر مدرسه اجرا خواهد شد."

آقای مجیدی گفته براساس ظرفیت تعیین شده از سوی مدیریت حوزه، هر ساله مدرسی به این طرح افزوده می شوند. نماینده ستاد همکاری حوزه علمیه و آموزش و پرورش همچنین عنوان کرد که این حرکت "در چارچوب احکام دینی و مقررات نظام جمهوری اسلامی در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با محوریت و نشر اندیشه تبعیت از ولایت فقیه، رعایت شئون و نهادینه سازی و ضابطه مند کردن تمام فعالیتها از جمله سیاستهای مدنظر است."

این نخستین بار نیست که بحث واگذاری برخی از مدارس به حوزه علمیه مطرح می شود. پنج سال پیش نیز در وزارت آموزش و پرورش ستادی به نام "ستاد همکاریهای وزارت آموزش و پرورش و حوزه علمیه" ایجاد شد و این ستاد طرح استقرار دائمی روحانیون در مدارس را تهیه کرد. پس از آن نیز کلیک طرح واگذاری مدارس به حوزه علمیه مطرح شد. هدف از استقرار روحانیون در مدارس "پاسخگویی به نیازهای فرهنگی دانش آموزان" عنوان شد و قرار بود در مرحله اول روحانیون در مدارس شبانه روزی، استعدادهای درخشان، استثنایی و مراکز تربیت معلم مستقر شوند.

در همان زمان اعلام شد که مدیریت ۴۲۰۰ مدرسه در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه به حوزه علمیه واگذار شده و سایت رسمی وزارت آموزش و پرورش تایید کرد واگذاری مدیریت تعدادی از مدارس کشور انجام شده و مجوز آن زیر نظر حوزه علمیه قم صادر شده است.

ارتجاع با تلاش برای وابسته کردن مدارس به نهاد پوسیده و گنبدی نهاد مذهب در جهت زندانی کردن پرواز اندیشه و آگاهی انسانهاست. اما خیال حکومت جهل خیالی باطل است چرا که نهاد مذهب در ایران از بن گنبدی و فاسد است.

کارگران و مزدبگیران.....

چالشهای معلمان در آذر ماه

فرنگیس بایقره

تایید حکم شش ماه زندان و جریمه نقدی علی ابطحی

کمپین صلح فعالان در تبعید، ۲ آذر - دادگاه تجدید نظر استان اصفهان حکم بدوی شش ماه زندان معلم بازنشسته، علی ابطحی و جریمه نقدی وی را در دوم آذر تایید کرد.

حکم بدوی شش ماه زندان و سیصد هزار تومان جریمه نقدی صادره از دادگاه خمینی شهر علیه علی ابطحی، متخصص در امور رایانه، توسط دادگاه تجدید نظر استان عیناً تایید شد.

سید علی ابطحی فرزند سید مجتبی ابطحی، عضو "کانون معلمان" خمینی شهر است که در ۲۰ خرداد ۹۲ طی یورش نیروهای امنیتی به منزل وی دستگیر و تعداد زیادی رایانه موجود توسط ماموران ضبط شد. تاکنون باوجود رای قاضی مبنی بر استرداد رایانه های ضبط شده، ماموران امنیتی از استرداد آن خودداری کرده و این خود موجب دردسر شرکتهای و افرادی شده که جهت تعمیر، کامپیوترهایشان را به وی سپرده بودند.

هفت سال کابوس و نگرانی برای خانواده محسن ناظری

حقوق معلم، ۳ آذر - محسن ناظری، دبیر علوم اجتماعی با ۲۴ سال سابقه کار رسمی که چهار سال آن در دهه ی شصت در منطقه محروم اسلامشهر و ده سال آن مدیریت بوده، مدتهاست در آموزش و پرورش شیراز مورد بی مهری قرار می گیرد و حقوق مادی و معنوی خانواده اش به دلیل اعتراض به بی قانونی پامال می گردد. او به تازگی در هیات تخلفات آموزش و پرورش شیراز از مهر ۱۳۹۱ محکوم به پنج سال تبعید به روستای رضوانشهر از توابع شهر یزد گردیده که به دلیل دغدغه های فراوان مادی و معنوی و قبول نداشتن این حکم، حاضر به پذیرش و اجرای آن نیست. محسن ناظری در سال ۸۵ در اعتراض به طرح غیرقانونی و ناقض حقوق شهروندی آموزش و پرورش مبنی بر تشکیل شیفت "تنبلها و زرنگها" از مدیریت کناره گیری کرد. خانواده ی ناظری از آن روز به بعد یک روز خوش ندیدند و هر شب با تشویش و استرس صدور یک حکم جدید سر بر بالین می گذارند.

معلمان ممنوع التدریس، انتظاری که همچنان گچ می خورد

روزنامه شهروند، ۳ آذر - علیرضا هاشمی، دبیرکل "سازمان معلمان ایران" از بی نتیجه ماندن دیدار نمایندگان تشکلهای صنفی معلمان با معاون حقوقی وزارت آموزش و پرورش پیرامون وضعیت معلمان ممنوع التدریس خبر داد. وی گفت: "حدود یک ماه پیش، ما یک جلسه خوب و مفصل با معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت آموزش و پرورش داشتیم. در این جلسه آقای ناصری از ما خواست فهرست معلمان ممنوع التدریس، کسانی که به دلیل فعالیتهای صنفی از محل خدمت شان تبعید شده اند، تنزل رتبه داده شده یا از حقوقشان کم شده را به او تحویل دهیم و ما هم همین کار را کردیم، اما تا امروز این موضوع، نتایج آشکار و مشخصی نداشته است."

اسماعیل عبدی، مسوول دبیرخانه "شورای مرکزی کانونهای صنفی سراسر کشور" که در ۲ ماه گذشته لیست این معلمان را جمع آوری کرده و آنها را تحویل معاونت حقوقی وزارت آموزش و پرورش داده نیز می گوید: "تا به حال پرونده ۲۰ نفر از این معلمان برای بررسی به وزارت آموزش و پرورش رفته ولی هنوز نتیجه بررسی آنها اعلام نشده. در حال حاضر تعداد زیادی از معلمان شهرهای همدان، تهران، تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، ارومیه، کرمانشاه و به ویژه استان کردستان، حکم تبعید و انفصال از خدمت دارند و معاونت حقوقی وزارت آموزش و پرورش به ما قول داده تا جایی که می تواند، آنها را به وضعیت قبلی شان برگرداند."

نادر قدیمی، عضو هیات مدیره "کانون معلمان همدان" است. او می گوید که در ۸ سال گذشته حقوق ۲۰۰ نفر از معلمان به دلیل اعتراضات صنفی کم شده، ۲ نفر بازنشستگی پیش از موعد داشته اند، یک نفر دچار تنزل رتبه شده و ۲ نفر هم تبعید شده اند. قدیمی که خودش هم یکی از معلمانی است که در ۸ سال گذشته برای ادامه فعالیت دچار مشکل شده، می گوید: "من در سال ۸۶، به ۵ سال تبعید به خراسان جنوبی محکوم شدم و بعد این رای به یکسال تبعید به خزل تغییر یافت و اجرا شد. از تبعید که بازگشتم، یکسال ممنوع التدریس بودم، بعد به تدریس برگشتم، اما هنوز نمی توانم در مراکز تربیت معلم تدریس کنم و هنوز دلیل این موضوع به من اعلام نشده است."

امیر اسدیان، یکی دیگر از دبیران در همدان است که از دبیری به دفترداری تنزل رتبه داده شده. در رای هیات تخلفات اداری همدان که ظرف ۲ روز برای او که ۸ سال دبیر یکی از دبیرستانهای پسرانه همدان بوده صادر شده، این طور آمده

است: "براساس رفتار هماهنگی هیاتها و ضمایم پیوستی به علت تشویش اذهان دانش آموزان با نوشتن و تهیه و تکثیر و توزیع مطالب ضداخلاقی در قالب شعر و... و تشویق به فساد اخلاقی و اجتماعی و بی بند و باری در بین دانش آموزان جوان متهم هستید."

او حالا پرونده اش را برای رسیدگی بیشتر به وزارت آموزش و پرورش فرستاده و منتظر اعلام نظر معاونت حقوقی این وزارتخانه است؛ معاونتی که مسوول آن در زمان سرپرستی علی اصغر فانی تغییر کرد و حالا معلمان ممنوع التدریس به او برای برگشتن به کلاسهای درس امید بسته اند.

هاشم خواستار، معلم بازنشسته روانه زندان وکیل آباد شد

خبرگزاری هرانا، ۵ آذر - اجرای احکام دادگاه انقلاب مشهد با احضار این معلم وی را بازداشت و تحویل مقامات زندان وکیل آباد مشهد داد.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری "مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران"، وی که از سوی دادگاه به دو میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده، در پی مخالفت با پرداخت آن بازداشت و روانه زندان وکیل آباد شده است. وی که پیش تر و در بازداشت قبلی خود ۴۵ روز حبس مازاد را تحمل کرده است، در پی عدم توان مالی برای پرداخت جریمه مذکور می بایست ۳۷ روز دیگر که هر روز آن سی هزار تومان محاسبه می شود، در زندان باقی بماند.

وزیر آموزش و پرورش از ۵۸ هزار نیروی مازاد خبر می دهد

شرق، ۸ آذر - علی اصغر فانی در برنامه تلویزیونی "نگاه دو" به برنامه های یکصد روزه آموزش و پرورش اشاره کرد و اظهار کرد: "در بعضی از مناطق و رشته ها با تورم نیروی انسانی و در برخی از مناطق نیز با کمبود مواجه هستیم؛ به گونه ای که ۵۸ هزار نیروی مازاد و در کنار آن ۵۰ هزار کسری نیروی انسانی داریم." وی با بیان اینکه در این شرایط تقاضا برای جابه جایی فرهنگیان نیز وجود داشت، اضافه کرد: "ناچار شدیم برخی از دبیران متوسطه را در دوره ابتدایی استفاده کنیم که از این معلمان تشکر می کنیم به همین دلیل یکی از سیاستهای ما ساماندهی نیروی انسانی است که امیدواریم در سالهای ۹۳ و ۹۴ به نتیجه برسد."

عدم درمان معلم بازنشسته زندانی

فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، ۱۸ آذر - معلم بازنشسته زندانی محمد امین آگوشی از دندان درد شدید رنج می برد اما زندانبانان ولی فقیه حاضر به درمان وی نیستند.

معلم بازنشسته زندانی سیاسی محمد امین آگوشی از روز شنبه ۱۶ آذر ماه از درد شدید و طاقت فرسای دندان درد رنج می برد و علیرغم مراجعات متعدد به بهداری زندان از درمان و یا تسکین درد وی خوداری می کنند. آنها با عدم درمان و ایجاد شرایط غیر انسانی به عنوان اهرمی استفاده می کنند تا زندانیان سیاسی را تحت فشار قرار دهند.

فردی به نام یوسفی از نیروهای اطلاعات زندان زاهدان به عنوان رییس بهداری زندان منصوب شده است که هیچگونه پیشینه و تحصیلات پزشکی ندارد. وی در بهداری زندان اتاقی ایجاد کرده که زندانیان معترض به عدم درمان خود را به این اتاق انتقال داده و تحت شکنجه های جسمی قرار می دهد و سپس دستور انتقال آنها را به سلولهای انفرادی بند قرنطینه را صادر می کند.

معلم بازنشسته زندانی محمد امین آگوشی بیش از ۵ سال است که در زندان بسر می برد و بیش از ۱ سال است که او را به زندان مرکزی زاهدان منتقل نموده اند. او در اثر شکنجه های بازجویان اطلاعات سپاه دچار بیماریهای متعددی شده است و آنها مانع درمان وی هستند.

اعتصاب غذای عبدالرضا قنبری در اعتراض به تبعید

هرانا، ۱۸ آذر - معلم و استاد دانشگاه زندانی در بند ۳۵۰ اوین به زندان برازجان تبعید شد و در اعتراض به این تبعید دست به اعتصاب غذا زد. صبح روز یکشنبه ۱۷ آذر ماه عبدالرضا قنبری از بند ۳۵۰ زندان اوین در حالی به زندان برازجان تبعید شد که در اعتراض به این اقدام دست به اعتصاب نامحدود زده بود.

عبدالرضا قنبری در اعتراض به این عمل طی نامه ای اعتصاب غذای خود را اعلام کرد. وی در این نامه نوشت: "با توجه به صدور حکم تبعید بر اساس ماده ۱۸۶ قانون مجازات اسلامی سابق و از آنجا که در قانون مجازات اسلامی جدید ماده ۱۸۶ حذف و عنوان محاربه نیز به بغی تغییر یافته است، بنابراین صدور حکم حبس در تبعید را برابر قانون جدید مجازات اسلامی منطبق بر قانون و الزامات قانونی نمی دانم، از امروز یکشنبه مورخ ۱۷ آذرماه ۱۳۹۲ دست به اعتصاب غذای نامحدود اعتراضی خواهم زد تا شاید گوش حق طلبی برای شنیدن فریاد مظلومیت خود که بیش از ۴ سال زیر حکم اعدام زندگی کردم، پیدا کنم.

همچنین صدور حکم حبس در تبعید بر اساس هیچ ماده ای از مواد قوانین حاضر وجود ندارد و بر اساس قاعده لزوم اعمال مجازات قانونی در حق متهم، کیفری با این عنوان (حبس در تبعید) وجود نداشته و از سویی این حکم ناعادلانه مجازات خانواده بی پناهم را به دنبال خواهد داشت و علیرغم اصل شخصی بودن مجازاتها، خانواده بنده مستقیماً تحت مجازات قرار گرفته و احتمالاً آنان نیز به جرم ناکرده تبعید خواهند شد.

امید که ایران و ایرانی، از آینده ای فارغ از قانون ستیزی و قانون گریزی به ویژه از سوی متولیان اجرای قانون برخوردار شود.

فرزند ایران - عبدالرضا قنبری (معلم و استاد دانشگاه)"

انتقاد از تبعیض میان حقوق معلمان و کارمندان آموزش و پرورش

ایلنا، ۱۹ آذر - یک فعال صنفی معلمان از تبعیض میان معلمان مدارس و نیروهای ستادی آموزش و پرورش انتقاد کرد. مهدی بهلولی گفت: "از گذشته میان حقوق و مزایای معلمان مدارس و نیروهای ستادی (پرسنل وزارت آموزش و پرورش و ادارات و سازمانهای وابسته به آن) اختلاف فراوانی وجود داشته است؛ به این شکل که نیروهای ستادی بین ۲/۵ الی ۳ برابر بیشتر از معلمان مدرسه حقوق دریافت می کنند و این تبعیض فقط به حقوق محدود نمی شود." این فعال صنفی معلمان افزود: "وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده بود در ماه رمضان سال جاری نزدیک به ۱۵۰ هزار تومان کالا در اختیار معلمان مدارس قرار می دهد، اما نه تنها به وعده اش عمل نکرد، بلکه ۴۰۰ هزار تومان وجه نقد به حساب نیروهای ستادی اش واریز کرد."

وی با قیاس دفترچه تعاونی معلمان مدارس و نیروهای ستادی بیان کرد: "دفترچه تعاونی معلمان مدارس بی ارزش است و از حدود ۵ سال پیش تاکنون، خدماتی به آنها ارائه نمی دهد، اما دفترچه تعاونی نیروهای ستادی شامل بنهای روغن، مواد شوینده، برنج و... است که به ارتقای معیشت آنها کمک می کند."

بهلولی در ادامه گفت: "در حالی که به نیروهای ستادی به مناسبتهای مختلف سکه اهدا می شود، حق اضافه کاری معلمان در ماه های اردیبهشت، خرداد، مهر و آبان هنوز پرداخت نشده است."

وی همچنین به عدم پرداخت حق الزحمه معلمان در امتحانات نهایی خرداد ماه و بدهی ۳۰۰ میلیارد تومانی دولت در خصوص بیمه طلایی به آنها اشاره کرده و افزود: "معلمان در مدارس به آموزش و پرورش دانش آموزان مشغول هستند و وظیفه شان از پشت میز نشینی نیروهای ستادی به مراتب سخت تر است."

برای اشتراک نسخه چاپی نبرد خلق با آدرس زیر تماس بگیرید

nabard@iran-nabard.co

استثمار جنسی و ابعاد فاجعه بار آن

ناصر ناصری

تن فروشی در جامعه ایران پدیده نو ظهوری نیست. از گذشته دور این شکل از استثمار انسان کم یا بیش در ایران وجود داشته است. در دوران اوج اقتدار پادشاهان صفوی که به اشکال مختلف نهادهای مذهبی را تقویت می کردند، گسترده ترین نوع فحشا در اصفهان وجود داشت. در قرن بیستم شاهد اشکال رسمی و غیر رسمی ارائه خدمات جنسی به قصد کسب در آمد و تامین معاش بوده است.

گرچه با روی کار آمدن حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی مکانهای ارائه ی خدمات جنسی دوران استبداد خاندان پهلوی جهت مبارزه با معضل تن فروشی، بسته شدند، ولی طیف گسترده ای از زنان متعلق به اقشار محروم جامعه به دلیل عدم برخورد ریشه ای حاکمیت با معضلات گوناگون اجتماعی، به خصوص فقر و بیکاری، به تن فروشی روی آوردند. این قربانیان در حاکمیت ایران که تن فروشی را با توسل به احکام شریعت اسلام، ممنوع اعلام می کند، چاره ای جز ایستادن در حواشی خیابانها ندارند و به زنان خیابانی مشهور گردیده اند.

در میان قربانیان، دختران جوان، دانشجویان، زنان بیوه و بی سرپرست، زنان سرپرست خانوار، زنان متاهل و افراد دو جنسه وجود دارند. دلایل و

عوامل بسیاری از سوی جامعه شناسان و محققان در خصوص گرایش زنان به تن فروشی ارائه شده که فقر، بیکاری، روابط والدین، جدایی والدین، مهاجرت، فراوانی جمعیت خانواده، ازدواج تحمیلی، تفاوت زیاد سنی بین زوجین، بی توجهی به نیازهای عاطفی و جنسی زنان، عدم احترام به شخصیت زنان و ... از مهمترین آنها است. اما ریشه اصلی مشکلی که سبب تشدید تن فروشی می شود را باید در ساختار ارتجاعی قدرت حاکم همراه با تمام ارگانها و نهادهای انگلی وابسته به آن دانست.

قدرت حاکم که جهت چپاول و انباشت ثروت از هر شیوه غیرانسانی بهره می جوید، بهره کشی جنسی را به عنوان بخشی از منبع ثروت دانسته و قادر به چشم پوشی از آن نیست. معضل مزبور به خاطر روبنای ارتجاعی، استبدادی و پدرسالار ساختار سیاسی در ایران، به طور وحشیانه تر و خشن تری ظاهر می شود.

بیکاری فزاینده، تورم، ژرفش اختلاف طبقاتی و جنسیتی و تشدید اعمال سیاستها نولیبرالیستی، خیل عظیمی از جوانان نوجوانان سرخورده که آینده ای روشن برای خود نمی بینند را جذب مشاغل کاذب کرده است. زنان از جمله اقشاری هستند که به دلیل تبعیض فاحش جنسیتی در شرایط بغرنج تر و دشوارتری نسبت به مردان قرار دارند. تن فروشی برآیند سیاستهای اقتصادی و اجتماعی حکومت ارتجاعی حاکم است که طی بیش از سه دهه فرمانروائی جابرانه خود نه تنها توجه به وضعیت زنان تن فروش نداشته، بلکه با تصویب قوانین زن ستیزانه، آنان را از مشارکت در پروسه تولید محروم کرده است. بدینوسیله، امرار معاش از طریق تن فروشی به رغم تمام خطرات و عواقب ناگوار، برای زنان طبقه محروم تنها راه نجات از وضعیت دهشتناکی است که رژیم فراهم ساخته است.

تحقیق میدانی

برای نگارش این مقاله اقدام به تحقیق میدانی در تهران بزرگ و حومه ی آن نموده ام. برای برقراری ارتباط و ملاقات با زنان خیابانی به جز جوانب امنیتی، مشکل حادی وجود ندارد. کافی است به یکی از خیابانها و پارکها و میدانی مشخص در تهران مراجعه و با اندکی تامل با یک و یا چند تن از زنان تن فروش مواجه شد. برای بررسی پدیده در سطح تهران، به یکی از محلهائی که توسط یکی از واسطه ها از آن مطلع شدم رفتم. در منطقه ای در حاشیه غرب کلان شهر تهران، بدون هیچ سازماندهی مدنی و زیر ساختهای لازم برای یک جامعه مدنی، محله ای نسبتا

جدیدالاحداث که یک شبه سر برآورده است. به مغازه ای معرفی شدم که در آن ارتباط با زنان میسر می شود. مرد مغازه دار که ظاهراً ۵۵ سال دارد، پس از دریافت جمله رمزی که از رابط بدست آورده بودم و کسب اطمینان، مرا به پشت پیشخوان برده و بدون تامل آلبومی را برای انتخاب ارائه داد. با مشاهده تصویر زنان و دختران نیمه عریان در البوم، زنی را انتخاب و از مرد دلالت شرایط این زن را جویا شدم. آن مرد که به این شرایط مانند معامله کالا عادت داشت، بدون درنگ قیمت صد هزار تومان برای یک ساعت در مکانی که داشت را اعلام نمود. برای عکسی دیگر نیز، قیمت در همان حدود بود. به بهانه آوردن کیف از مغازه خارج شد. حال مساعدی برای دیدار در آدرس دریافت شده نداشتم. چند متری جلوتر از مغازه، دختری در کنار خیابان با نوع پوشش و طرز ایستادن و اتومبیلهایی که برایش بوق می زدند و ترمز می کردند، توجه ام را جلب کرد. وقتی که به نزدیک او رسیدم و جلوی او توقف کردم، دختر به ماشین نزدیک شد و با انگشت به شیشه زد. وقتی شیشه پایین آمد تنها کلمه ای که از دهانش خارج شد هشتاد هزار تومن! بود. من هنوز حرفی نزده بودم که او درب را باز کرد و در ماشین نشست. من نیز به ناچار حرکت نمودم. حدود بیست سال سن داشت و برغم آرایش نسبتاً غلیظ، چهره ای غمگین و لبخندی تلخ داشت.

دختر باگفتن جمله ی "من زیاد وقت ندارم و باید برگردم خونه" مرا به خود آورد و چون نمی دانستم چه چیزی باید بگویم، تنها به پرسش "گرسنه هستین" اکتفا کردم. ساعت حدود سه بعدازظهر بود، گفت "از صبح چیزی نخوردم". او را

برای خوردن غذا در رستورانی در همان حوالی دعوت کردم و در حین خوردن غذا مقداری از وضعیت خود و خانواده اش سوال کردم. ساکن همان منطقه و مادرش فوت کرده بود، پدر و برادرش هر دو اعتیاد داشتند و خواهر کوچکترش نیز محصل بود و در یک خانه کوچک مستاجر بودند. دل پر دردی داشت که سنگینی دردهایش از لحن صدا و نگاهش نمایان بود. هر دو روز یکبار و یا دوبار در هفته برای تامین مخارج خود و خانواده اش اقدام به تن فروشی می کرد و اگر خوش شانس بود و شخص

شارلاتانی به تورش نمی خورد، ماهانه می توانست اجاره و مایحتاج ناچیز زندگی را تامین کند. می گفت که قبلاً چند جا برای کار مراجعه نموده و هر بار توسط کارفرمایش مورد سو استفاده جنسی قرار گرفته و حق و حقوقش نیز پایمال شده و در نتیجه تمایلی برای اشتغال توأم با بهره کشی جنسی ندارد و تن فروشی بهترین راهی است که انتخاب نموده و برای اینکه برادر و پدرش از موضوع آگاه نشوند، کار شیفتی در یک بیمارستان را بهانه کرده است. او عنوان می کرد که بیشتر تمایل دارد سوار خودروهای مدرن و شیک شود که مالکان متمولی دارند و در پرداخت پول دست و دل بازترند و معمولاً جهت کار به شمال شهر می رود و کمتر در محل خود فعالیت می کند.

در نهایت مبلغی بیش از آنچه خواسته بود به او دادم که از قبول پول خودداری می کرد و بالاخره با اصرار زیاد قبول کرد. تا چندین روز نگاه خسته و ملتمسانه دختر، نگاهی که سرشار از درد بود، فکرم را مشغول نموده بود. برای تکمیل گزارش تصمیم گرفتم به یکی از خانه های گروهی شان که آدرس آن را از کسی گرفته بودم، به منطقه ی فردیس کرج رفته و با چند تن از زنان شاغل در آنجا صحبت کنم. برای رفتن به آن محل مراحل خاصی باید طی می شد. در تماس تلفنی با لیدر آن خانه و تبادل رمز، زنی که بسیار محکم صحبت می کرد گفت "اول باید به کسی که شماره ی من رو بهت داده بگی شخصاً زنگ بزنی و تاییدت کند". قریب یک ساعت بعد لیدر آن خانه پس از پروسه تأیید شدنم، گفت که مشکلی نیست از ساعت پنج بعداز ظهر به بعد می توانم مراجعه کنم. بعد از گرفتن آدرس، خود را به آن خانه رساندم و با اصرار من به یکی از اتاقها رفتیم که در گوشه ی اتاق یک تخت خواب و یک میز آرایش و یک آباژور که تمامی اثاثیه اتاق را تشکیل می داد قرار داشت.

بلافاصله پولی که مرجان در خواست کرده بود را به او دادم و با اکراه برای پایان نامه تحصیلی ام (توجیه صوری ای که برایش عنوان کرده بودم) حاضرشد بدون هیچگونه نام و نشان، به سوالاتم حواب دهد. در ابتدا گفت: "اگر بفهمم مامور جایی هستی برات گرون تموم میشه آخه در آگاهی و دادگاه آشنا زیاد دارم". با این قبیل تهدیدات کنارم روی تخت

نشست. از وضعیت کار، نحوه ی اداره آن خانه، تعداد و تیپ مراجعان و چگونگی جذب دختران و زنان و وضعیت اسکان زنان شاغل در این خانه سوال کردم.

به جز مرد محافظ قوی هیکل، تعداد هشت تا ده نفر در این خانه مشغول به کار بودند که شش نفر در همین منزل ساکن بوده و چند نفر هم روزها کار می کردند و شبها به خانواده ی خود می پیوستند که تمامی آنها متاهل بودند و به بهانه ی کار در شرکت از ساعت هشت تا پنج بعدازظهر در این خانه بودند. دخترانی که در منزل سکونت داشتند تعدادی دختر از شهرهای دیگر بودند که از منزل خود فرار کرده و در تهران و کرج توسط مرجان و رفقاییش شناسایی و جذب این شغل شده بودند. جالب اینکه سه نفر از آنها دانشجوی بودند و از ساعت چهار به بعد کار می کردند.

روزانه بین سی تا چهل تن به این مکان مراجعه می کردند که در روزهای تعطیل و اوایل ماه تعداد مراجعان افزایش می یافت. اکثر مشتریان پس از تأیید شناسایی توسط معرف جلب این مکان شده بودند. تردد به این مکان کاملاً مدیریت شده بود. طبق اظهار معرف، مرجان با تمامی ماموران انتظامی منطقه رابطه دارد و به آنها رشوه و زنان مجانی می دهد و هر چند وقت یک بار هم منزل را عوض می کند. از مبلغی که دریافت می کند به زنان حقوق ماهیانه در مجموع حدود یک تا دو میلیون تومان می داد و خرج محل خواب و خوراک آنها نیز به عهده مرجان بود. از بهداشت و

احتمال بیماری ایدز و هیپاتیت پرسیدم که پاسخ دقیقی دریافت نکردم. دردناک تر اینکه، زن تن فروش حتی با روزانه ۱۰ تا ۱۵ بار تحمل رابطه با مردان مختلف، فقط پول اندکی عایدش می شد و قسمت اعظم دریافتی شان برای سهم لیدر و هزینه های رشوه، غذا، لباس و لوازم آرایش، کسرمی شد. با این دو نمونه می توان به ابعاد این فاجعه انسانی بیشتر پی برد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آذر ۱۳۹۲

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۶۳ حرکت اعتراضی

*صدها کارگر کارخانه پلی اکریل اصفهان صبح روز سنبه ۲ آذر در ادامه دور دوم اعتراضات صنفی خود بار دیگر در محوطه کارخانه اجتماع کردند.

یکی از کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان در این باره به ایلنا گفت: کارگران پلی اکریل امروز هنگام جابجایی شیف‌های کاری در محوطه کارخانه اجتماع کردند.

در این اجتماع کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان علاوه بر طرح خواسته های صنفی خود، خواستار آزادی همکاران دستگیر شده خود نیز شدند.

*به دنبال نامه هماهنگ کنندگان طومار چهل هزار تن از کارگران به وزیر کار و عدم پاسخ شایسته وزیر کار به این نامه، این کارگران تصمیم به برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کار گرفتند و صبح روز یکشنبه ۳ آذر در حالی که ماموران پلیس امنیت پیشاپیش در اطراف وزارت کار مستقر شده بودند تا جلوی هر گونه تجمع را بگیرند، دست به تجمع در محل وزارت کار زدند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در حالی که بیش از ۳۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته از کارخانه های تهران آمادگی خود را برای حضور در این تجمع اعلام کرده بودند و دسته دسته در حال حضور در محل وزارت کار بودند ابتدا ماموران پلیس امنیت تلاش کردند از ورود صف اول کارگران معترض به محل وزارت کار جلوگیری کنند اما با مقاومت آنان مواجه شدند و کارگران موفق به باز کردن پارچه نوشته خود و پلاکاردهایشان در حیاط وزارت کار شدند که بلافاصله با عکس العمل شدید نیروهای امنیتی مواجه شدند.

در این تجمع کارگران شاغل و بازنشسته ای از شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، لاستیک البرز، صنایع فلزی، ایران خودرو، پتروشیمی، کارگران ساختمانی و بیمارستانی و کارگرانی از شهر سنندج و برخی دیگر از کارخانجات تهران شرکت داشتند.

این کارگران خواسته های خود را علاوه بر روی یک بنر بزرگ بر روی پلاکاردهایی نیز که به دست داشتند نوشته بودند و در قطعنامه شش بندی خود رئوس آن را اعلام کردند.

*جمعی از کارکنان اتحادیه شرکتهای تعاونی عشایری بهشتی استان اردبیل روز یکشنبه ۳ آذر در اعتراض به دریافت نکردن حق و حقوق خود در مقابل اداره کل امور عشایری استان تجمع کردند.
به گزارش ایرنا، این کارکنان با نصب پلاکاردی در مقابل اداره کل امور عشایری استان اردبیل به انحلال این اتحادیه و پایمال شدن حق و حقوق چندین ساله خود معترض بودند.

*تعدادی از کارگران تعمیرکار مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به کاهش چند صد هزار تومانی مزدشان از ابتدای اردیبهشت ماه سال جاری، در روز یکشنبه ۳ آذر دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، این کارگران به نمایندگی از سایر کارگران تعمیرکار با ترک محل کارشان، در مقابل دفتر مدیر عامل مجتمع گاز پارس جنوبی تجمع کردند.

*روز دوشنبه ۴ آذر، ۱۰۰ تن از کارگران پروژه تونل در میدان نبوت شهر سنندج در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه از حقوق شان در محل شرکت پیمانکاری معتبر تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش ایران کارگر، شرکت پیمانکاری معتبر مجری احداث پروژه تونل در میدان نبوت شهر سنندج است. کارفرمای شرکت پیمانکاری معتبر علت عدم پرداخت نشدن حقوق کارگران را بدهکاری ۸۰۰ میلیون تومان شهرداری سنندج به شرکت عنوان کرده است.

*صبح روز دوشنبه ۴ آذر، در ادامه دور دوم اعتراضات صنفی، کارگران پلی اکریل اصفهان بار دیگر در محوطه کارخانه اجتماع کردند.

به گزارش ایلنا، ۵۰۰ کارگر پلی اکریل اصفهان از ساعت ۷ تا ۳۰:۷ روز دوشنبه در اعتراض به سیاست کوچک سازی کارخانه و تصمیم کارفرما مبنی بر جداسازی شرکت های زیر مجموعه در محوطه کارخانه تجمع کردند.

کارگران پیش تر طی دور اول اعتراضات در روزهای ۸، ۱۱، ۱۲ و ۱۴ آبان با برگزاری تجمعاتی خواستار رسیدگی مسئولان استانی به مطالبات صنفی شان شده بودند و سپس با تعطیلی ده روزه اعتراضات طبق مذاکرات قبلی، در فاصله روزهای ۱۵ تا ۲۵ آبان به ادامه کار پرداختند.

۱۵۰۰ کارگر پلی اکریل اصفهان سالهاست در قالب شش شرکت زیر مجموعه تحت مسئولیت شرکت مادر (هلدینگ) کار می کنند و حال با تصمیم کارفرما مبنی بر جدا سازی شرکتهای زیر مجموعه، امنیت شغلی شان را در معرض خطر می بینند.

*روز دوشنبه ۴ آذر، کارگران شرکت اشکان کیک کرمانشاه در میدان ارشاد این شهر در مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، بیشتر کارگران این شرکت شیرینی پزی، زنان هستند که حقوقشان نصف حقوق مردان

است و به این بی عدالتی غیر انسانی اعتراض داشتند. در ضمن این کارگران از حق بیمه برخوردار نیستند و به راحتی آنان را از کار اخراج می کنند.

*به گزارش سایت مالباختگان روز سه شنبه ۵ آذر، تعدادی از اعضای شرکت تولیدی «سایه گستر زندگی ایرانیان» در اعتراض به کلاهبرداری صورت گرفته، در مقابل شرکت مذکور (خیابان ۴۵ متری گل شهر جنب پمپ بنزین) تجمع نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

*به گزارش ایلنا، در ششمین روز از بازداشت چهار کارگر کارخانه پلی اکریل اصفهان، کارگران این کارخانه صبح روز سه شنبه ۵ آذر به منظور آنچه «نشان دادن حسن نیست کارگران به مسئولان» عنوان شده است، تجمع اعتراضی خود را به داخل مسجد کارخانه بردند و در فضایی سر بسته و اجتماعی محدودتر نسبت به روزهای گذشته، خواستار آزادی همکاران بازداشتی شان شدند.

به گفته یکی از کارگران پلی اکریل اصفهان، چون این احتمال وجود دارد که با توقف حرکت‌های اعتراضی کارگران بازداشت شده در مظان اتهام ساماندهی اعتراضات کارگری قرار بگیرند، تصمیم گرفتیم برای دفاع از «خودجوش» بودن اعتراضاتمان، تا آزادی همکارانمان به اعتراض‌های آرام صنفی خود ادامه دهیم.



*حدود ۸۰۰ تن از کارگران معدن «چادرملو» در اردکان در اعتراض به دستمزدهای ناعادلانه و همچنین اخراج دبیر نهاد کارگری این معدن در روز سه شنبه ۵ آذر، بیش از یک ساعت دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش ایلنا، پس از حضور کارفرما در جمع کارگران متحصن و طرح وعده هایی برای حل مشکلات صنفی کارگران، این اعتراض صنفی به طور موقت خاتمه یافت.

*روز پنجشنبه ۷ آذر بیش از ۲۰۰ تن از کارگران شرکت پویان صنعت کرمانشاه در مقابل این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

شرکت پویان صنعت به کار کانال کشی برق و کارهای برقی اشتغال دارد و کارگران این شرکت ۶ ماه حقوق معوقه دارند.

*جمعی از کارگران کارخانه روغن نباتی «پارس قو» در اعتراض به سیاستهایی که به تازگی از سوی مدیریت جدید این مجموعه برای محاسبه حقوق و مزایای آنها اتخاذ شده، در روز شنبه ۹ آذر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا؛ در مدت هفت ماهی که از استقرار مدیریت جدید این مجموعه تولیدی می گذرد، در نحوه محاسبه و پرداخت حقوق ماهیانه کارگران تغییراتی ایجاد شده است. کاهش ناگهانی حقوق اضافه کاری و پاداش بهره‌وری، عدم بازبینی و افزایش نیافتن برخی مزایای قانونی مانند حق نهار و ایاب و ذهاب و پرداخت مطالبات ماهیانه کارگران با ۱۰ تا ۱۵ روز تاخیر از تغییراتی است که با استقرار مدیریت جدید در این واحد تولیدی روی داده است. در حال حاضر نزدیک به ۳۰۰ تن در کارخانه روغن نباتی قو مشغول به کارند.

*روز شنبه ۹ آذر کارگران پیمانی قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماه حقوق معوقه در مقابل ساختمان دفتر مرکزی شرکت پیمانکاری کیسون تجمع کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران از روز سه شنبه ۵ آذر اقدام به تجمع و اعتصاب کرده اند. این کارگران در بخشهای «حمل و نقل» و «حفاری تونل» مشغول به کار هستند.

*تجمع کارگران قطار شهری اهواز در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق معوقه در روز یکشنبه ۱۰ آذر. این پنجمین روز حرکت اعتراضی این کارگران است.

کارگران معترض تجمع هر روزه خود در مقابل دفتر شرکت را به درون کارگاهها منتقل کردند.

*کارگران شرکت پویا غرب کرمانشاه در روز یکشنبه ۱۰ آذر در مقابل استانداری و دفتر امام جمعه کرمانشاه تجمع کردند. به گزارش گردپا، کارگران به عدم واگذاری واحدهای مسکن شان اعتراض داشتند.

شرکت پویا غرب در ۸ کیلومتری جاده کرمانشاه به سنج واقع شده و انواع کابلهای فشار قوی آلومینیومی تولید می کند.

*گروهی از بازنشستگان شرکت فولاد خوزستان در اعتراض به تصمیم گیری در خصوص پرداخت دو ماه یکبار حقوق خود توسط صندوق بازنشستگی فولاد، در روز یکشنبه ۱۰ آذر در محل نمایندگی این صندوق در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایرنا، صندوق بازنشستگی فولاد هر دو ماه یکبار حقوق به بازنشستگان فولاد خوزستان پرداخت می کند. از هشت سال قبل تاکنون سالانه ۲۰۰ پرسنل فولاد خوزستان بازنشسته شده و اکنون شمار آنها حدود دو هزار تن است. از مجموع ۵۰ هزار بازنشسته صنایع فولاد در کشور، دو هزار تن به شرکت فولاد خوزستان وابسته هستند.

*به گزارش ایلنا روز یکشنبه ۱۰ آذر، رئیس انجمن صنفی کارگران آسفالت طوس (معدن چادرملو) از پذیرش ضمنی خواسته های کارگران این شرکت پیمانکاری از سوی مسئولان استانی و نظارتی شهرستان اردکان خبر داد.

*روز یکشنبه ۱۰ آذر، کارگران پتروشیمی خوارزمی با خواست افزایش مزد دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پتروشیمی خوارزمی با وعده های مسئولان شرکت برای افزایش مزد به اعتصاب خود خاتمه دادند.

*کارگران اخراجی شرکت پونل در روز یکشنبه ۱۰ آذر برای احقاق مطالبات معوقه خود در مقابل این شرکت واقع در پاکدشت دست به تجمع زدند.

*کارگران واحد تعمیرات مجتمع گاز پارس جنوبی در اعتراض به کاهش چند صد هزار تومانی مزدشان از ابتدای اردیبهشت سال جاری در روز دوشنبه ۱۱ آذر در مقابل دفتر مدیر عامل مجتمع تجمع کرده اند. به گزارش ایلنا، نیروهای حراست پس از گذشت ۲ ساعت از شروع تجمع از کارگران خواستند متفرق شوند، اما کارگران به تجمع شان ادامه دادند.

*روز دوشنبه ۱۱ آذر حدود ۲ هزار تن از کارگران فصلی «مجتمع کشت صنعت کارون شوش تر» در اعتراض به عدم افزایش و تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه خود در مقابل درب ورودی ساختمان این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا در حالی که کارگران نی بر از کارفرمایان خود انتظار افزایش منطقی حقوق را داشتند متاسفانه با شروع فصل جدید کاری هنوز دریافتی این کارگران بر مبنای سابق محاسبه می شود.

کارگران «نی بر» شوستر برای دومین روز متوالی در روزهای سه شنبه ۱۲ آذر و چهارشنبه ۱۳ آذر با دست زدن به اعتصاب، در مقابل ساختمان اداری مجتمع کشت و صنعت تجمع کردند.

*تعدادی از کارگران مخابرات روستایی همدان روز دوشنبه ۱۱ آذر در مقابل ساختمان شرکت مخابرات همدان تجمع کردند. به گزارش ایلنا تجمع کنندگان خواهان انعقاد قرارداد تمام وقت کاری با شرکت مخابرات همدان بودند. در حال حاضر دریافتی این کارگران به دلیل رواج قراردادهای نیمه وقت حدود ۳۰۰ هزار تومان است.

*صبح روز دوشنبه ۱۱ آذر، کارگران پتروشیمی بسباران با خواست افزایش مزد دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، در ادامه اعتصاب کارگران پتروشیمی بسباران با وعده های مسئولان این شرکت برای پیگیری افزایش مزد و همچنین پرداخت حدود ۵۰۰ هزار تومان پاداش طی ماه آینده پایان گرفت.

*حدود ۳۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت نفت و گاز پارس عسلویه روز سه شنبه ۱۲ آذر در اعتراض به دو ماه حقوق معوقه مقابل ساختمان اداری این شرکت تجمع کردند.

به گزارش شرق، وضعیت کارگران عسلویه که قرارداد مستقیم با شرکت نفت و گاز پارس ندارند و با شرکتهای پیمانکار در حال کار هستند، بسیار سخت بوده و نامه نگاری آنها به وزیر نفت به دلیل کار شکنی عده ای به نتیجه نمی رسد. در چند ماه گذشته اضافه کاری کارگران شرکت نفت و گاز پارس هم قطع شده، در حالی که آنها حداقل ۱۰ ساعت کار می کنند.

*جمعی از کارگران «کاشی تبریز کف» در اعتراض به ۲۸ ماه حقوق معوقه شان در روز چهارشنبه ۱۳ آذر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، بیش از دو سال است که حقوق ۲۵۰ کارگر کاشی تبریز کف در شهرستان مرند پرداخت نشده است.

*تعدادی از کارگران سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران در روز چهارشنبه ۱۳ آذر با تجمع در مقابل استانداری نسبت به اخراج خود اعتراض کردند. به گزارش تسنیم، این کارگران مامور بخش خصوصی در سازمان صنعت استان تهران بودند که ماموریت آنها تمام شد است. کارگران معترض می گویند؛ زیر مجموعه بخش خصوصی نیستند و در سالی که در این مجموعه مشغول خدمت شدند از آنها آزمون جذب نیرو گرفته شده است.

*اعتصاب ۲ هزار کارگر نی بُر کشت و صنعت کارون در شهرستان شوشتر پس از ۳ روز در پی وعده مدیران در روز پنجشنبه ۱۴ آذر پایان یافت. به گزارش فارس پس از برگزاری جلسات متعدد در فرمانداری شوشتر، هیات مدیره کارخانه کشت و صنعت کارون و... برای رفع مشکلات کارگران نی بر این کارخانه با فعالیت مجدد کارگران به پایان رسید. برخی از مدیران کارخانه کشت و صنعت کارون شوشتر در جمع کارگران حاضر شدند و پس از شنیدن اعتراضات آنها قرار شده تا به مشکل رسیدگی کنند و به این دلیل این نارضایتیها پایان یافت.

*بیش از ۲ هزار کارگر معدن چادرملو در تمام شیفتهای روز جمعه ۱۵ آذر اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا این اعتصاب در اعتراض به اخراج غیر قانونی دبیر انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس صورت گرفت. خواست کارگران، صدور حکم بازگشت به کار آقای حسینی نژاد است.

*کارگران کارخانه «کارتن ایران» به دلیل آنچه «سو مدیریت مسئول اداری این کارخانه» عنوان کردند، در روز شنبه ۱۶ آذر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کارگران با پادرمیانی تعدادی از مسئولان و نمایندگانی از شرکت سرمایه گذاری شستا (به عنوان سهامدار اصلی کارخانه) زمانی به پایان رسید که مسئول امور اداری کارخانه را ترک کرد.

*به گزارش ایلنا، روز شنبه ۱۶ آذر، جمعی از کارگران مشهد در محل خانه کارگر تجمع کردند و اعلام کردند؛ آنچه در سازمان تامین اجتماعی با پرداخت ماهیانه حق بیمه برای تامین آتیه خود اندوخته اند با دستان عده ای فرصت طلب، بر باد رفته است.

*روز یکشنبه ۱۷ آذر بیش از ۳۰ نفر از کارگران شرکت تک سازه در مقابل درب ورودی شرکت در سیمین دشت کرج دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش ایران کارگر، بعضی از این کارگران علیرغم این که ۵ سال از سابقه کارشان می گذرد اما هنوز از بیمه درمانی و سایر خدمات عمومی برخوردار نیستند.

*کارگران «نی بَر» مجتمع کشت و صنعت هفت تپه روز یکشنبه ۱۷ آذر در اعتراض به افزایش نیافتن دستمزد و سایر حقوقی که پس از سفر سال گذشته به تهران به آنها وعده داده شده بود، کار را تعطیل کرده و با «نشستن در مزارع» منتظر پاسخگویی مسئولان مجتمع کشت و صنعت هفت تپه شدند. به گزارش ایلنا، قرار شده بود با آغاز فصل جدید کاری، حقوق کارگران نی بر نیز بر اساس تورم افزایش داشته باشد اما نه تنها افزایش پیدا نکرد، بلکه کاهش نیز داشته است.

*به گزارش ایران کارگر، ۴۰۰ تن از کارگران شرکت ستاره دریایی از شرکتهای وابسته به شرکت نفت بندرعباس روز یکشنبه ۱۷ آذر در اعتراض به تعویق افتادن ۴ ماه حقوق و مزایای خود دست به اعتصاب زدند.

*تجمع اعتراض آمیز اعضای مسکن مهر زرنند در روز یکشنبه ۱۷ آذر، موجب مسدود شدن تقاطع شهرک باهنر شد به گزارش صبح زرنند، عدم پایبندی مسئولان به تعهدات تعاونیهای مسکن مهر در شهرستان زرنند متقاضیان مسکن مهر در این شهرستان را برای چندمین بار مجبور به اعتراض کرد و شمار زیادی از آنان اقدام به مسدود کردن محور زرنند ریحان شهر در تقاطع شهرک باهنر نمودند.

*شماری از کارگران و کارشناسان شرکت آبهای عمیق وابسته به صدرا بوشهر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود طی ۳ ماه گذشته، روز یکشنبه ۱۷ آذر اعتصاب کردند. به گزارش خلیج فارس، پس از واگذاری شرکت صدرا از قرارگاه خاتم الانبیا سپاه به شرکت آبادراهان پارس در تابستان سال جاری، مالک جدید که فعالیتهایش در حوزه راه و ساختمان بوده و علاقه ای به فعالیت در بخش صنایع دریایی نشان نمی دهد، عملاً شرکت صدرا را بلا تکلیف نگاه داشته و هر روز بخشی از نیروها را اخراج می کنند. از شهریور گذشته تاکنون نزدیک به ۱۶۰ نیرو طی ۳ مرحله از شرکت صنعتی دریایی ایران در بوشهر اخراج و تعدیل شده و روز به روز این روند تشدید می شود.

*روز دوشنبه ۱۸ آذر، برای دومین روز متوالی کارگران فصلی نی بر (که به کار بردن ساقه نی شکر اشتغال دارند) در اعتراض به بی توجهی کارفرما به مطالبات صنفی خود دست از کار کشیده و با نشستن در مزارع، منتظر پاسخ مسئولان این مجتمع شدند. به گزارش ایلنا، اقامت کارگران نی بر در کمپ و هزینه های ایاب و ذهاب مخارج کارگران را چند برابر کرده است. همچنین کمپها فاقد امکانات مناسب زندگی هستند و کارگران ناچارند این هزینه ها را خود تامین کنند.



Iranian Labour News Agency

*روز دوشنبه ۱۸ آذر، کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان با تجمع از همکاران آزاد شده خود استقبال کردند.

به گزارش ایلنا، چهار کارگری که در جریان اعتراضات اخیر کارگران پلی اکریل اصفهان بازداشت شده بودند صبح روز دوشنبه ۱۸ آذر در میان استقبال همکارانشان در محل کار خود حاضر شدند. کارگران در این تجمع با فریاد شعارهای اعتراضی بار دیگر مطالبات شان را به مدیران کارخانه و مسئولان دولتی یادآور شدند.

*اعتراض کارگران نی بر هفت تپه در واکنش به بی‌توجهی کارفرما و سایر مسئولان استانی به مطالبات صنفی شان، روز سه شنبه ۱۹ آذر، با میانجیگری نمایندگانی از اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوش، به طور موقت خاتمه یافت.

به گزارش ایلنا، کارگران فصلی مجتمع کشت و صنعت هفت تپه طی روزهای ۱۷ و ۱۸ آذر در اعتراض به محقق نشدن وعده های کارفرما دست از کار کشیده بودند، روز سه شنبه پس از حضور مسئولان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان شوش در این مجتمع و انجام مذاکره، به طور موقت به سر کارهای شان بازگشتند.

*به گزارش مشرق روز سه شنبه ۱۹ آذر جمعی از کارگران شاغل و بازنشسته پالایشگاه آبادان در حرکتی اعتراضی در مقابل ساختمان وزارت نفت در تهران دست به تجمع زدند.

*روز پنجشنبه ۲۱ آذر، کارگران شرکتی که از طرف قرارگاه خاتم الانبیاء سپاه پیمانکاری پروژه آبرسانی در منطقه دهلران را دارد در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان در مقابل این قرارگاه در شهر دهلران تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، شرکت قرارگاه خاتم الانبیاء پیمانکار ساخت کانالهای بتونی آبرسانی به مزارع کشاورزی دهلران، موسیان، بیات و روستاهای توابع شهرستان دهلران را به عهده دارد.

*به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۲۴ آذر، کارکنان وبسایت روزنامه تابناک اعتصاب کردند.

*روز یکشنبه ۲۴ آذر، جمعی از کارگران اخراج شده از شرکت کفش بلا در مقابل دادگاه عمومی واقع در ولی عصر دست به تجمع اعتراضی زدند و ضمن اعتراض به اخراج، خواهان بازگشت به کار و دریافت مطالبات خود شدند. به گزارش همبستگی ملی، این کارگران که بین ۲۶ تا ۳۰ سال سابقه کار داشتند ماه گذشته بدون هیچ دلیلی از کار اخراج شدند.

*تعدادی از بازنشستگان پالایشگاه آبادان در روز دوشنبه ۲۵ آذر در مقابل ساختمان اصلی وزارت نفت در خیابان طالقانی دست به تجمع زدند.

به گزارش صراط نیوز، این افراد پلاکاردهایی را در دست داشتند که زنگنه وزیر نفت را مورد خطاب قرار داده بود. ماموران حراست وزارت نفت پس از عکسبرداری خبرنگار صراط از تجمع کنندگان به نحو بسیار زنده‌ای با وی برخورد کرده و کارت خبرنگاری او را ضبط کردند.



*جمعی از کارگران کارخانه های سرب و روی در زنجان روز دوشنبه ۲۵ آذر در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند. به دنبال تعطیلی کارخانه های سرب و روی در زنجان کارگران اخراج شده و بیکار این شهر در مقابل استانداری زنجان دست به تجمع اعتراضی زده و خواهان اشتغال و بازگشت به کار گردیدند.

*تعدادی از رانندگان شرکت واحد روز دوشنبه ۲۵ آذر در مقابل شرکت تعاونی مسکن شرکت واحد در تهران یک تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش ایران کارگر، این رانندگان نسبت به شرایط مسکن خود و این که در خانه های بدون آب و گاز و برق روزگار بسر می کنند و بخشی هم با توجه به این که پول منزل مسکونی را به شرکت تعاونی شرکت واحد پرداخت کرده اند و بیش از دو سال از زمان تحویل آن گذشته هنوز صاحب خانه حداقلی که در حاشیه های تهران قرار بوده تحویل دهند نشده اند، اعتراض نمودند.

*روز سه شنبه ۲۶ آذر تعدادی از کارگران کارخانه آفتاب ارومیه که تولید کننده مواد لبنی به ویژه آبمیوه است به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و بیمه درمانی خود اعتراض کردند. به گزارش آژانس ایران خبر، در حال حاضر مدت ۵ ماه است که حقوق کارگران داده نشده و حق بیمه آنها نیز به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. کارفرما در پاسخ به اعتراض کارگران می گوید، پول نداریم.

*جمعی از کارگران پیمانی پتروشیمی فجر روز سه شنبه ۲۶ آذر در اعتراض به تهدید اخراج و قطع مزایای کارگران پیمانی توسط مدیریت کارخانه در مقابل دفتر مدیریت دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از نمایندگان کارگران پیمانی در این تجمع گفته است علت تجمع ما این است که یکی از نمایندگان کارگران که در مورد وضعیت پتروشیمی فجر اطلاع رسانی می کند را تهدید به اخراج یا قطع مزایا کرده و او را تحت فشار معیشتی قرار داده اند.

*به گزارش روز سه شنبه ۲۶ آذر سایت شبستان، مردم روستاهای شهرو، چاهو، گربند، بلندو و سودرو از توابع بندرعباس در اعتراض به معضل بی آبی در این پنج روستا تجمع کردند. براساس این گزارش از هرمزگان، به گفته مردم این روستاها، مشکل بی آبی این پنج روستا از حدود ۱۲ سال است که وجود داشته و تا به الان ادامه دارد. کودکان و نوجوانان این روستاها با در دست داشتن دبه های خالی از آب و برگه های دست نویسی که روی آن عبارت: «بابا آب ندارد» نوشته شده بود در این تجمع اعتراضی حاضر بودند.

*به گزارش ایران کارگر، کارگران پروژه احداث تونل نبوت سنندج روز چهارشنبه ۲۷ آذر برای سومین بار در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه از حقوق شان در محل شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

*بیش از ۱۵۰ تن از کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن مزدشان در ماههای تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان و آذر در روز چهارشنبه ۲۷ آذر در مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مسئولان استانداری پس از برگزاری این تجمع اعتراضی قول دادند جلسه این هفته شورای تامین را به بررسی مشکلات کارگران ماشین آلات صنعتی تراکتورسازی تبریز اختصاص دهند. این کارخانه در سال ۹۲ فقط ۳۳ دستگاه تولید داشته که به معنای بهره گیری از ۳ درصد ظرفیت است.

*تعدادی از کارگران واحد تولیدی کاشی سمند در شهرک صنعتی سمنان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود در روز پنجشنبه ۲۸ آذر، مقابل استانداری سمنان تجمع کردند. به گزارش عرش، این کارگران از عدم پرداخت حقوق و مزایای معوقه ۹ ماهه خود توسط مدیر این شرکت شکایت داشتند.

*جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به پرداخت نشدن دو ماه حقوق و پاداش سالیانه روز شنبه ۳۰ آذر در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در حال حاضر حدود ۳ هزار کارگر مجموعه نیشکر هفت تپه بابت حقوق مهر و آبان و پاداش سالیانه کشت محصول که معادل یک ماه حقوق می شود از کارفرما طلبکار هستند.

* دور سوم تجمعات اعتراضی کارگران پلی اکریل در روز شنبه ۳۰ آذر آغاز شد. به گزارش ایلنا، در اولین روز از دور سوم ۵۰۰ کارگر پلی اکریل اصفهان در فاصله زمانی تغییر شیفت، در محوطه کارخانه تجمع کردند. تجمعات اعتراضی کارگران پلی اکریل اصفهان تا توقف کامل سیاست کوچک سازی کارخانه ادامه پیدا می کند.

* جمعی از کارگران شهرداری طبس که تحت نظارت شرکت پیمانکاری «درخشان کویر یزد» فعالیت دارند روز شنبه ۳۰ آذر با مراجعه به خانه کارگر طبس در استان خراسان جنوبی خواستار تبدیل وضعیت قرارداد کاری خود از «پیمانی» به «قرارداد مستقیم» شدند. به گزارش ایلنا، کارگرانی که توسط شرکتهای واسطه نیروی انسانی از جمله شرکت پیمانکاری درخشان کویر یزد در شهرداری طبس مشغول به کارند ثبات شغلی ندارند و هر لحظه امکان بیکاری آنان وجود دارد.

* کارگران ایران خودرو روز شنبه ۳۰ آذر در اعتراض به پایین بودن دستمزدها از رفتن به ناهار خوری و دریافت غذا خودداری کردند و خواهان افزایش حقوق و مزایای خود شدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، زمزمه اعتراض به پایین بودن دستمزدها در شرکت ایران خودرو مدتهاست وجود دارد و اعتراض روز شنبه کارگران این کارخانه با شرکت حدود ۸۰ درصد کارگران مونتاژ ۴ (سواری) و تراشکاری صورت گرفت. مونتاژ ۴ ایران خودرو یکی از مهمترین قسمتهای این کارخانه بزرگ است و در آن حدود ۱۰ هزار کارگر مشغول بکارند.

متن کامل قطعنامه کارگران تجمع کننده در محل وزارت کار

منبع: اتحادیه آزاد کارگران ایران

قطعنامه تجمع کارگری در محل وزارت کار، یکشنبه ۳ آذر ۱۳۹۲

همانطوری که همگان می دانند از حدود دو سال پیش دهها هزار کارگر شاغل و بازنشسته از سراسر کشور با تدارک طوماری اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات قانونی و بر حق خود شدند اما در شرایطی که این اعتراض جریان داشت و سفره های خالی میلیونها خانواده کارگری به دلیل گرانی سرسام آور هزینه های زندگی بیش از پیش در معرض نابودی قرار می گرفت وزارت کار نه تنها تلاشی برای رسیدگی به خواسته های ما کارگران به عمل نیاورد بلکه از طریق زیر پا نهادن ماده ۴۱ قانون کار و عدم افزایش حداقل مزد کارگران متناسب با تورم و سبب هزینه یک خانوار چهار نفره، تصویب و اجرای طرحی به غایت برده دارانه تحت عنوان بخشنامه استاد شاگردی، چشم پوشی بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی و افزایش چندین برابری سهم بیمه شدگان در هزینه های درمانی، عدم پرداخت به موقع دستمزدها و باز گذاشتن دست کارفرمایان در تحمیل هر گونه شرایط غیر انسانی بر کارگران، شرایط را بیش از پیش بر فقر و مکنت میلیونها خانواده کارگری مهیا کرد لذا ما کارگران حاضر در این تجمع اعلام می داریم:

۱- ما دیگر نمی توانیم شرایط مشقت باری از قبیل کار ۱۲ ساعته و ۱۶ ساعته و یا کوچک کردن سفره هایمان را برای گذران زندگی تحمل کنیم و مصرانه بر افزایش چندین برابری حداقل مزد کارگران شاغل و بازنشسته پای می فشاریم

۲- صندوق سازمان تامین اجتماعی متعلق به ما کارگران است. ما ذره ای قصور در پرداختهایمان به این صندوق نداشته ایم و نداریم. لذا وجود هر گونه کم و کسری در این صندوق ربطی به ما کارگران ندارد و سازمان تامین اجتماعی می باید به فوریت به وظیفه خود در اجرای قانون الزام و توقف غارت دستمزدهای زیر خط فقر ما "تحت عنوان بیمه های تکمیلی" عمل نماید

۳- طرح استاد شاگردی بازگشت به روابط کار دوپست سال پیش و تحمیل قهقرائی بر کل مناسبات اجتماعی است. اجرای این طرح می باید به فوریت متوقف گردد و به جای آن بالاترین استانداردهای جهانی روابط کار به مورد اجرا گذاشته شود

۴- با توجه به سوء استفاده کارفرمایان از شرایط موجود برای عدم پرداخت به موقع دستمزدها، وزارت کار می باید به فوریت بخشنامه ای را مبنی بر جریمه کارفرمایان خاطی تصویب و به اجرا در آورد.

۵- کلیه اصلاحاتی که تلاش شده است بر قوانین کار و تامین اجتماعی وارد شود می باید به فوریت متوقف گردد و وزارت کار ملزم به پایان دادن به تمامی بی حقوقیهایی شود که کارفرمایان در بخشهای مختلف تولیدی و خدماتی به طور خود مختار منشاءه ای بر کارگران تحمیل کرده اند.

۶- خواسته های فوق و اجرای قوانینی از قبیل ماده ۱۰ نوسازی صنایع، مصوبه هیات وزیران مبنی بر برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری، اجرای کامل و بی نقص بیمه کلیه کارگران ساختمانی، می باید به مثابه اولین گامها برای پایان دادن به شرایط مشقت بار کنونی به فوریت در دستور وزارت کار قرار گیرد و این وزارتخانه از طریق رسانه های جمعی کارگران سراسر کشور را در جریان آن قرار دهد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

زنان در مسیر رهایی

آناهیتا اردوان

تداوم مبارزه کارگران پوشاک بنگلادش باوجود عقب نشینی کارفرمایان

در دفاع از مارکسیسم، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳ - از ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۳، بیش از دویست هزار کارگر صنعت پوشاک بنگلادش که اکثراً زن هستند، با برگزاری راهپیمایی و اعتصاب بر خواسته خود مبنی بر افزایش دستمزد از ۳۸ دلار به ۱۰۰ دلار تاکید می ورزند.

اعتراضات مزبور تنها پنج ماه بعد از فروریختن یکی از کارخانه های صنعت پوشاک صورت می گیرد؛ فاجعه ای که سبب کشته شدن بیش از هزار کارگر گردید که در شرایط ناامن محیط کار برای چند سنت در ساعت مشغول به کار بودند. از همین رو، هزاران کارگر به خیابانها آمدند و خواستار اصلاح شرایط کار و مجازات خاطیان و عاملان فجایع مزبور شدند. صادرات صنعت پوشاک ۸۰ درصد از درآمد کشور بنگلادش را تشکیل می دهد و این کشور دومین صادر کننده پوشاک در جهان بعد از چین است. شرکتهای "وال مارت"، "تاسکو"، "اچ آند ام"، "گپ"، "پری مارک" و بسیاری دیگر از خرده فروشان زنجیره ای غربی از مصرف کنندگان صنعت پوشاک بنگلادش به شمار می آیند. دولت بنگلادش و شرکتهای غربی بعد از فاجعه ای که ابعاد جهانی پیدا کرد و اعتراضات متعاقب آن، به کارگران قول دادند تا شرایط کاری را ایمن سازند، دستمزدها را افزایش دهند و به بازماندگان کشته شدگان غرامتی پرداخت کنند. اما تاکنون هیچکدام از این قول و قرارها جامه عمل نپوشیده است. در نشست "جنوا" که قرار بود ۲۹ شرکت فراملی جهت رسیدگی به وضعیت بازماندگان کارگران کشته یا مجروح شده در فاجعه مزبور گرد هم آیند، تنها ۹ شرکت حضور یافتند.

اگرچه دولت بنگلادش و صاحبان سرمایه با تشکیل کمیته ای با افزایش هشتاد درصدی دستمزد موافقت کردند، ولی تظاهرات کارگران کارخانه های پوشاک اخیر در شکل قهرآمیز، بیانگر تضاد آشتی ناپذیر منافع کارگران با صاحبان سرمایه است.

دستمزد کارگران صنعت پوشاک بنگلادش که ۹۰ درصد آن را زنان تشکیل می دهند، نصف دستمزد کارگرانی کامبوجی است که در صنعت مشابه به کار مشغولند. ۶۰ درصد از تولیدات پوشاک بنگلادش به کشورهای اروپا و ۲۳ درصد به آمریکا صادر می شود. از این رو، صاحبان کار در رابطه با خواست افزایش دستمزد کارگران، بحران ساختاری اقتصادی سرمایه داری را بهانه قرار داده اند و مترصدند تا با کاهش دستمزد و امکانات ایمنی محیط کار، سود حاصل شده از تولید پوشاک

را دستکم ثابت نگاه دارند. لیکن، گسترش، تداوم و رادیکالیسم جنبش صنعت پوشاک بنگلادش، تامین منافع ضد کارگری شرکتهای غربی، کارفرمایان و دولت بنگلادش را با موانع و مشکلات بیشماری روبرو ساخته است.

۴۱ درصد از زنان آمریکایی یا در فقر یا زیر خط فقر زندگی می کنند

رویترا، اول اکتبر ۲۰۱۳ - گزارشهای موسسه ها و تشکلهای مختلف نشانگر رشد فزاینده فقر میان زنان آمریکایی است. بنابه تحقیقات "مرکز ملی قانون زنان آمریکا" پیرامون فقر و درآمد زنان و خانواده های آمریکایی که بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ انجام شده، معضل فقر، تمام سطوح سنی را در برمی گیرد. این گزارش اعلام می دارد که فقر میان زنان در آمریکا از ۱۱ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۱۴.۵ درصد در سال ۲۰۱۲ افزایش یافته است.

تحقیقات "مرکز ملی قانون زنان" ابراز می دارد که میزان فقر میان مردان مجرد و سالمند در سال ۲۰۱۲، برابر با ۶.۶ درصد بوده که این رقم برای زنان در شرایط مشابه ۱۱ درصد است. میزان فقر، بین زنان مجرد ۶۵ ساله یا سالمندتر در سال ۲۰۱۲، ۱۸.۹ درصد است و برای مردان مجرد در شرایط سنی مشابه، ۱۱.۹ درصد اعلام شده است.

در سال ۲۰۱۲، از ۱۷.۸ میلیون زنی که در فقر بسر می برند، نزدیک به ۷.۸ میلیون نفر درآمدی کمتر از ۵۵۸۵ دلار در سال داشته اند. سرپرستی فقیرترین کودکان یعنی جمعیتی بیش از ۱۶ میلیون کودک (یک کودک از هر کودکی که در آمریکا زندگی می کند)، تنها با مادران شان است. میزان فقر در خانوارهای مزبور در سال ۲۰۱۲، ۴۰.۹ درصد در مقایسه با ۸.۹ درصد برای کودکانی می باشد که توسط هر دو عضو والدین، پدر و مادر، نگهداری می شوند.

سال ۲۰۱۲، تقریباً ۵۸۷ هزار زن یا ۱۳.۲ درصد از زنان سرپرست خانوار که به طور تمام وقت همه سال را کار کرده اند، در فقر بسر برده اند. ۶۲ درصد از زنان سیاه پوست و ۶۵ درصد از دیگر زنان رنگین پوست (آمریکای جنوبی) زندگی را در فقر سپری می کنند.

(در محاسبات بالا، دریافتی ناخالص قبل از کسورات شامل مالیات، حقوق بازنشستگی، تامین اجتماعی، بیکاری و نگهداری از فرزندان منظور شده است)

شرایط بحرانی زنان و دختران موجب فروپاشی جامعه سوریه شده است

اخبار زنان، ۶ دسامبر ۲۰۱۳ - جنگهای داخلی سوریه سبب افزایش قتلهای ناموسی، ازدواج کودکان و از کارافتادگی سیستم بهداشتی شده است. بسیاری از زنان و دختران سوری توسط نیروی سرکوبی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و از سوی خانواده و خویشاوندان خویش طرد گشته اند. بر اساس گزارش موسسه "تامسون رویتر"، قربانیان تجاوز اگر با متجاوزان خود هم ازدواج کنند، همچنان با داغ ننگ خویشاوندان و جامعه روبرو هستند. کودکان و دختران جوان بخش بزرگی از قربانیان تجاوز جنسی را تشکیل می دهند.

بیش از دو میلیون نفر از شهروندان سوریه در جریان سه سال کشمکش بین دولت و نیروهای اپوزیسیون به کشورهای عربی، لبنان و ترکیه مهاجرت کرده اند. زنان مهاجر دارای فرزند که در کمپها و مناطق حاشیه ای و روستایی کشورهای میزبان مستقر گشته اند نیز از خطر تجاوز و آزار و اذیتهای جنسی در امان نیستند. بسیاری از خانواده ها دختران جوان شان را وادار به ازدواج کرده اند، زیرا قادر به تامین معاش و نیازهای آنان نیستند.

بر اساس گزارش سازمانهای مدافع حقوق بشر و زنان، برخی از مردان کشورهای عربی جهت ازدواج با دختران جوان وارد سوریه می شوند که هدف اصلی شان سوواستفاده و بهره کشی جنسی از آنان است. سن برخی از قربانیان شبکه های مافیایی قاچاق انسان و بهره کشی جنسی، کمتر از یازده سال است.

بیش از نیمی از جمعیت سوریه بی خانمان شده اند که زنان و کودکان بخش وسیعی از آن را تشکیل می دهند. از سوی دیگر، سیستم بهداشتی این کشور به شدت هدف حملات نیروی سرکوبی دولت بشار اسد قرار گرفته و بیش از ۶۰ درصد از بیمارستانها و کلینیکهای سراسر کشور تخریب شده است. تعداد بیشماری از پزشکان و پرستاران کشور مجبور به ترک کشور شده اند، به طوری که از پنج هزار پزشک در شهر "آلپو"، تنها سی و پنج نفر باقی مانده اند. مرگ و میر زنان باردار

و نوزادان در اثر نبود امکانات بهداشتی برای زایمان روندی تصاعدی دارد. قحطی و نبود مواد غذایی نیز زندگی نسل آینده سوریه را با خطری جدی مواجه ساخته است.

برگزاری کنفرانس جهانی زنان بومی

خبرگزاری استرالیا، ۳۱ اکتبر ۲۰۱۳ - کنفرانس جهانی زنان بومی با شرکت دویست زن از سراسر جهان در شهر "لیما"، پایتخت پرو برگزار گردید. مشکلات زنان بومی، نظرات و راه‌های گوناگون در کنفرانس مزبور از سوی شرکت‌کنندگان عنوان و ارایه شد. یکی از فواید برگزاری چنین کنفرانسی آشنایی با چگونگی برخورد زنان بومی با مشکلات روزمره جهت اتخاذ استراتژی مناسب رویارویی می‌باشد.

کاهش خشونت جنسی، تبعیض جنسیتی و ارتقا نقش زنان در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اجتماعات بومی، از مهمترین مسایلی بود که در این کنفرانس مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. تشدید مرگ و میر کودکان و عدم دسترسی آنها به امکانات آموزشی و بهداشتی در مناطق بومی به مثابه موضوعی چالش برانگیز که نسل بومیان جهان را با انقضای تدریجی روبرو ساخته، از دیگر مسایلی بود که مورد گفتگو و بحث شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

زنان مصری به مبارزه جهت تحقق مطالبات شان امیدوارند

گاردین، ۱۵ نوامبر ۲۰۱۳ - زنان مصری در جنبش عدالت طلبانه علیه دولت حسنی مبارک و محمد مرسی از نقش بسیار برجسته، ویژه و قابل ستایشی برخوردارند. آنها شانه به شانه مردان در اعتراضات سراسری شرکت کردند، در قلب انقلاب ایستادند و بر مطالبات همگانی مبنی بر تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی تاکید ورزیدند. باوجود شجاعتها و فداکاریها، موسسه "تامسون رویتر" بر اساس تحقیقاتی اعلام می‌دارد که موقعیت زنان مصری بدتر از موقعیت زنان در دیگر کشورهای عربی است. حقوق بدیهی زنان مصری در دوران بعد از انقلاب مورد توجه قرار نگرفته و آنان به حاشیه رانده شده‌اند. ارتش به عنوان نهادی مردانه بر دوران بعد از انقلاب نظارت دارد و از هم‌اکنون اصل مهم قانون اساسی پیرامون مشارکت زنان در مجلس توسط آن به عمد نادیده گرفته شده است. ارتش قصد دارد شمار نمایندگان زن مجلس را از ۶۴ تن به ۹ نماینده کاهش دهد.

از دیگر سو، هیچکدام از اعضای کمیته بازنگری قانون اساسی، زن نیستند. ماموران دولتی هنوز به آزار و اذیت زنان راهپیمایی‌کننده می‌پردازند و از لمپنها جهت تحقیر و آزار و اذیت زنان به وسیله برهنه کردنشان و تجاوز جنسی استفاده می‌کنند. آزمایش شنیع باکرگی هنگام دستگیری زنان معترض بر جای خود باقی است. اینها همگی یک پیام را برای زنان دارد که آنان می‌بایست صحنه سیاسی کشور را به مردان واگذار کنند.

مدافعان حقوق زنان در برابر این تهاجم همه جانبه ابراز می‌دارند که چنین اجازه‌ای به مروجان تبعیض جنسیتی نخواهند داد. دولت مرسی در دوره قدرت، برخی از حقوق زنان را باطل ساخت، ممنوعیت چند همسری لغو شد، طرح کاهش سن ازدواج مطرح گردید و برای حق طلاق زنان محدودیتهایی در نظر گرفته شد. دستبرد به حقوق زنان از سوی "اخوان المسلمین" بر واقعیت جامعه مصر تطابق نداشت، زیرا سهم عظیمی از نیروی کار مصر در همه بخشهای اجتماعی و اقتصادی به زنان تعلق دارد.

موضوع قابل اهمیت دیگر این است که آگاهی زنان مصری با توجه به شرکت جدی در دو انقلاب، در میدان عمل ارتقا یافته است؛ به بیان دیگر، زنان مصری دیگر زنان قبل از انقلاب علیه دولت حسنی مبارک نیستند. بعد از انقلابهای بهار عربی، زنان مصری به درستی دریافته‌اند که پیوندی تنگاتنگ بین تحقق مطالباتشان با مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی وجود دارد. آنها به قدرت خود ایمان آورده و مترصدند تا مبارزه را با تشکیلیاتی، سازماندهی و برگزاری گردهمایی به همراه متحدان خویش بر موانع، تابوها و سنتهای ارتجاعی غلبه کرده و تا تحقق دموکراسی و عدالت اجتماعی به مبارزه ادامه دهند.

نرخ اخراج کارگران زن در ایران به ۴۳ درصد رسید

خبرگزاری حکومتی کار (ایلنا)، نهم آذر ماه ۱۳۹۲ - مسوول اتحادیه کارگری مازندران، زهرا صادقی، زنان را نخستین قربانیان بحران اقتصادی در ایران معرفی می کند. وی ابراز می دارد که مشاغل کم درآمد و پرزحمت با ساعات طولانی و غیرقانونی کار با دستمزد پایین تر نسبت به مردان، در اختیار زنان قرار دارد و زنان کارگر در صف نخست اخراجیها قرار دارند. نرخ اخراج کارگران زن از ۳۳ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۳ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۶۱.۲ درصد و برای مردان ۶۷ درصد می باشد.

دوچرخه سواری در قاهره جهت مخالفت با آزار جنسی زنان



سایت اخبار زنان، ۲۶ نوامبر ۲۰۱۳ - زنان و برخی از مردان جوان مصری با دوچرخه سواری در قاهره، مخالفت خود را با آزار و اذیت جنسی اعلام کردند. این حرکت برای ابراز همبستگی با مخالفان آزار جنسی و ارتقا آگاهی پیرامون ژرفش پدیده مزبور صورت پذیرفت.

بر اساس بررسی و تحقیقات "کنسول ملی زنان" در شش استان مصر در

سال ۲۰۰۸، از ۲۳۲۰ زن و ۲۰۸۸ مرد، بیش از ۷۲.۴ درصد از زنان متاهل و ۹۴ درصد از زنان مجرد مورد نوعی از آزار جنسی در خیابانها قرار گرفته اند. این در حالیست که از مجموع آمار سراسر کشور نتیجه گرفته می شود که ۲۲.۲ درصد از زنان متاهل و ۲۱.۷ درصد از زنان مجرد آماج آزار فیزیکی قرار گرفته اند.

در همین رابطه، "واحد بسط مشارکت زنان سازمان ملل" در همکاری با سازمان دانشجویی جهانی Enactus تلاش می کند تا با جلب حمایت و همیاری دانشجویان دانشگاههای مصر و ایجاد کمپینی سراسری، توجه شهروندان را به این معضل جلب کند و موجبات رشد آگاهی همگان را فراهم سازد.

کمپین مزبور بخشی از پروژه های سالانه سازمان ملل در راستای پیشرفت مشارکت سیاسی و ایجاد امنیت اقتصادی زنان در سراسر جهان به شمار می آید.

تجدید حیات حکم سنگسار در افغانستان

سایت خبری زنان، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۳ - وزیر دادگستری افغانستان با ارایه طرحی خواستار اجرای حکم سنگسار در ملاعام برای رابطه جنسی خارج از زناشویی شد. دیدبان حقوق بشر و مسوولان افغانستان ابراز می دارند که در طرح تجدید نظر پیرامون مجموعه قوانین کیفری افغانستان، حکم سنگسار برای افراد متاهل و حکم شلاق در ملاعام برای افراد مجرد در نظر گرفته شده است.

مدافعان و فعالان حقوق بشر ابراز می دارند که افغانستان در حال بازگشت به دوران طالبان است. سازمان حقوق بشر مصرانه از دولت افغانستان خواسته است که این طرح را رد کند و از همه تشکلهای جهانی و یاری دهندگان می خواهد که با ارسال پیامی روشن و صریح، سیاستمداران افغانستان را از تاثیرات مضر پذیرش آن بر سرمایه گذاری ها در افغانستان آگاه سازند.

از هنگام سرنگونی طالبان تاکنون میلیاردها دلار صرف پیشرفت و اصلاح حقوق بشر به ویژه پیرامون مسایل زنان شده که بسیاری هراس دارند که طرح یاد شده همه فعالیتهای پیشین را نقش بر آب سازد.

تبعیض در دستمزد در آمریکا

بر اساس گزارش مندرج در "واشنگتن پست" مورخ ۱۱ دسامبر ۲۰۱۳، با اینکه زنان آمریکایی زیر ۳۲ سال در اخذ مدارک دانشگاهی در رقابت با مردان هم سن و سال خویش پیشی گرفته اند، ولی کماکان درآمد و دستمزدی کمتر از مردان همکار خود، دریافت می کنند. در حال حاضر، درآمد زنان در ساعت، ۹۳ درصد دستمزد مردان هم سن و سال خود در شرایط کاری برابر است. این میزان از سال ۱۹۸۰، ۶۷ درصد رشد داشته و بر پایه آمار دولت، برابر با بالاترین میزان در سال ۱۹۷۹ است.

سال گذشته نرخ متوسط دستمزد زنان در هر گروه سنی در آمریکا، ۸۴ درصد دستمزد مردان در شرایط کاری برابر بوده است. این در حالیست که ۳۸ درصد کارگران زن بین ۳۲ - ۲۵، در آمریکا دارای مدرک لیسانس هستند. میزان مزبور برای کارگران مرد در دوره سنی مشابه، ۳۱ درصد می باشد.

۶۶ درصد از زنان ایرانی قربانی خشونت خانگی

هرانا، ۵ آذر ۱۳۹۲ - بنا بر تحقیقات "سازمان دفاع از قربانیان خشونت"، ۸۸ درصد از زنان کردستان و سنندج قربانی خشونت خانگی هستند. میزان خشونت علیه زنان در تهران بالا و شهر اهواز در مصداقهای معضل مزبور خشن ترین شهر معرفی شده است.

جلالی، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی ابراز می دارد که نتایج تحقیق و طرح ملی که در سال ۸۳ در میان ۱۲ هزار و ۶۰۰ زن در ۲۸ مرکز استان انجام شد، حاکی از آن است که ۶۶.۳ درصد از زنان از ابتدای زندگی درگیر خشونت هستند. در این تحقیقات، ۱۰.۵ درصد اعمال خشونت مرتکبان بسیار شدید بوده است. در این تحقیقات ۵۳ درصد از زنان خشونت را در سال نخست ازدواج تجربه کرده اند. به گفته جلالی، از میان زنان تحقیق شده، ۲۸.۲ درصد با خشونت فیزیکی روبرو شده اند و ۱۹.۲ درصد خشونت‌های فیزیکی مربوط به یک سال اول ازدواج بوده است. همچنین برخلاف این تصور که میزان خشونت در سال اول بعد از تولد فرزند و دوره بارداری باید کم باشد، اما در این زنان تحقیق شده خشونت در این دوره ها خارج از انتظار بوده است.

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

- "دقت به نکات ریز مهم است: "تلاش برای دقیق و کامل بودن کار، ارزش اش را دارد" (استیو جابز، ۱۹۵۵ - ۲۰۱۱، مخترع، بنیانگذار و مدیر ارشد اجرایی شرکت "اپل")
- اگر من همه قواعد را رعایت کرده بودم، هرگز به جایی نمی رسیدم" (مریلین مونرو، ۱۹۲۶ - ۱۹۶۲، بازیگر، خواننده و مانکن مشهور آمریکایی)

حمله شدید آلمودووار به دولت اسپانیا در مراسم جوایز سینمایی اروپا



"پدرو آلمودووار"، کارگردان سرشناس اسپانیایی در سخنرانی به هنگام دریافت جایزه افتخاری در مراسم اهدای جوایز سینمایی اروپا که در شهر برلین برگزار شد، به شدت به سیاستهای دولت فعلی کشورش حمله کرد.

این کارگردان ۶۴ ساله که جزو موفق ترین و شناخته شده ترین چهره های سینمایی اسپانیا در جهان است، گفت که حکومت اسپانیا در مقابل مشکلات بزرگ آن کشور "ناشنوا و بی تفاوت" است. وی به شدت سیاستهای فرهنگی دولت محافظه کار اسپانیا را نقد کرده و آن را "رقت بار" توصیف کرد.

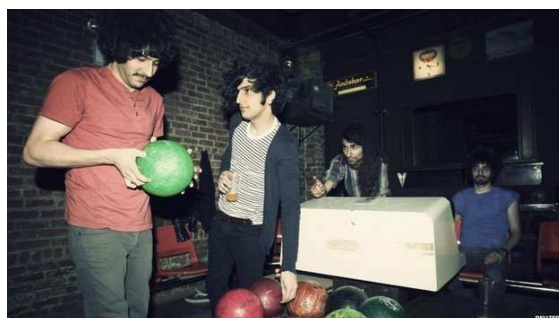
آلمودووار ضمن حمله پرحرارت خود به سیاستهای ریاضت اقتصادی که توسط دولت محافظه کار اسپانیا به اجرا گذاشته شده، "از مقاومت و مبارزه مردم که قربانیان این حکومت هستند" تمجید کرد.

از زمان روی کار آمدن دولت جدید بودجه فعالیتهای فرهنگی و از جمله سینما در اسپانیا به شدت کاهش یافته است.

مجلس ایران دفن اعضای یلوداگز در قطعه هنرمندان را بررسی کرد

کمیسیون فرهنگی مجلس رژیم جمهوری اسلامی دفن اعضای مقتول گروه موسیقی "یلوداگز" (سگهای زرد) در قطعه هنرمندان گورستان بهشت زهرا در تهران را بررسی کرد.

ماه گذشته دو برادر به نامهای آرش و سروش فرازند که از اعضای این گروه موسیقی بودند، توسط یک ایرانی دیگر به نام علی اکبر رفیعی در نیویورک کشته شدند. وزارت ارشاد پرداخت هزینه انتقال اجساد از آمریکا به تهران رد کرد.



منتقدان می گویند که زمانی این دو برادر در ایران بودند، از وزارت ارشاد مجوز فعالیت نداشتند که در آن صورت به گفته آنها نمی توان عنوان هنرمند به آنها داد. گروه یلوداگز هفت سال پیش در تهران تشکیل شد و با فیلم "کسی از گربه های ایرانی خبر ندارد"، ساخته بهمن قبادی به شهرت رسید.



ترانه‌هایی برای فیلیپین؛ ۳۹ خواننده، ۳۹ ترانه

ستارگان دنیای موسیقی پاپ از جمله "بیانسه" و "آدل" به منظور کمک به جمع آوری پول برای صلیب سرخ فیلیپین، هر کدام آهنگی را برای گنجاندن در آلبومی که قرار است به این مناسبت منتشر شود، اهدا می کنند.

قرار است در این آلبوم، ۳۹ آهنگ از خواننده ها و گروه‌هایی چون "بیتلها"، "U2"، "لیدی گاگا"،

"جاستین تیمبرلیک"، "آلیشیا کیز"، "کایلی مینوگ"، "امینم" و "باب دیلن" گنجانده شود.

این آلبوم که "ترانه هایی برای فیلیپین" نام دارد، با همکاری خوانندگان و گروههای موسیقی، کمپانیهای اصلی ضبط و پخش کنندگان موسیقی برای کمک به بازماندگان توفان در فیلیپین شکل می گیرد. توفان "هایان" در روز ۸ نوامبر در فیلیپین بیش از پنج هزار کشته و صدها هزار نفر بی خانمان برجا گذاشت.

خواننده پینک فلوید از پیوند هنر و سیاست می گوید



"راجر واترز"، آهنگساز و خواننده پیشین گروه "پینک فلوید"، که به دلیل آرایه آثاری الهام گرفته از شرایط موجود و اعتراض به آن شهرت ویژه ای دارد، در یک مصاحبه با رادیو *Le Mur a Des Oreilles* به این سوال که نظر وی در باره افرادی که موسیقی او را دوست دارند ولی با التقاط آن با سیاست راضی نیستند چیست، گفت: "اگر فکر می کنید که هنرمندان باید لال باشند و دُمشان را مانند سگهای پلاستیکی از پشت داشبورد زندگی تکان بدهند، بهتر است از سر راه من کنار بروید و وقت خودتان و مرا تلف نکنید."

کتاب

سه داستان منتشر نشده سالینجر به فضای آنلاین نشت کرد

سه داستان از "جی دی سالینجر"، نویسنده "ناتور دشت"، به فضای اینترنت نشت کرده است. "اقیانوس پر از توپهای بولینگ"، "پاولا" و "تولد" پیش از این در دو کتابخانه دانشگاهی آمریکایی، صرفاً برای مطالعه در دسترس بود. اولین داستان به ویژه از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که در آن نشانه هایی از آنچه بعداً ناتور دشت شکل گرفت، به چشم می خورد. در روزهای گذشته یک نسخه اسکن شده از داستانها در یک وبسایت اشتراک گذاری فایل آپلود شد و به سرعت در فضای آنلاین پخش شد. این مجموعه با عنوان "سه داستان"، جلد ساده سیاهی دارد و همچنین شامل نامه ای از سالینجر به ناشرش، *Little, Brown and Company* است.



کتابی درباره رودکی جایزه بوکر روسیه را گرفت

مهم ترین جایزه ادبی کشور روسیه به کتاب "بازگشت به پنجروود" نوشته "آندری ولوس" درباره زندگی رودکی، شاعر بزرگ ایرانی تعلق گرفت.

ولوس در رمان خود آخرین روزهای زندگی رودکی - شاعر مورد علاقه سلطان بخارا - را به تصویر کشیده است. رودکی در پایان زندگی مورد بی مهری و خشم پادشاه قرار می گیرد و کارش به شکنجه، کور شدن و اخراج از دربار می کشد. در این کتاب، رودکی که با کمک پسرکی به شهر زادگاهش پنجروود بازمی گردد، داستان دوران طلایی زندگی و روزهای پر جلال و شکوهش را روایت می کند.

شعر

پرواز در دایره حضور

فیلم از مختار شکری پور

چهارشنبه ۲۰ آذر ساعت ۱۴ سینما سیده

زمان نمایش در جشنواره سینما حقیقت

یکشنبه ۲۴ آذر ساعت ۱۸:۱۵ سینما فلسطین



با حضور:

بنوش طباطبایی و مهدی یاکمل

آیدا کیخانی و علی سرایی

تدوین: محمد ناصری

تصویربرداری: محمد ناصری

با گفتارهایی از:

محمود دولت آبادی

سیمین بهبهانی

مسعود کیمیایی

جواد مجابی

علی اشرف درویشیان

شمس لنگرودی

ایران درودی

حافظ موسوی

۹

ساز و آواز: شهرام ناظری

Iranian Labour News Agency

مستندی درباره شاملو روی پرده سینما

فیلم بلند مستند "پرواز در دایره حضور" که به تهیه کنندگی و کارگردانی مختار شکری پور درباره شخصیت و زندگی احمد شاملو ساخته شده، روز چهارشنبه ۲۰ آذر در سالن شماره یک سینما سپیده و در قالب بخش مسابقه ملی هفتمین جشنواره بین المللی سینمای مستند ایران (سینما حقیقت) و ۲۴ آذر در سالن شماره ۲ سینما فلسطین روی پرده می رود.

در این فیلم علاوه بر آیدا که از همسرش سخن گفته، چهره های فرهنگی و هنری شامل: محمود دولت آبادی، سیمین بهبهانی، مسعود کیمیایی، جواد مجابی، علی اشرف درویشیان، ایران درودی، محمدرضا اصلانی، علی رفیعی، محمد شمس لنگرودی، حافظ موسوی و محمد یعقوبی هم از شاملو سخن گفته اند.

شهرام ناظری نیز در این فیلم، شعر "طرح" شاملو را با ساز و آواز در متن فیلم اجرا کرده است.

سینما

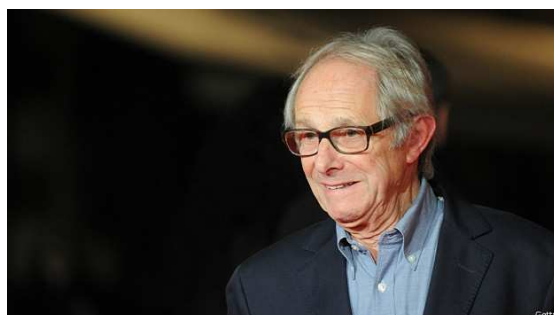
جایزه یک عمر فعالیت سینمایی جشنواره برلین برای کن لوچ

مسوولان جشنواره بین المللی فیلم برلین اعلام کردند که در "برلیناله" سال آینده که شصت و چهارمین سال برگزاری این جشنواره مهم اروپایی است، جایزه افتخاری "خرس طلایی" برای یک عمر فعالیت سینمایی به "کن لوچ"، کارگردان قدیمی و سرشناس انگلیسی اهدا خواهد شد.

"دیتر کوسلیک"، مدیر جشنواره بین المللی فیلم برلین به هنگام اعلام این خبر گفت: "کن لوچ یکی از بزرگترین کارگردانهای اروپایی است

که در آثار وی به زندگی، سرنوشت و نیازهای افراد توجه بسیار دقیقی می شود و همزمان همواره نگاه انتقادی به جامعه در قالب شیوه های گوناگون منعکس شده است."

کن لوچ هفتاد و هفت ساله هیچگاه از این جشنواره جایزه ای دریافت نکرده است



جلوگیری از شرکت لیلا خالد در جشنواره بین المللی سینمای تبعید در سوئد



لیلا خالد که قصد شرکت در یازدهمین جشنواره بین المللی سینمای تبعید در سوئد را داشت، به بهانه اینکه حضور وی در سوئد امنیت ملی این کشور را مختل می کند، موفق به دریافت ویزا نشد. وی در پیامی از اینکه به این جشنواره دعوت شده بود، تشکر کرد و آن را ارزشمند خواند.

وی در پیام خود گفت: "یکی از فیلمهایی که در جشنواره به نمایش در می آید، درباره من است؛ زندگی من که در واقع نماد تاریخ مدرن فلسطین است و گویای واقعیت رنجی است که بر مردم فلسطین تحمیل شده است؛ رنجی که پیامد اشغال سرزمین ما توسط اسراییل بوده و همچنان تا امروز ادامه دارد.

جشنواره شما یک اقدام عملی در راستای همبستگی و مقاومت علیه تمامی اشکال بی عدالتی و اختناق در هر جایی که خود را نشان دهد، می باشد. من از این فرصت استفاده می کنم و گفته چه گوارای انقلابی را یادآوری می کنم. او گفت هر جا که بی عدالتی وجود دارد، آنجا خانه من است."

دیدار هیات اروپایی با جعفر پناهی و نسرین ستوده

یک هیات اروپایی در سفر به ایران، "جایزه ساخاروف" را به نسرین ستوده، وکیل و حقوق دادن و جعفر پناهی، فیلمساز اهدا کرد. این جایزه را پارلمان اروپا به فعالان حقوق بشر اهدا می کند و در آذر ماه سال گذشته به این دو تعلق گرفت. در آن هنگام نسرین ستوده در زندان بسر می برد و جعفر پناهی در اجازه ساختن فیلم نداشت و ممنوع الخروج بود و از این رو امکان حضور آنها برای دریافت جایزه سلب شده بود.

دیدار هیات پارلمانی اروپا با دو فعال مزبور، موجب واکنشهای متناقضی در محافل حکومت ایران شد. در همین رابطه کاظم جلالی، رییس کمیته روابط پارلمان اروپا در مجلس ایران مدعی شد که مجلس با این دیدار مخالف بوده و این عمل را "مخالف عرف دیپلماتیک" می دانسته، اما این دیدار با موافقت محمد جواد لاریجانی، مشاور بین الملل رییس قوه قضاییه صورت گرفته است.

هنرپیشه هالیوود: چاق نامیدن افراد در تلویزیون باید غیرقانونی شود



"جنیفر لارنس" که لباس و ظاهر او در مراسم فرش قرمز فیلم "Catching fire" مورد انتقاد و شوخی برخی رسانه های آمریکایی قرار گرفته بود، در گفتگو با "باربارا والترز"، مجری آمریکایی گفت: "چرا توهین به آدمها خنده دار است؟"

این هنرپیشه ۲۳ ساله که در قسمت تازه مجموعه فیلمهای Hunger Games نقش "کتنیس اوردین" را بازی می کند، افزود: "رسانه ها باید مسوول تاثیری باشند که روی نسل جوان می گذارند. حالا یکباره مسخره کردن دختری که یک لباس زشت پوشیده، خنده دار شده! گفتن کلمه چاق خنده دار شده! من فکر

می کنم که چاق خواندن آدمها باید غیرقانونی شود." "لارنس افزود: "می خواهم بگویم اگر برای سیگار و سکس و حرفهای رکیک مقررات می گذاریم چون روی نسل جوان ما تاثیر می گذارد، چرا نباید درباره چاق نامیدن آدمها قانون بگذاریم؟" جنیفر لارنس که امسال برای بازی در فیلم "دفترچه امیدبخش" جایزه اسکار گرفت، پیش از این از مجله ها و برنامه هایی مثل E! و Fashion Police با اجرای "جوان ریورز" که از ظاهر زنها ایراد می گیرند، انتقاد کرده بود. وی گفت که شنیدن حرفهای منفی درباره ظاهرش، به او این احساس را می دهد که انگار به دبیرستان بازگشته است.

تاتر

بیستمین فستیوال تیاتر ایرانیان در تبعید در شهر کلن

بیستمین فستیوال "تیاتر ایرانیان در تبعید" در شهر کلن برگزار شد. جشنواره امسال با نمایش "متهم - تبهکار"، با اجرای گروه تیاتر آمستردام آغاز به کار کرد و با نمایش "به یاد نیست" (لندن) به کارگردانی داریوش رضوانی به پایان رسید.

روز افتتاحیه بعد از تیاتر اول، "خانم بهرخ بابایی" ترانه های آذری و فارسی خواند و با رقص تیاتر عروسک کوکی با الهام از شعر فروغ فرخزاد ادامه پیدا کرد همچنین در این روز مریم آخوندی با گروه جدیدش بنام "پاز" (بر گرفته از پارسی و جاز) به روی صحنه آمد. او هنرمندی است که ترانه های اصیل و آواز ایرانی را با موزیک "پاپ" و "جاز" و این بار نیز با "رپ" تلفیق کرده و کارهای با ارزشی ارائه داده است.

اشعاری از مهرداد عارفانی



سال نوی میلادی بر شما مبارک باد
سالی پر از شعرهایی که چاپ نمی شدند
بدویم توی راهروهای اوین
نور پردازی کنیم
کارگردان بگوید :
کات

فیلم برود کن

جایزه ببریم

سالی که من سینه را بدهم جلو

خرچنگ نباشد وسط پرچم

شیر باشد شیر

آلبوم در صندوق

باز که می شوم

همگی ساکت می شوید و رنگ سپید و سیاه می شود

بدون حرکت ، نه بمب دستی می سازید



نه کوکتل مولوتف
 یادگاری ۱۳۵۷
 نه روی خرده های شیشه می دوید و
 نه پرچم هایتان را در بادی که نمی وزد تکان می دهید
 یادگاری خرداد شصت
 نخ بادبادک را سفت گرفته ام
 و می ترسم از درآکولا در سینما ایران
 یادگاری تابستان ۶۷
 می ترسم از صدای اذان
 توی عکس : آقا نشسته بود روی اسب
 حالا نیست روی دیوارمادر بزرگ
 اتوبان از اتاق گذشته است !
 بوی پرتقال می دهد هر چیز و از رودخانه می گذرد
 زیر پل چه سربازانی برای ماهی آزاد
 با تفنگ می دوند
 بر قلوه سنگ ها :
 چکه های خون
 قورباغه ها
 توی صندوق هم که می دانی : نمی شود نفس کشید
 همچون گیاهان رسته در تاریکی
 نگران
 با اندامی از سایه آنقدر رفته اید که دیگر:
 نه آفتابی می سوزد , نه نسیمی می وزد
 خبرهای تازه همان است که هر روز در این آسمان چوبی و قفل
 در هم کشیده می شوید و رعد و برقی بلند
 از چشم های شما توی این تاریکی می گذرد

خشن ترین دست ها



زیباترین چیزها را پرداخت کرده اند
 مثل انقلاب
 تحویل می دهند و می روند
 ساعت استراحت
 تمامشان شبیه به هم هندوانه می خورند و
 چای

متن اعتراض و انصراف والدین ستار بهشتی از روند رسیدگی به پرونده فرزندشان



هفته گذشته به رغم اینکه تعدادی از زندانیان بند ۳۵۰ اوین حاضر شدند در پرونده ستار بهشتی شهادت دهند، اما دادگاه کیفری کارکنان دولت اتهام قتل عمد را در این پرونده نپذیرفت و آن را شبه عمد تشخیص داد. به گزارش سحام در همین ارتباط، پدر و مادر ستار بهشتی در نامه ای به دادستانی تهران ضمن اعتراض به رای صادره، از ادامه روند رسیدگی به پرونده کشته شدن فرزندشان انصراف دادند. متن کامل این نامه که برای انتشار در اختیار سحام قرار گرفته بدین شرح است:

دادستانی محترم تهران

اینجانبان گوهرعشقی و سردار بهشتی مادر و پدر رشادروان ستاربهشتی درخصوص پرونده فرزندمان که در قرارگاه پلیس فتا زیر شکنجه های بازجو، ستوان دوم اکبرتقی زاده در اثر خونریزیهای داخلی به فیض شهادت در راه آزادی نایل گردید و پرونده به شماره ب/ ۹۱۰۹۱۸ در شعبه یک بازپرسی دادسرای جنایی تهران با کوشش وکیل ما، خانم گیتی پورفاضل پیگیری و علیرغم مستندات پرونده که قتل به صورت عمد بوده، لیکن مقامات قضایی تشخیص قتل شبه عمد دادند تا با دیه خون جوان ناکاممان پایمال شود، باستحضار می رسانیم؛

از آنجا که مدارک و مستنداتی که آقای بازپرس در پرونده گردآوری کرده اند نشان می دهد کلیه اعمال و افعالی که از سوی متهم (اکبرتقی زاده) در مورد ستار بهشتی انجام گرفته عمد بوده زیرا وی نه از نگاه قانون حق بازجویی و شکنجه برای گرفتن اقرار و نه نگهداری مشاورالیه در بازداشتگاه پلیس فتا را داشته است، زیرا دادیاری که دستور کتبی تحویل گرفتن ستار را از زندان اوین برای پلیس فتا نوشته تاکید کرده است که وی باید در بازداشتگاه آگاهی نگهداری شود لیکن متهم برای آنکه خوش خدمتی به دستگاه خود کرده باشد بازجویی و نگهداریش را به صورت غیرقانونی به انجام رسانیده و به طور واضح و آشکار نیز به ستار گفته بوده است که؛ می کشمت، و ستار بارها این جمله را در زندان اوین بند ۳۵۰ به همبندانش گفته و التماس می کرده که نگذارید پلیس فتا فردا مرا از اوین بیرون ببرد که آنها قصد کشتنم را دارند. از سویی دیگر گزارش خانم دکتر مبارکی از کالبد شکافی بدن ستار بهشتی به آقای دکتر ضیایی رئیس تالار تشریح به

طور کامل نشان می دهد که خونریزیهای در کبد، کلیه، ریه و از همه مهم تر در زیر پروانه مغز رخ داده که همه در اثر ضربه های مهلک و لگدهایی بوده که هنگام گرفتن اقرار از سوی متهم پرونده به بدن این شیر مرد جوان فرود آمده و به دلیل نرسیدن اکسیژن کافی باندامهای خونریزی داده شده منجر به مرگ وی گردیده است.

رایزی با چندین پزشک متخصص که گزارش را دیده و خوانده و تایید کرده اند که خونریزیهای رُخ داده در بدن مقتول موجبات مرگش را فراهم کرده اند و خودداری پزشکی قانونی از اظهار نظر قاطع مرگ که نشان از ضعف و ناتوانی مقامهای پزشکی قانونی به دلیل فشارهایی که می دانیم و می دانید از چه سمت و سویی است دارد، و کارشان بمانند همان پنهان کردن خورشید زیر تکه ابريست گذرا و قطره بارانی که چون پهنای دریا بدیدخجل ازخویشتن شده است که بیگمان آیندگان به داوری پرونده هایی از این دست خواهند نشست. خونریزیهای اندامهای داخلی مانند کبد و کلیه و ریه و مغز نشان می دهد که مطلب عنوان شده ازسوی متهم که گفته ضربه هایش کنترل شده بوده، نادرست و نشان از شدت و مهلک بودنشان دارد که هرگز نمی توان آنها را کنترل شده قلمداد کرد مگر پذیرش آن به قصد یاری دادن به متهم برای فرار از مجازات باشد که آشکارا چنین اتفاقی افتاده است، بنابراین با توجه به عمد بودن قتل از نگاه وکیل پرونده با رایزی پزشکان متخصص و شبه عمد بودن آن ازسوی دستگاه قضایی برای آنکه موضوع تنها به دیه پایان یابد محرز و بی هیچ گمانی خون فرزندان در راه آزادی اندیشه و سرفرازی میهنش مانند بسیاری که در این راه پای نهادند و سر و جان دادند خونس را ریخته می دانیم، ما نگاه جهانیان را به مسئولانی که خلاف اصول قانون اساسی رفتار و به کاوش ذهن و تفتیش عقاید و شکنجه برای گرفتن اقرار دست به آدمکشی می زنند و به آسانی هم از کیفر می گریزند، باز می گردانیم تا بدانند در سرزمینی که رادمرد بزرگ تاریخش جهانیان را با گفتار و کردارش افسون خود کرده و هیچ ستمی را برنتابیده و نیز مردم اندیشمندش که همه انسانها راز یک گوهر و درد عضوی را بردن قرار از دیگر اعضا می دانند کسانی هم هستند که برای خوش خدمتی و دریافت نان و آبی افزونتر وجدانشان را به اهریمن می فروشند و هرستمی را روا می دارند. این سنگواره شده های زمانه درخونریزی و کشتار نه وجدان درد می گیرند و نه اندیشه ای باخرد آشنا دارند که بویی از انسان و انسانیت برده باشد.

از آنجا که ما اولیاء دم ستار بهشتی قصد فروش خون فرزندان را به پول نداریم، لذا از شکایت به این دلیل اجتناب می ورزیم که متوجه گشته ایم دستهایی درکارند تا خون جوان بیگناه و ناکاممان را پایمال کنند که تا حال چنین کردند و ما نیز مجازاتشان را به خداوند یکتا و می گذاریم که دادگری بی همتاست و براین باور پای می فشاریم که خون بیگناه دامنگیر خواهد بود و امیدواریم در زنده بودنمان آن را به چشم ببینیم که آدمکشان حرفه ای دست پرورده چگونه به کیفر کردار اهریمنیشان می رسند تا دستمان از گور بیرون نماند.

درپایان افزون بر آنچه در بالا آمد یادآوری می کنیم که ما برای نگهداشت و پاسداری از خاک کشورمان و تداوم بخشیدن به باورهای انسانساز نیاکانمان که جهانیان را شیفته این فرهنگ انسان محوری کرده است، ستارهای بسیاری را در راهش داده و رسالت خود را ادا کرده ایم و می دانیم که پس از رفتن زمستان تنها رو سیاهی است که به زغال خواهد ماند، بنابراین ما دنیا دیدگان سپید موی، سپید روی هم از دنیا خواهیم رفت و آینده را به جوانانی از گونه ستارها خواهیم سپرد تا خلف زادگانی باشند برای میهنی که هزاران سال است نامش بر تارک تاریخ می درخشد و ازین دست نشینها را بسیار از سرگذرانیده و باز خود را به فراز کشانیده و هرگز از پای ننشسته است.

گوهر عشقی - سردار بهشتی

منبع: سحام نیوز

سه شنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۲ - ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳

به رادیو پیشگام در آدرس زیر گوش کنید

www.radiopishgam.com

اطلاعیه مطبوعاتی دکتر خوان گارسه

اسپانیا- مادرید، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳



دادگاه اسپانیا تحقیقات در مورد مشاور امنیت ملی عراق به خاطر جنایت علیه جامعه بین المللی را آغاز می کند.

فالح فیاض متهم به ارتکاب جنایات تحت قانون بین الملل علیه ساکنان اشرف می باشد.

دادگاه مرکزی تحقیق شماره ۴ اسپانیا طی تصمیمی که این ماه قطعی شد، اعلام کرد که آقای فالح فیاض، مشاور امنیت ملی نخست وزیر عراق، «به اتهام ارتکاب جرائمی علیه جامعه بین المللی»، تحت تحقیقات قرار دارد. این حکم در کادر اصول اختیارات جهانشمول که کنوانسیون چهارم ژنو برای دادگاههای عدالت کشوری قایل است اتخاذ شده است.

دادگاه تصمیم گرفت که بر مبنای شکایت علیه آقای فیاض تحقیقات در

مورد او «به عنوان کسی که مسئول موارد نقض وخیم کنوانسیون چهارم ژنو و اولین پروتکل اضافی آن است ثبت نموده، که این جرایم از ماه مه ۲۰۱۰ وی به عنوان رئیس «کمیته اشرف» وابسته به دفتر نخست وزیر مالکی مرتکب شده، و به طور خاص به خاطر دست داشتن مفروض وی در قتل عامهای ۸ آوریل ۲۰۱۱ و اول سپتامبر ۲۰۱۳ علیه «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم ژنو ساکن در شهر اشرف (عراق)، ... در ارتباط با تخلفات گزارش شده در مورد ۳۵ قتل و ۳۳۷ مورد جراحت عامدانه در ۸ آوریل ۲۰۱۱ و ۵۲ قتل و ۷ گروگان گیری در یک سپتامبر ۲۰۱۳ همراه با شکنجه و آسیبهای جسمی علیه ساکنان اشرف»، بسط پیدا کند.

این تصمیم در ضمن اعلام می کند که «کشتارها، جراحتهای، بمباران صوتی، جلوگیری از مواد غذایی و مراقبتهای پزشکی، هیچ چیزی نمی تواند در اشرف اتفاق بیافتد بدون اطلاع اعضای کمیته، به طور خاص فالح فیاض. در سلسله مراتب نظامی و غیرنظامی او شخص مسئول عملیات ۸ آوریل ۲۰۱۱ طبق دستورات نخست وزیر، که فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است، می باشد. در مسائل امنیتی در تمامی کشور، از جمله اشرف، فالح فیاض شخص مسئول است».

بر اساس تصمیم دادگاه «در اول سپتامبر ۲۰۱۳ نیروهای نظامی عراق که اشرف را در محاصره و اشغال خود داشتند اجازه قتل عام شنیع ۵۲ تن، از حدود ۱۰۰ تن ساکنان را، که به کمپ لیبرتی منتقل نشده بودند، را دادند. آنها همگی دارای استاتوی افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو بودند. هفت تن از «افراد حفاظت شده» نیز در جریان این تهاجم ربوده شدند که هنوز آزاد نشده و مقامات عراقی نگفته اند که آنها کجا هستند. اموال ساکنان غارت گردید، ساختمانهای متعدد با مواد انفجاری منهدم شد و یکی از آنها نیز به آتش کشیده شد».

دادگاه در ضمن به ماده ۲۹، ۱۴۶ و ۱۴۷ از کنوانسیون چهارم ژنو اشاره می کند که مسئولیتهای دولتها در رابطه با «افراد حفاظت شده» ساکن اشرف، که فرمان اخراج اجباری آنها توسط افسران عراقی که تحت تحقیقات دادگاه می باشند صادر شده، برجسته می کند.

دکتر خوان گارسه

پایان اعتصاب غذا

به دنبال حکم دادگاه اسپانیا علیه مشاور امنیت ملی مالکی به خاطر قتل عام و آدم ربایی در اشرف خانم رجوی ساکنان لیبرتی و ایرانیان در شهرهای مختلف جهان را به پایان اعتصاب غذا فراخواند.

به دنبال قطعیت حکم دادگاه اسپانیا علیه فالح فیاض، مشاور امنیت ملی مالکی، به خاطر مسئولیت مستقیم در کشتار اول سپتامبر ۲۰۱۳ و اعدام جمعی ۵۲ تن از ساکنان و به گروگان گرفتن ۷ تن و به اتهام جنایت علیه جامعه بین المللی، خانم مریم رجوی رییس جمهور برگزیده مقاومت ایران، مجاهدان لیبرتی و ایرانیان در شهرهای مختلف جهان را به پایان اعتصاب غذای جهانی که از روز اول سپتامبر شروع شده است فراخواند و پایان اعتصاب غذا را اعلام کرد.

وی افزود با وارد شدن یک اهرم نیرومند قضایی علیه مسئولان جنایت علیه بشریت، از این پس کارزار جهانی برای آزادی گروگانها و برای تأمین امنیت مجاهدان لیبرتی با تمام قوا تا تعیین تکلیف نهایی بی وقفه ادامه پیدا می کند. خانم رجوی این پیروزی بزرگ را به اعتصاب کنندگان در لیبرتی، ژنو، برلین، اتاوا، لندن، ملبورن، واشنگتن، استکهلم و رم تبریک گفت و تأکید کرد شما با تمامی وجود یک نمونه درخشان و تاریخی از مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و دیکتاتوری و جنایت بر جای گذاشتید.

خانم رجوی پیش از این بارها با ارسال پیامها و از طریق فرستادگان ویژه اش تلاش کرده بود اعتصابیونی که در شرایط وخیم جسمی بسر می برند از اعتصاب خارج کند، اما با این حال بسیاری از آنها بیش از ۱۰۰ روز و بعضا تا ۱۰۸ روز را در اعتصاب غذا بسر بردند.

تصمیم دادگاه اسپانیا در کادر اصول اختیارات جهانشمول که کنوانسیون چهارم ژنو برای دادگاههای عدالت کشوری قائل است اتخاذ شده است. دادگاه تصمیم گرفت تحقیقات علیه فالح فیاض «به عنوان کسی که مسئول موارد نقض وخیم کنوانسیون چهارم ژنو و اولین پروتکل اضافی آن است ثبت نموده، که این جرایم را وی از ماه مه ۲۰۱۰ به عنوان رئیس «کمیته اشرف وابسته به دفتر نخست وزیر مالکی مرتکب شده، و به طور خاص به خاطر دست داشتن مفروض وی در قتل عامهای ۸ آوریل ۲۰۱۱ و اول سپتامبر ۲۰۱۳ علیه «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم ژنو ساکن در شهر اشرف (عراق)، ... در ارتباط با تخلفات گزارش شده در مورد ۳۵ قتل و ۳۳۷ مورد جراحت عامدانه در ۸ آوریل ۲۰۱۱ و ۵۲ قتل و ۷ گروگانگیری در یک سپتامبر ۲۰۱۳ همراه با شکنجه و آسیبهای جسمی علیه ساکنان اشرف»، بسط پیدا کند.

این تصمیم در ضمن اعلام می کند که «کشتارها، جراحتهای، بمباران صوتی، جلوگیری از ورود مواد غذایی و مراقبتهای پزشکی، هیچ چیزی نمی تواند در اشرف اتفاق بیافتد بدون اطلاع اعضای کمیته، به طور خاص فالح فیاض. در سلسله مراتب نظامی و غیرنظامی او شخص مسئول عملیات ۸ آوریل ۲۰۱۱ طبق دستورات نخست وزیر، که فرمانده کل نیروهای مسلح عراق است، می باشد. در مسائل امنیتی در تمامی کشور، از جمله اشرف، فالح فیاض شخص مسئول است».

بر اساس تصمیم دادگاه «در اول سپتامبر ۲۰۱۳ نیروهای نظامی عراق که اشرف را در محاصره و اشغال خود داشتند اجازه قتل عام شنیع ۵۲ تن، از حدود ۱۰۰ تن ساکنان را، که به کمپ لیبرتی منتقل نشده بودند، را دادند. آنها همگی دارای استاتوی افراد حفاظت شده طبق کنوانسیون چهارم ژنو بودند. هفت تن از «افراد حفاظت شده» نیز در جریان این تهاجم ربوده شدند که هنوز آزاد نشده اند و مقامات عراقی نگفته اند که آنها کجا هستند. اموال ساکنان غارت گردید، ساختمانهای متعدد با مواد انفجاری منهدم شد و یکی از آنها نیز به آتش کشیده شد».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۲۶ آذر ۱۳۹۲ (۱۷ دسامبر ۲۰۱۳)

هر روز فراسوی خبر را در سایتهای ایران نبرد و جنگ خبر بخوانید

www.iran-nabard.com
www.jonge-khabar.com

"بازی شیادانه" در تهران و ژنو

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۲ آذر

روز جمعه ۲۲ نوامبر سومین روز از دور سوم مذاکرات هسته ای در ژنو بود. در جریان این سری مذاکرات، سوال مطرح مورد اهداف رژیم جمهوری اسلامی از فعالیتهای اتمی نه تنها پاسخ داده نشده باقی ماند، بلکه پر رنگ تر نیز گشت. براستی چرا جمهوری اسلامی از فرصتی که به دست آورده استفاده نمی کند تا تحریمهای اعمال شده را خنثی کند؟ آیت الله جنتی در پاسخ می گوید به این دلیل که "آنها می خواهند امتیاز بگیرند و امتیاز ندهند"، به عبارت دیگر، "آنها می خواهند ما جام زهر را بنوشیم تا تحریمها برداشته شود".

در این دوره از نشستها جمهوری اسلامی خواهان ادامه غنی سازی و برداشتن تحریمهای نفتی و لغو محدودیتهای پولی و بانکی شد. طرفهای مقابل، لغو تحریمهای جدی را مشروط به این دانستند که جمهوری اسلامی هرگز به سلاح هسته ای دست نیابد و هرگز این امکان را نداشته باشد که بتواند ساخت آن را از سر گیرد.

خامنه ای می توانست مجبور به نوشیدن جام زهر نشود و تحریمی هم وجود نداشته باشد. اما حرص قدرت و اهداف شوم، او را اکنون به این فلاکت کشانده که مجبور شود کارگزارانش را به این نشستها و مذاکرات بفرستد آنهم بدون داشتن راه حل واقعی و فقط با شیوه های فریبکارانه و امید به موفقیت آن. اکنون که فرصت وی سر آمده نیز با سیاست یکدست پیش کشیدن و با دست دیگر پس زدن، از نوشیدن جام زهر فرار می کند.

این بار اما صبر و تحمل طرفهای مقابل به سر آمده. روز پنجشنبه، آقای ظریف و خانم اشتون به تنهایی و بدون شرکت نمایندگان شش کشور گفتگو کردند و وزرای خارجه شش کشور نیز تنها در شرایطی که پیشرفت چشمگیری صورت بگیرد، حاضر به حضور در ژنو شدند.

جنتی روز جمعه در نماز جمعه تهران تلاش تمسخرآمیزی کرد تا با خواندن روضه "علوی و عاشورایی" و دشمنی آمریکا با "اسلام"، برای بحران سازی و بن بست آفرینی رژیم اش توجیه ایدئولوژیک بترشد. پیش از او هم خامنه ای با "سگ هار و نجس منطقه" نامیدن اسرائیل بر همین بوق دمیده بود. به نظر می رسد همانطور که لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه پیشتر گفته بود، غرب دیگر نمی خواهد بخشی از این بازی "شیادانه" باشد.

عقب نشینی در فراسوی مانور هنرمندان

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر دوشنبه ۴ آذر

نتیجه اجلاس ۴ روزه هیات مذاکره کننده رژیم با ۶ کشور بزرگ، نشان دهنده وضعیت بحرانی ولی فقیه و تحمیل جرعه هایی از جام زهر به اوست. دست برداشتن از برخی اقدامات ماجراجویانه به منظور دستیابی به سلاح اتمی، خواست مردم ایران است. رژیم ولایت فقیه با هزینه های سنگین در پروژه اتمی، فقر، بدبختی، بی کاری و ویرانی اقتصاد را بر مردم ایران تحمیل کرد و سرانجام مجبور به عقب نشینی شد.

گرچه قول و قرارها و امضاهای رژیم قابل اعتماد نیست و احتمال زیر پا گذاشتن تعهدات از جانب رژیم وجود دارد، اما همین حد از عقب نشینی و قبول برخی از خواسته های جامعه جهانی، ناشی از فشار شرایط به رژیم بوده است. سخن پراکنی تند و عصبی ولی فقیه درست چند ساعت قبل از شروع دور سوم مذاکرات دو علامت به همراه داشت. علامت اول «مانور ریاکارانه» برای ارضای مخالفان درون حکومت و علامت دوم تأیید مذاکره کنندگان و در نتیجه محصول مذاکره.

وزارت امور خارجه رژیم در انتشار اولیه متن توافق بخشهایی از آن را سانسور کرد. اما خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران با گفتن کلمه «متأسفانه» اقدام به انتشار بخش سانسور شده توافق نمود.

نامه روحانی به ولی فقیه که هیات مذاکره کننده را فاتح نشان داده و همچنین پاسخ ولی فقیه به این نامه، نشان دهنده این است که توافق با تأیید کامل خامنه ای صورت گرفته است.

در این توافق مساله مورد مشاجره، یعنی متوقف کردن تواناییهای رژیم برای ساختن سلاح هسته ای حداقل برای ۶ ماه به سود طرفهای خارجی و البته به سود مردم ایران تعیین تکلیف شد.

صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی بعد از پخش توافقنامه اعلام کرد که «غنی سازی حق ماست و ما می توانیم تولید اورانیوم را تا حتی ۱۰۰ درصد ادامه دهیم. اگر قرار باشد امتیازی به آنها بدهیم داوطلبانه است». وی می گوید ما «درجه غنی سازی را برای شش ماه محدود کردیم تا مذاکرات جامع صورت گیرد و تکلیف غنی سازی بالای ۵ درصد مشخص شود».

در حالی که استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی برای رژیم ایران در تمام قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده، باند روحانی - ظریف این گونه وانمود می کنند که گویا با این توافقنامه چنین حقی به رسمیت شناخته شده است. روشن است که هدف ولی فقیه رسیدن به سلاح اتمی و استفاده از آن برای قدرت نمایی در منطقه بوده و اکنون به این برنامه یک ضربه وارد شده است.

حل مشکل آب در دستور کار رژیم نیست

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر یکشنبه ۱۰ آذر



آب به عنوان حیاتی ترین نیاز مردم برای ادامه حیات، یکی از مهمترین مشکلات و چالشهای جامعه ما، به ویژه برای کشاورزان است. اقدامات رژیم تا کنون در این زمینه ها نشان دهنده بی برنامه گی در زمینه حل بحران آب است. برای استبداد حاکم بر ایران، ساخت موشک و مداخله در کشورهای منطقه با هزینه های سرسام آور بسیار مهمتر از حل مساله آب است.

در هفته گذشته اعتراضات مردمی نسبت به اقدامات رژیم برای رود کارون و زاینده رود به صورت گسترده ای انجام شد. روز پنجشنبه ۷ آذر هزاران تن از مردم اهواز در امتداد رود کارون اقدام به ساختن زنجیره ای انسانی نمودند و نسبت به طرح رژیم برای انتقال آب رود کارون به استانهای مرکزی اعتراض کردند. مردم اهواز در طرحهای مخرب رژیم در مورد آب که سرنوشت زندگی آنها را رقم می زند هیچ گونه مشارکتی ندارند.

در رویدادی دیگر روز آدینه ۸ آذر، در چهارمحال بختیاری گروه عظیمی از مردم با تشکیل زنجیره انسانی در کنار زاینده رود به احداث تونل گلاب اعتراض نمودند.

اعتراض گسترده و مردمی نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه و همچنین اعتراض فعالان محیط زیست نسبت به سیاستهای مخرب زیست محیطی رژیم سابقه ای طولانی دارد. در این اعتراضها همواره تعدادی از فعالان اجتماعی توسط رژیم دستگیر شده اند.

جمهوری اسلامی با هزینه های بسیار برای صدور بنیادگرایی اسلامی با تکیه بر صدور تروریسم به دفاع از ارتجاعی ترین نیروها در منطقه دست زده است. دستیابی به سلاح اتمی و بالابردن توان نظامی برای تحقق رویاهای ارتجاعی گردانندگان رژیم ولایت فقیه تا کنون هزینه های سنگین و کمر شکنی بر مردم ایران تحمیل نموده است. فقر و بی خانمانی و کمبود آب به ویژه در مناطق محروم ایران دستاورد رژیم طی بیش از سه دهه است. برآمد اقدامات و سیاستهای رژیم نشان دهنده این است که حل بحران آب و مشارکت مردم بدین منظور در دستور کار رژیم نیست و از اینرو باید با مبارزه متحد، سرکردگان رژیم را مجبور به اختصاص بودجه لازم برای حل بحران آب نمود.

۱۶ آذر، تا آخرین نفر، آخرین نفس

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... شنبه ۱۶ آذر

بار دگر شانزدهم آذر، آمد و سر به سر، در قلوب مردم شعله افکند
جنبش دانشجویی ایران، به خون شهیدان، در ره خلقمان، خورده سوگند



که تا آخرین نفر، آخرین نفس، کوشیم و بشکنیم، دیوار این قفس در ره آزادی ایران
شریعت رضوی، قندچی و بزرگ نیا در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ پرچم مقاومتی را بر افراشتند که نماد آزادیخواهی و مقاومت
نسل آگاه و جوان گشته است. این روز نقطه عطفی در جنبش دانشجویی است که سالها پیش از آن نمود پیدا کرده بود.
بیش از نیم قرن مبارزه در برابر رژیمهای فاسد از جمله دو رژیم فاسد و دیکتاتوری شاه و استبداد مذهبی جمهوری
اسلامی.

به همانگونه که سرکوب جنبش دانشجویی با ریختن خون این سه قهرمان برای دیکتاتوری شاه سخت و سنگین تمام شد، مقاومت شکست ناپذیر این جنبش، جمهوری اسلامی را نیز به زیر خواهد کشاند. از این روست که در عین حال که جمهوری اسلامی طی سالها تلاش کرده با فریبکاری و جعل، حکومت ننگین خود را به این روز مرتبط کند، هر سال در آستانه فرا رسیدن روز دانشجو هر چه بیشتر بر بار امنیتی و خفقان زای دانشگاه افزوده تا دانشجویان نتوانند خشم و نارضایتیهای خود را بروز دهند.

امروز به نام دانشجویانی که به خاطر خواسته های حق طلبانه و عدالت خواهانه خود در گوشه سلولهای هولناک جمهوری اسلامی بسر می برند و حتی از امکانات به اصطلاح قانونی هم بهرمنند نمی شوند، به نام دانشجویانی که جان خود را به خاطر باورهای حق طلبانه شان از دست داده اند، شکنجه شده و یا از دانشگاه اخراج گردیده اند و بیاد آنان که به اعتراضات گسترده در دانشگاه و در خیابانها دست زدند و هدف وحشیگری مزدوران بسیجی و لباس شخصی و امنیتی قرار گرفتند، حک شده و پاس داشته می شود.

حکومت جمهوری اسلامی یکبار دیگر با تغییر شکل ظاهری و روی کار آوردن رییس جمهور "اعتدال" نشان داده است که ظرفیت هیچگونه اعتراض و شنیدن صدای آزادیخواهی مردم ایران و به ویژه دانشجویان را ندارد. از این رو، این مبارزه تا سرنگونی حکومت ولایت فقیه و تا برقراری آزادی و دموکراسی و روزی که دانشگاه پر شور و فعال در سرنوشت کشور مداخله گر باشد، ادامه خواهد داشت.

با درود به همه زندانیان سیاسی و به ویژه در روز دانشجو به زندانیان دربند از جمله مجید توکلی، ضیا نبوی، شبلم مددزاده، بهاره آیت، مجید دری، عبدالله مومنی و بسیاری دیگر، روز دانشجو را پاس می داریم.

جهانشمول بودن حقوق بشر و رژیم ضد بشری ایران

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر سه شنبه ۱۹ آذر

مردم ایران در شصت و پنجمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، همچنان زیر سیطره حکومتی قرون وسطایی و ضد بشری به سر می برند. نصیب مردم ایران تنها یک امضا در پای اعلامیه جهانی حقوق بشر است. دو سال پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، در سال ۱۹۵۰ میلادی (۱۳۲۹ خورشیدی) حکومت ایران آن را امضا کرد.

مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر که در روز دهم دسامبر سال ۱۹۴۸ میلادی برابر با سال ۱۳۲۷ خورشیدی در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، تا به امروز شامل حال مردم ایران نشده است. بسیاری از حاکمان کشورهای دیکتاتوری و مذهبی با تکیه بر قوانین شرعی و با توجیه شرایط فرهنگی خاص، حقوق شهروندی مردم، به ویژه زنان را نقض می کنند. بر همین روال دیکتاتوری ولایت فقیه با دست آویز قراردادن شرایط خاص و با استفاده از مذهب، نه تنها خود را پایبند به پیمانهای مطرح شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر نمی داند، بلکه نقض حقوق بشر را با تحمیل قوانین ارتجاعی نهادینه کرده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر شامل ۳۰ ماده است. رژیم ولایت فقیه حتا به رعایت یک ماده آن هم تن نداده است. در مقدمه اعلامیه فوق اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان را، شناسایی حیثیت ذاتی کلیه اعضای بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان دانسته است. در ماده ۳۰ یعنی آخرین ماده اعلامیه فوق آمده است: «هیچ یک از مقررات اعلامیه حاضر را نمی توان به نحوی تفسیر کرد که برای دولتی یا گروهی یا فردی متضمن حقی شود که بنا بر آن، بتواند به فعالیتی دست زند، یا کاری انجام دهد که هدف آن از بین بردن حقی از حقوق و آزادیهای مذکور در این اعلامیه باشد».

از آنجا که مفاد این اعلامیه برای کشورهای امضا کننده الزام آور نیست، بسیاری از دولتها و منجمله رژیم ایران تمامی مفاد آن را نقض می کنند. الزامی کردن منشور حقوق بشر و پیمانهای وابسته به آن، حفره هایی که به بی عدالتی و پایمال کردن آزادی منجر می شود را کاهش می دهد.

دروید بر زندانیان سیاسی در زندانهای ایران، از اوین و گوهر دشت تا زندان اهواز و زاهدان و... که در اعتصاب غذا هستند و درود به اعتصاب غذا کنندگان در زندان لیبرتی و حامیان آنها در سراسر جهان که در اعتصاب غذا هستند و برای دفاع از حقوقشان که همان حقوق بشر است از جان خود مایه گذاشته اند.

آثار جام زهر هسته ای در سفر هیات اروپایی

منصور امان

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۷ آذر

رژیم ولایت فقیه زیر آثار نخستین جرعه جام زهر هسته ای در حال پیچ و تاب خوردن است. هیاهوی به راه افتاده گرد سفر یک هیات پارلمانی اروپا به ایران و نزاع داخلی مقامها و نهادهای حکومتی که آن را همراهی می کند، بخش دیگری از این پیامدهای ناخواسته است.

دیدار هیات هشت نفره مزبور با دو تن از معترضان شناخته شده، خانم نسرین ستوده و آقای جعفر پناهی، به یک جنجال پُر سروصدا در بالاترین سطح سیاسی جمهوری اسلامی دامن زده است. در حالی که حکومت امید فراوانی به بهره برداری تبلیغاتی از سفر هیات پارلمانی اروپا بسته و برای خرج کردن آن در معامله های بازرگانی حساب باز کرده بود، اکنون آن را آماج حملات تند خود قرار داده و مجلس از یک سو و دولت از سوی دیگر، به تبریه خود از برنامه سفر هیات مزبور می پردازند.

همزمان، باند رقیب دولت از بررسی موضوع در کمیسیون امنیت ملی مجلس خبر داده و احتمال احضار وزیر خارجه به مجلس را به میان آورده است. دولت نیز به نوبه خود، حریفانش را مسوول سفر هیات و دیدارهایش معرفی می کند. در یک گام جلوتر، روز گذشته (سه شنبه)، رییس دیوان عالی کشور، "دولتمردان" را به "خیانت" متهم کرد.

با توجه به اینکه سفر هیات اروپایی و ترتیبات آن از پیش هماهنگ شده بوده، بخش اصلی درگیری پایوران حکومت را می توان در طبقه بندی "جنگ زرگری" و برای گل آلود کردن آب و پوشش دُنباله دار شدن "نرمش قهرمانانه" جای داد. آنها مایل به برجسته شدن این زاویه ناگزیر از عقب نشینی هسته ای نیستند، بیشتر از همه به دلیل هراس از تحرک بیشتر مخالفان و منتقدان و پیشروی جامعه در قلمروی که "نظام" وامی گذارد.

با این همه و به رغم ژستهای خشم آلود و ناراضی میزبانان هیات یاد شده، یک مقایسه ساده هم می تواند نشان دهد که دعوت از فرستادگان اروپایی با وجود آگاهی از گنجانده شدن مساله "حقوق بشر" در دستور سفر آنها، یک عقب نشینی آشکار نسبت به رویکرد "نظام" در سال گذشته است که به دلیل طرح همین موضوع، مانع از سفر هیات پارلمانی اروپا شد.

چرخش مزبور به خوبی تنگنا و نیاز حاکمان ایران به کاهش یا رفع مجازاتهای بین المللی فراتر از "تحریم هسته ای" که در توافق ژنو بدان اشاره گردیده را آشکار می سازد. از سوی دیگر، برای تاجران و فروشندگان اروپایی، انعطاف نمایی مَلاها یک گام ضروری برای زدودن تردیدهای اخلاقی و سیاسی در کشورهای خود در مورد معامله با افراد و حکومتهای معاشرت ناپذیر است.

بی تردید این پرسش که "اقدامات مثبت" استبداد مذهبی چه ماهیت و گستره ای دارد، کسب و کار بازرگانان حریص یا هیاتهای پیش قراول که راه آنها را هموار می کنند نیست، اما دستکم در این مورد مشخص، پرسش مزبور حتی مطرح هم نمی تواند بشود. جنجال سیاسی و درگیری مقامهای حکومت نشان داد که "نظام" ظرفیت مانور گرد بند ناف حیاتش را حتی به طور ظاهری و سطحی هم ندارد.

آنچه که امروز شدنی نیست، به معنای ناممکن بودن همیشگی نیست. زهری که آقای خامنه ای و همدستان گام به گام در حین "نرمش هنرمندانه" رو به عقب می چشند، به تدریج اثر می کند. فشار جامعه می تواند به این پروسه شتاب بخشد و به موازات آن، تفاهمهای فاسد خارجی با ماهیت منفعت طلبانه را بی اثر سازد.

ردپای داراییهای غارت شده مردم ایران در ترکیه

منصور امان

فراسوی خبر... آدینه ۲۹ آذر

جنگ قدرت داخلی در دولت ترکیه و حزب اسلامگرای حاکم (عدالت و توسعه)، ردپای تازه ای را از غارت داراییهای مردم ایران و نیز سیستم پولشویی رژیم ولایت فقیه در برابر دید قرار داده است.

دستگیری اعضای یک شبکه فساد دولتی که در میان آنها فرزندان ۳ وزیر دولت آقای اردوغان، شماری از مدیران بلندپایه اقتصادی و مقامهای ارشد پلیس به چشم می خورد، رژیم جمهوری اسلامی را نیز با رسوایی تازه ای روبرو کرده است. منابع ترک از دستگیری فردی به نام ناصر ضراب که از او به عنوان "تاجر ایرانی" نام می برند، خبر داده اند. نام آقای ضراب در پرونده مزبور پس از آن به میان آمد که فاش گردید وی به شماری از متهمان پرونده مزبور برای انتقال غیرقانونی پول از ایران رشوه داده است.

به گفته این منابع، بانک ملی ایران بین سالهای ۱۳۸۸ تا ۹۲ که دوره دؤم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه بر منصب ریاست جمهوری را در بر می گیرد، مبلغ ۸۷ میلیارد یورو (نزدیک به ۱۱۹ میلیارد دلار) را به سه شرکت ساختگی این فرد انتقال داده است.

همزمان آشکار گردیده که آقای ضرابی یکی از دست اندرکاران قاچاق یک ونیم تن طلا است که سال گذشته پس از ورود به ترکیه کشف و توقیف شد. یک وبگاه نزدیک به آقای رفسنجانی (بازتاب امروز) در آن زمان مدعی گردید که یک تاجر نفت به نام بابک زنجانی صاحب طلاهای مزبور به ارزش ۱۸ میلیارد دلار است. اینک مقامهای پلیس ترکیه می گویند که آقای ضرابی این طلاها را با پرداخت رشوه به مسوولان ترک از توقیف خارج و به مقصد شرکت آقای بابک زنجانی در دوی فرستاده است.

از اطلاعات مزبور چنین برمی آید که دو "تاجر" نامبرده، اعضای یک شبکه واحد هستند که به عنوان زیر مجموعه سیستم بانکی و نفتی رژیم جمهوری اسلامی فعالیت می کند و در کنار وظیفه پولشویی و "دور زدن تحریمها"، به طور فعال در خدمت پُر کردن جیب گردانندگان قدرتمند خود نیز قرار دارد.

"فعالیت" های آقایان زنجانی و ضراب یک سرنخ جالب از چگونگی غیب شدن بخشی از درآمدهای نفتی کشور و یا دستکم پرنسیب کلی "خارج شدن ارقام نجومی از کشور" به دست می دهد. آقای عماد حسینی، یک نماینده مجلس، در بهمن ماه ۱۳۹۰ بیان جالبی از این امر داده است: "گزارش رسمی دیوان [محاسبات] برایمان ملاک است، آن چیزی که به ما ابلاغ شده این است که ۱.۲ میلیارد دلار در بودجه، گم نشده، اما هزینه کرد آن مشکل دارد؛ هرچند رییس دیوان محاسبات عقیده دیگری دارد و می گوید گم شده. البته در سال ۸۶ بیشتر از این است، حدود دو میلیارد و در سال ۸۷ حدود پنج میلیارد دلار. در سال ۸۹ هم ۱۲.۱ میلیارد دلار است."

حُجّت الاسلام روحانی در گزارش صدروزه خود به چاله های سیاه مالی "نظام" اشاره کرده و جمع و تفریق کرده بود: "مجموع درآمدهای نفتی و ارزی کشور در طول دولت گذشته به ۷۵۰ میلیارد دلار رسید، این در حالیست که همان دولت، بدهکارترین دولت بود."

در ابتدای ماه جاری نیز آقای عوض حیدرپور، یک نماینده دیگر مجلس مَلاها فاش ساخت: "تراز مالی درآمدها و هزینه هایی که در دولتهای نهم و دهم انجام گرفته نشان می دهد رقمی حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ میلیارد دلار بلامتکلیف وجود دارد."

ناگفته پیداست که آگاهی مسوولان "نظام" از چپاول خزانه عمومی، نه به پیگرد و مجازات کسی منتهی گردیده و نه به این روال خاتمه داده است. آقای بابک زنجانی شاهد زنده همزیستی مُسالمت آمیز "نظام" و فساد است؛ وی با وجود علنی شدن اختلاس نزدیک به سه میلیارد دلار و همچنین لو رفتن تباری برای غارت شرکتهای تامین اجتماعی، نه تنها تاکنون تحت پیگرد قرار نگرفته، بلکه همچنان در حوزه آنچه که پُشتیبانان قدرتمندش "فعالیت اقتصادی" می نامند، به کار گرفته می شود.

شهادای فدایی در دی ماه

رفقا: فتح الله کریمی - خاطره جمالی - مرتضی حاج شفیعی ها - حسین محمودیان - مرتضی احمدی - سیروس قصیری - محمد زین الدینی - یوسف زرکاری - فاطمه حسن پور اصیل - بهمن روحی آهنگران - مسرور فرهنگ - حسن نوروزی - فاطمه (شمسی) نهانی - شاهرخ میثاقی (اولین شهید جنبش دانشجویی خارج کشور) - خدابخش شالی به دست دژخیمان شاه و خمینی در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم از سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

انتشارات تصویری



فیلم یادمان سی و نهمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

درهمبستگی با قیام رنگین کمان بیشماران

سخنران: زینت میرهاشمی

رستاخیز سیاهکل، خیزش بیشماران و مواضع ما

گفتگو و تبادل نظر: جعفر پویه و منصور امان

برنامه هنری: ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



دو DVD در یک بسته

- ۱- فیلم کامل یادمان چهلمین سالگرد رستاخیز سیاهکل در کُن - آلمان،
 - ۲- چهلمین سالگرد حماسه سیاهکل در تلویزیونهای آسوسات، سیمای آزادی و تیشک
- ۹ ساعت در این مجموعه
 قیمت: ۱۰ یورو یا ۱۵ دلار
 برای دریافت این بسته با آدرس زیر تماس بگیرید
nabard@iran-nabard.com



چهل و یکمین سالگرد رستاخیز سیاهکل

در همبستگی با بهار عرب و جنبش اشغال وال استریت

سخنرانان: زینت میرهاشمی و مهرداد قادری

گفتگو و تبادل نظر با سخنرانان

برنامه هنری ترانه سرودهای به یاد ماندنی کارگاه هنر ایران

قیمت ۷ یورو (۱۰ دلار). این فیلم با سیستم آمریکا باید روی کامپیوتر دید



۳۳۳ شماره نبرد خلق در یک سی دی

قیمت ۱۰ یورو ۱۵ دلار

NABARD - E - KHALGH

No : 342 22 December. 2013

Price: \$ 1 – 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

آدرسهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار و فراسوی خبر، رادیو پیشگام، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها و رویدادهای روز ایران و جهان

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org